



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

ظہیر

آرام دجلہ

تالیف : حسین ایشاکم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# سیمای کاظمین - آرام دجله

نویسنده:

حسن ایدرم

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۹	سیمای کاظمین آرام دجله
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۷	مقدمه مؤلف
۱۹	بخش اول کاظمین «آرام دجله»
۱۹	دشت کاظمین
۲۰	کاظمین بزرگ
۲۳	جمعیت
۲۳	آب و هوا
۲۴	کشاورزی و دامداری
۲۵	صنعت
۲۶	معماری همگرا
۲۷	اسامی شهر
۳۱	بخش دوم کاظمین در نگاره زمان
۳۱	تاریخ عمومی شهر کاظمین
۳۱	[ سرزمین آباد
۳۳	شُونیزی
۳۳	مقبره الشهداء [آرامگاه شهیدان]
۳۳	مقابر قریش
۳۴	غربت یک مرگ
۳۸	غم دیگر
۴۱	بذر نخستین

۴۱	معزالدوله
۴۴	عضدالدوله
۴۵	حرم در آتش
۴۶	روز انتقام
۴۸	مَجْدُ الْمَلِك
۵۰	خلافت ناصر
۵۳	آخرین خلیفه
۵۵	عهد مغول
۵۸	سلطان اویس
۵۹	آغاز درخشش
۶۰	اتراک در کاظمین
۶۱	ضریح فولادی
۶۲	غار حرم
۶۳	هدایای نادر
۶۳	اصلاحات قاجار
۶۵	مدحت پاشا
۶۶	فرهاد میرزا
۶۷	قرن سیزده
۶۹	بخش سوم کاظمین در چشمان یک زائر
۶۹	اشاره
۶۹	فصل اول: نگاهی کوتاه به زندگی دو امام علیهما السلام
۶۹	باب الحوائج
۷۳	باب المراد
۷۵	فصل دوم: نگاهی به وضع کنونی حرم و شمه‌ای از آداب آن

۷۵	دور نمای حرم
۷۶	گذری در حرم
۷۶	گاه صدق
۷۹	درب‌های حرم مطهر
۸۰	صحن
۸۲	تا روضه
۸۳	رواق‌های حرم
۸۴	روضه
۸۵	درب‌های روضه
۸۵	اذن ورود
۸۸	زیارت
۹۲	توصیفی از روضه‌ها
۹۴	ضریح
۹۵	جلوه‌گاه هنر
۹۷	نگاره شعر
۱۰۱	بخش چهارم کاظمین در گستره دین
۱۰۱	[جغرافیای دینی شهر کاظمین
۱۰۱	[ کاظمین در روایات
۱۰۳	کاظمین در حکایات
۱۰۸	آثاری از گذشته
۱۱۰	گنجینه به غارت رفته
۱۱۲	حوزه علمیه کاظمین
۱۱۴	کتابخانه‌ها
۱۱۶	خاندان‌های کاظمین

۱۱۹	فرزندگان کاظمین
۱۲۸	آرامگاه‌ها
۱۲۸	ابن قولویه
۱۲۹	شیخ مفید
۱۳۰	آرامگاه‌های دو برادر
۱۳۳	خواجه نصیر و توفیق بزرگ
۱۳۵	بخش پنجم کاظمین، از حماسه تا سال‌های فروغ
۱۳۵	اتاریخ سیاسی معاصر شهر کاظمین
۱۳۶	حماسه کاظمین
۱۴۳	فریاد استقلال
۱۴۸	سال‌های فروغ (۱۳۶۸ ه. ق. - ۱۴۰۰ ه. ق.)
۱۶۷	سقوط دیکتاتور
۱۷۱	فهرست منابع
۱۷۶	درباره مرکز



## سیمای کاظمین آرام دجله

### مشخصات کتاب

- سرشناسه: ایدرم، حسن، ۱۳۴۴-  
عنوان و نام پدیدآور: سیمای کاظمین: آرام دجله/تالیف حسن ایدرم.  
مشخصات نشر: تهران: مشعر، ۱۳۸۷.  
مشخصات ظاهری: ۱۶۷ ص. ۱۲×۲۱ س.م.  
شابک: : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۰۹۵-۶ ۱۰۰۰۰ ریال  
وضعیت فهرست نویسی: فیپا  
یادداشت: کتاب حاضر قبلاً در سال‌های مختلف توسط ناشران متفاوت منتشر شده است.  
یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۶۳] - ۱۶۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
موضوع: زیارتگاه‌های اسلامی -- عراق -- کاظمین.  
موضوع: کاظمین -- تاریخ.  
رده بندی کنگره: DS۷۹/۹ ک/۲ الف ۹ ۱۳۸۷  
رده بندی دیویی: ۹۵۶/۷۵  
شماره کتابشناسی ملی: ۱۲۰۸۸۰۸  
ص: ۱

### اشاره

















## مقدمه مؤلف

ص: ۹

«بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبُّ غَفُورٌ» (۱) بویی چون ز شهر یار آمد ما روی بدان دیار داریم

ما را نبود به شهر کاری ما کار به شهریار داریم (فیض)

تجلی خدا، این برترین و زیباترین در عرصه هست‌ها، هر چند که با نبود والیان برگزیده‌اش، نمودی کامل در هویت و ساختار تمدن اسلامی نیافت اما همین اندک پاگرفته را هم یارای آن هست، گستره‌های زیبایی را از این

---

۱- بخشی از آیه ۱۵ سوره سبأ، در توصیف شهر سبأ

ص: ۱۰

تجلی، در حیات پیراسته انسانی به رخ بکشد، حیاتی توأمان با آرامش، «اضیلها ثابت و فرعها فی السماء» (۱) آنچه اکنون پیش رو دارید، کوششی در بازساخت نگاره دینی شهر کاظمین است، شهری که با دربر گرفتن دو پیکر از پاک‌ترین انسان‌ها، دجله (۲) جان را به آرامش فراخوانده و آرامش را به خروش دجله‌وار. ادب اقتضا دارد که بر پیشی جویان این سوی و مقصد، فروتنی و سپاس را نثار کنیم که سابقان مقربانند. (۳) امید که قرین خشنودی شما هم شود.

حسن ایدرم

قم

۱- قسمتی از آیه ۲۴ سوره ابراهیم علیه السلام

۲- کلمه دجله معرب به معنای تند و تیز، در زبان پهلوی باستان است. فرهنگ معین، ج ۵، ص ۵۲۰

۳- مضمون آیه ۱۰ و ۱۱ سوره واقعه، «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ \* أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»

ص: ۱۱

**بخش اول کاظمین «آرام دجله»****دشت کاظمین**

۱۵ مساحت عراق را دشت‌هایی تشکیل می‌دهد که از رسوبات دجله و فرات به وجود آمده‌اند. شهر کاظمین نیز بر دشتی واقع شده که در شرق و جنوب شرقی، دارای انحنا است. این انحنا باعث شده رودخانه دجله- تنها منبع آبی منطقه- در این نقطه حرکتی کند یافته، سطح رسوبات در دشت کاظمین افزایش یابد و رفته رفته با کاهش بستر رود، زمینه مساعدی برای بروز سیل ایجاد گردد و با گذشت زمانی طولانی، رودخانه دجله تغییر مسیر دهد. (۱) از طرفی با وجود رسوبات فراوان و گل و لای حاصل از

---

۱- این تغییر مسیر یک بار تحقق یافته

ص: ۱۲

آن، مناطق مسکونی از رودخانه دجله فاصله گرفته و به جای آن، در اطراف رودخانه، باغ‌های زیادی تشکیل شده است. (۱)

## کاظمین بزرگ

کاظمین، اکنون یکی از شهرهای بزرگ عراق است که در شمال غربی بغداد (۲) بین طول جغرافیایی ۴۴/۱۵ و

۱- الجغرافیه الاجتماعیه لمدينه الكاظمیه الكبرى، ص ۱۱-۱۳

۲- بغداد بزرگ‌ترین شهر عراق، مرکز استان بغداد و پایتخت این کشور است که در وسط آن قرار دارد. خود نام «بغداد» نامی ایرانی است که در زمان ساسانیان به آن منطقه نهاده شد. بغداد در روزگار عباسیان به پایتختی برگزیده شد و در همان زمان هم نام آور گشت؛ به گونه‌ای که نمادی برای سرزمین‌های اسلامی سده‌های میانه بود. شاید بغداد جدید در کنار شهر قدیمی بغداد که در ۵۰ مایلی شمال بابل واقع شده بود، ساخته شده است. این شهر جایگزین تیسفون پایتخت شاهنشاهی ایران و دمشق پایتخت امپراتوری اموی شد. با سرنگونی عباسیان به دست مغول‌ها بغداد نیز ویران و مردمش کشتار شدند. در سال‌های دورتر بغداد و پیرامون آن میان ترکمانان و عثمانیان و آنگاه صفویان دست به دست می‌شد. سرانجام به‌عنوان بخشی از عثمانی شناخته شد تا این که پس از جنگ جهانی دوم و تکه‌تکه شدن عثمانی، زیر نظر انگلیسی‌ها به‌عنوان مرکز کشور تازه تأسیس عراق درآمد. طراحی این شهر به‌صورت دایره‌ای با قطر ۲ کیلومتر بود که این شهر را به‌عنوان «شهر گرد» معروف ساخت.

در سال ۱۹۳۲، محله‌های بزرگ بنا بر تقسیم مذهبی، عبارت بودند از:

اعظمیه: سنی‌نشین، کاظمیه: شیعه‌نشین، کراده: مختلط، منصور: مختلط، دوره: مختلط، بغدادالجدیده: مختلط، شهرک صدر: شیعه

نشین، شهرک حریه: مختلط؛ هم‌اکنون شهر بغداد از مناطق زیر تشکیل شده است:

اعظمیه، کرخ، کراده، کاظمیه، منصور، شهرک صدر، رشید، رساله، نهم نیشان.

منبع: ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد

ص: ۱۳

۳۳/۴۴ و عرض ۳۳/۲۱ و ۳۳/۲۴ قرار دارد.

شهر از ناحیه قسمت قدیمی به تدریج گسترش یافته و به شهرک‌ها و آبادی‌های اطراف متصل شده است. مرزهای طبیعی شهر، نهر دجله در شرق و شمال شرقی، اراضی «ذات السلاسل» در طرف غرب، ناحیه «تاجی» در شمال و بخش مرکزی «کرخ»، و نهر خزر در جنوب می‌باشد.

بخش مرکزی و قدیمی شهر از پنج محله زیر تشکیل شده است:

۱. شیوخ، مشتمل بر باب‌الانبار که قدمت آن به عصر خلفای عباسی می‌رسد.

۲. تل که سهیلات و ام‌النومی و نوجیه را در بردارد.

۳. دباغ‌خانه،

۴. قطنانه،

۵. عکیلات.

ص: ۱۴

چهار محله نخست در چهار جهت اصلی حرم قرار گرفته و عکیلات در جنوب همه آنها واقع است. مناطقی که به قسمت‌های اصلی شهر افزوده شده و شهر بزرگ کازمین را تشکیل داده‌اند و هم اکنون بیشتر جمعیت شهر نیز در آن به سر می‌برند، عبارتند از: ۱. عطیفه ۲. سلام ۳. حرابه ۴. نور ۵. نواب. «(۱)» تا سال ۱۳۹۲ ه. ق. دو پل، کازمین را به بغداد متصل می‌کرد؛ پل ائمه قسمت شمالی کازمین را به شهر اعظمیه، و پل «صرافیّه» هم قسمت جنوبی شهر را به عیوضیه متصل می‌کرد. (۲)

نمایش تصویر

---

۱- الجغرافیه الاجتماعیه لمدينه الكاظمیه الكبرى، ص ۹ و ۴۷- اطلس بغداد، ص ۲۴-۲۵، تاریخ کازمین، ص ۱۳

۲- همان، ص ۱۵

ص: ۱۵

**جمعیت**

از آغاز قرن حاضر، جمعیت شهر کاظمین فزونی چشمگیری یافته؛ انگیزه‌های معنوی و مادی زمینه‌ساز این افزایش بوده‌اند. در سال ۱۹۶۵ م. جمعیت این شهر، به بیش از ۲۵۰۰۰۰ نفر رسید. با این همه شهر کاظمین، با آن که بالاترین مساحت را در بین چهار فرمانداری استان بغداد به خود اختصاص داده، کم‌ترین تراکم را داراست. البته، جمعیت شهر کاظمین، در موسم‌های دینی ثابت نمی‌ماند.

بر اساس تخمینی، تعداد زائران این شهر در سال ۱۹۷۵ م.

بالغ بر ۵ میلیون نفر بوده. در ترکیب جمعیت از نظر دینی، شیعیان در اکثریت هستند. در ترکیب نژادی شهر هم اکثریت با عرب‌هاست، اما اقلیت‌های دیگری نیز در شهر وجود دارند. ایرانیان تا سال ۱۹۶۹ اقلیت مهم و بانفوذی را در شهر کاظمین تشکیل می‌داده‌اند و تنها ایرانیان مُقیم در این سال به ۳۳۰۹ نفر می‌رسید. فراتر آن که عراق سرزمین اختلاط دو نژاد آریایی- سامی بوده، عرب محض در آن یا وجود ندارد یا اندک شمارند.

**آب و هوا**

معدل سالیانه حرارت در کاظمین، به ۲۲/۵ درجه سانتی‌گراد می‌رسد. با داشتن چنین معدلی، هوای کاظمین باید معتدل باشد، اما نبود نسبی رطوبت در هوا و ابرهای

ص: ۱۶

مؤثر بر کاهش گرمایی که زمین از تابش خورشید به دست می‌آورد، باعث شده هوای منطقه کمی گرم به نظر رسد. این خصیصه در بیش‌تر مناطقی که از دریا دورند، عمومیت دارد. بارش باران در منطقه کم است و معدل آن ۱۰۵ میلی‌متر در سال است. بارندگی در اوایل فروردین و مهر به صورت رگباری بوده و صدمات فراوانی به محصولات کشاورزی وارد می‌سازد. (۱)

### کشاورزی و دامداری

وجود هوای گرم و خشک و زمین‌هایی که مملو از رسوبات رودخانه دجله است، زمینه مساعدی برای کشت انواع محصولات کشاورزی در منطقه کاظمین است، اما بارش باران به اندازه کافی نیست و ارتفاع سطح زمین هم بین ۳۲ و ۳۶ متر می‌باشد. از این رو مسأله آبیاری و سدسازی در پیشرفت کشاورزی منطقه اهمیت به‌سزایی را دارا بوده و از عهد ساسانی به آن توجه شده است. مزیت دیگر این منطقه برای کشاورزی، مسطح بودن آن است، به گونه‌ای که کاربرد ماشین‌آلات کشاورزی را مقدور ساخته و در نتیجه، از هزینه‌های تولید کاسته است.



ص: ۱۷

امّا دآمداری در منطقه کاظمین به رشد مطلوبی نرسیده و علت آن، کم بودن سطح مراتع طبیعی و نبودن زمین‌هایی است که مخصوص تهیه علوفه باشد. (۱)

### صنعت

در گذشته در شهر کاظمیه بافندگی دستی شهرت خاصی را دارا بود. اهمیت این صنعت به اندازه‌ای رسیده بود که علاوه بر رفع نیاز داخلی، به ایران هم صادر می‌شد. اما با توسعه کارگاه‌های ماشینی و به صرفه نبودن بافندگی دستی، بازار آن به کساد گرایید. از جمله جزف قدیمی که از عهد عباسی در عراق رایج بوده و شهر کاظمین در آن آوازه‌ای به هم رسانیده، صنعت دباغی است. این صنعت از نظر ارزش، دومین صنعت عراق است. کارگاه‌های دباغی که نوعی اشتغال خانوادگی را به وجود می‌آورد، ابتدا در مرکز شهر، در محله دباغخانه، واقع شده بود، اما به علت آلوده‌سازی محیط زیست به خارج شهر انتقال یافت. (۲) جالب توجه این که اولین کارخانه‌ای که بعد از استقرار حکومت مشروطه در عراق احداث شد، کارخانه

---

۱- الجغرافیه الاجتماعیه لمدينه الكاظمیه الكبرى، ص ۱۳، ۵۰-۵۱

۲- همان، ص ۱۲۵

ص: ۱۸

ریسندگی و بافندگی «فتاح پاشا» در کاظمیه بود. (۱)

### معماری همگرا

در شهر کاظمین نوعی بناهای سنتی وجود دارد که دارای ویژگی‌های خاص خود است. همه خانه‌ها سرداب دارند. در وسط خانه، حیاطی قرار دارد که در زبان محلی به آن «حوش» می‌گویند. گرداگرد این حیاط اتاق‌ها واقع شده‌اند. خانه به طور معمول دو طبقه بوده، اتاق‌های آن کوچکند. دیوار ساختمان بلند بوده و به خانه‌های مجاور متصل است. نزدیکی ساختمان‌های رو به رو، به اندازه‌ای است که تنها راه باریکه‌ای بین آن‌ها وجود دارد که عبور ماشین از آن بسیار مشکل است.

این ساختمان‌ها در محله‌های قدیمی کاظمین، که حرم را در احاطه خود دارند، و در جنوب خیابان امام حسین علیه السلام، به چشم می‌خورند.

ساختمان‌ها در اطراف حرم شکل دایره‌ای به خود گرفته‌اند. این شکل، خصوصیات را در گذشته ایجاب می‌کرد. از جمله آن که از نظر سیاسی شهر را از آسیب محاصره نگه می‌داشت و انجام آن را با مشکل رو به رو می‌نمود. مهم‌تر آن که ساختار دایره‌ای شهر، گویای نقشی

ص: ۱۹

بوده که حرم در به وجود آوردن شهر در نگاه مردم داشته.

علاقه همجواری هم از انگیزه‌های مهم در ترسیم این نوع از ساختار بوده است. از این رو در نزد مردم کاظمین بر خلاف ساکنان دیگر شهرهای اطراف دجله، نزدیک بودن به حرم، ارزش والایی داشته و قیمت زمین‌های آن چندین برابر است. در واقع، نوعی ترجیح زیبایی معنوی حرم بر جلوه‌های زیبایی طبیعی دجله وجود دارد.

شهر از نگاه دور، مانند انگشتی رخ می‌نماید که حرم را به سان نگین در آغوش دارد.

از جهت اقتصادی هم این ساختار به سهولت رفت و آمد از دورترین نقطه تا مرکز شهر (حرم) کمک کرده و از نظر آب و هوا هم باعث می‌شود که از حرارت خورشید در تابستان کاسته شود؛ چون پنجره ساختمان‌ها، کوچک و کوچه‌ها هم تنگ و باریک است.

### اسامی شهر

منطقه شهر کاظمین از سال ۱۸۳ ه. ق. که امام موسی بن جعفر علیهما السلام در آنجا به خاک سپرده شد، رفته رفته از «مقابر قریش» به «مشهد موسی بن جعفر» و «مشهد کاظمی» تغییر نام داد. اما نامگذاری آن به «کاظمین» یا گاهی اوقات به «جوادین»، در سال‌های اخیر رواج یافته است. اکنون به این شهر، کاظمین یا «کاظمیه» می‌گویند. در عرف عامیانه گاهی

ص: ۲۰

به کاظمین به اختصار «کاظم» گفته می‌شود. «(۱) کاظمین که به معنای دو کاظم است، برای کاربرد «تغلیب» در جمع دوتایی (تثنیه) می‌باشد. روش تغلیبی این است که گاهی در جمع دوتایی که باید مفردهای آن یکسان باشند، حالت یکسانی وجود ندارد. برای همین با نام یکی از مفردها را که به لحاظی بر دیگری برتری دارد، تثنیه می‌بندند. اما این که چرا برخی جوادین گفته‌اند و به مسأله برتری نسبی در تغلیب توجه ننموده‌اند، به این جهت است که گوهرهای وجودی امامان علیهم السلام از یک نور بوده و هیچ یک بر دیگری برتری ندارند؛ مگر در تقدّم در وجود.

از این رو تغلیب به هر دو صورتش صحیح می‌باشد. در معنای لفظ کاظم باید گفت او کسی است که شدت خشم خود را نگه می‌دارد. (۲) این صفت، در قرآن، از صفات متقین شمرده شده است. «آل عمران، ۱۳۴»، «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكُظُمِينَ الْعَظِيمِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» کاظم صفت برجسته امام موسی بن جعفر علیه السلام است. در «مطالب السؤل» کمال‌الدین شافعی آمده، او برای حلم بی‌اندازه و گذشت فراوانش نسبت به افرادی که به او ستم

۱- . موسوعه العتبات المقدسه، ج ۱۰، ق ۳، ص ۳۰- تاریخ کاظمین، ص ۲۱

۲- . همان، ص ۴۰

ص: ۲۱

می‌داشتند، کاظم نام گرفت؛ آن حضرت در برابر بدی آنها به آنان نیکی می‌کرد. (۱) هم‌چنین می‌توان بردباری امام علیه السلام بر شراره‌های اندوه و انفسایی که هر امام از رنج دیگران بر خود هموار می‌ساخته و از مدار رضا و تسلیم به حق خارج نمی‌شده را علت این نامگذاری دانست؛ چنان که در زیارت ایشان آمده:

اللَّهُمَّ وَ كَمَا صَبَرَ عَلَى غَيْظِ الْمِحْنِ وَ تَجَرَّعَ غُصَصَ الْكُرْبِ وَ اسْتَسَلَّمَ لِرِضَاكَ وَ أَخْلَصَ الطَّاعَةَ لَكَ وَ مَحَضَ الْخُشُوعَ. (۲)

۱- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۳۸

۲- ... خدایا بر او درود فرست چنان که بر شدت محنت‌ها تاب آورد و اندوه بلاها را در خود فرو برد و برای رضای تو تسلیم بود و طاعت را برای تو ناب کرد و فروتنی را محض.

همان، ج ۱۰، ق ۳، ص ۴۷، مفاتیح‌الجنان، زیارت موسی بن جعفر علیه السلام



**بخش دوم کاظمین در نگاره زمان****[تاریخ عمومی شهر کاظمین]****[سرزمین آباد]**

نقش خاص جغرافیایی منطقه کاظمین موجب گشت که از آغاز تمدن بشری در بین‌النهرین، این سرزمین هم مورد توجه قرار گیرد. به گفته برخی از محققان، این منطقه، بخشی از نواحی پایتخت دولت «کشی» بود. این پایتخت که «کاریکالزو» نامیده می‌شد، توسط پادشاهی به همین نام، در ۱۵۰۰ ق. م. ساخته شد. اکنون بقایای آن که تل بزرگی است و به آن «عقرقوف» گفته می‌شود، در ۲۵ کیلومتری کاظمین قرار دارد. [\(۱\)](#)

در عهد ساسانی از این منطقه به‌عنوان باغ یکی از پادشاهان ایرانی که «تسوج قطربل» نامیده می‌شد، یاد شده است. [\(۲\)](#)

---

۱- موسوعۃ العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۳۸

۲- همان، ج ۹، ص ۱۱-۱۲، الجغرافیه الاجتماعیه لمدينه الكاظمیه الکبری، ص ۲

ص: ۲۴

نمایش تصویر



ص: ۲۵

**شونیزی**

برخی از مورخان همچون خطیب بغدادی گفته‌اند که مقابر قریش که بعداً مشهد کاظمین نام گرفت، پیش‌تر مقبره شونیزی صغیر نام داشت. شونیزی نام دو برادر بوده که هر یک در دو آرامگاه جداگانه در منطقه کاظمین دفن شده‌اند. «(۱)» گفته شده، لفظ شونیزی عربی بوده و به معنای دانه سیاه می‌باشد. از این رو احتمال دارد، اطلاق این اسم، بعد از دوره ساسانیان باشد. «(۲)»

**مقبره الشهداء [آرامگاه شهیدان]**

اولین آرامگاهی که مسلمان‌ها در منطقه کاظمین به وجود آورده‌اند، مقبره الشهداء بوده است. این آرامگاه محل دفن مجاهدانی بوده که در درگیری با خوارج، قبل از جنگ نهروان به شهادت رسیده‌اند.

**مقابر قریش**

منصور دوانیقی بعد از رسیدن به حکومت، در سال ۱۴۵ ه. ق. در صدد برآمد پایتختی را برای حکومت خود

---

۱- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۲۳ به نقل از تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۲۰

۲- تاریخ حرم کاظمین، ص ۱۳

ص: ۲۶

بنیان نهد. مکان این پایتخت مزرعه‌ای به نام مبارکه- که به کشاورزان بغدادی تعلق داشت و در غرب دجله و رو به روی قریه بغداد واقع بود- انتخاب شد. دلیل این انتخاب هم بلندی آن نسبت به قسمت شرقی دجله بود، تا یارای مقاومت در برابر طغیان‌های دجله را داشته باشد. «(۱)» سرانجام بنای این شهر مدور که مدینه‌السلام نام گرفت، در تاریخ ۱۴۹ ه. ق. پایان پذیرفت. «(۲)» اما شادمانی منصور از برپایی چنین پایتختی دیری نپایید و در سال ۱۵۰ ه. ق. پسرش، جعفر اکبر، وفات یافت. از این رو منصور برای گرامی داشت مقام فرزند از دست رفته، قبرستانی اختصاصی در شمال شهر جدید، برای قریشیان ایجاد کرد. «(۳)» این شد که این گورستان جدید، قبرستان قریش نام گرفت.

### غربت یک مرگ

هارون در سال ۱۷۹ ه. ق. تصمیم گرفت قبل از مرگ، مسأله خلافت بعد از خود را حل کند. او با دوراندیشی‌ای

- ۱- تاریخ حرم کاظمین، ص ۱۳-۱۴، الجغرافیه الاجتماعیه لمدينه الكاظمیه الکبری، ص ۲۴
- ۲- همان، ص ۱۳-۱۴، موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۲۲، الجغرافیه الاجتماعیه لمدينه الكاظمیه الکبری، ص ۲۵
- ۳- همان، ص ۱۴-۱۵

ص: ۲۷

که در امر خلافت روا می‌داشت، دریافته بود که بعد از او نزاع‌های خانوادگی زیادی برای دستیابی به پست خلافت درخواهد گرفت. تصمیم هارون این بود که سه تن از فرزندان برجسته خود را انتخاب کرده تا هر یک بعد از دیگری به خلافت برسند. برای عملی ساختن این تصمیم از همه افراد برجسته نقاط مختلف کشور دعوت کرد تا به حج آمده تا او این امر مهم خود را با آنان در میان گذارد. «(۱)» اما هارون هنوز خیال آسوده‌ای نداشت. امام موسی بن جعفر علیه السلام با آن قدرت بزرگ معنوی در مدینه، خطر تهدیدکننده‌ای برای آینده خلافت بود. هارون که پیش از این توانسته بود از اظهارات برادرزاده «(۲)» منحرف امام علیه السلام، دستاویز مناسبی برای دستگیری امام علیه السلام بیابد، هنگام رفتن به موسم حج دستور بازداشت امام علیه السلام را صادر کرد. «(۳)» این بازداشت چهار سال طول کشید. اما هارون نتوانست خللی در اراده شکست‌ناپذیر امام علیه السلام به وجود آورد. امام علیه السلام زندان را عبادتگاه خود ساخته بود و هارون خود را در برابر این اراده، سخت خُرد و ناچیز می‌دید. او حتی

۱- منتهی الآمال، ج ۲، «در بیان شهادت موسی بن جعفر علیه السلام»، بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۲۰۸-۲۰۷

۲- علی بن اسماعیل بن جعفر

۳- منتهی الآمال، ج ۲، «در بیان شهادت موسی بن جعفر علیه السلام»، بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۲۰۹

ص: ۲۸

نتوانست حداقل توبه‌نامه‌ای صوری از امام علیه السلام بگیرد، تا بر ناتوانی خود سرپوشی گذارد. این سرسختی امام علیه السلام باعث شد، هارون آخرین اقدام خود را اجرا کند.

هارون به عباس بن محمد - که قبلاً برای اجرای فرمان قتل امام علیه السلام اعلام آمادگی کرده بود - دستور کشتن آن حضرت را داد. عباس هم به زندانبان امام علیه السلام، سندی بن شاهک، دستور داد تا ایشان را از طریق مسموم کردن غذا به شهادت برساند. ولی امام علیه السلام که از نیت شوم آن‌ها آگاه بود، از خوردن آن غذای مسموم خودداری کرد. سندی هم برای برآوردن مقصود، از رسیدن هر نوع غذا به امام علیه السلام جلوگیری کرد تا این که امام علیه السلام بعد از سه روز مجبور شد به خوردن غذای مسموم تن در دهد.

هارون هم برای این که در معرض اتهام قتل امام علیه السلام قرار نگیرد، گروه کثیری از بزرگان بغداد را به نزد موسی بن جعفر علیه السلام فرا خواند تا از حال و روز او با خبر شوند. سندی ابن شاهک در حضور این جمع، وضعیت مناسبی را که امام علیه السلام در آن به سر می‌برد، برای حاضرین تشریح کرد. اما امام علیه السلام نگذاشت نقشه هارون عملی شود و با بیان این که سندی به دستور هارون او را سم خورانده، آن‌ها را از مرگ خود تا سه روز دیگر آگاه ساخت. <sup>(۱)</sup>

۱- موسوعة العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۵۶-۵۷؛ منتهی الآمال، ج ۲، «در بیان شهادت موسی بن جعفر علیه السلام»

ص: ۲۹

از طرفی علی بن موسی الرضا علیه السلام که در مدینه به سر می‌برد، به دستور پدر، مدت چهار سال بود که در دهلیز خانه به خواب می‌رفت تا این که این عمل در شب ششم رجب ۱۸۳ ه. ق. به پایان رسید. حضرت آن شب از محلی که در آن می‌خوابیدند، با طئی الأرض، به بغداد رفت تا مراسم خاکسپاری پدر را به جا آورد. هر چند این حضور به گونه‌ای انجام شد که حاضران در انجام آن مراسم، با حجابی که خداوند متعال بر چشمانشان افکنده بود، نتوانستند آن را درک کنند. «(۱)» امام علیه السلام را بر پل رصافه قرار دادند و چهره‌شان را گشودند تا مردم باور کنند حضرت به مرگ طبیعی از دنیا رفته است. عموی هارون، سلیمان بن جعفر، آخرین ترفند دستگاه خلافت را اجرا کرد. او جلودار شد تا مراسم دفن امام علیه السلام انجام گیرد. «(۲)» سرانجام روز جمعه، پیکر امام علیه السلام که از طرف خیل گسترده مردم بغداد به همراه عموی هارون و مسؤولان مملکتی مشایعت می‌شد، به قبرستان قریش برده شد و در نزدیکی قبر عیسی بن عبدالله نوفلی دفن گردید. سن شریف امام علیه السلام به هنگام شهادت، ۵۵ سال، و مدت امامت ایشان ۳۵ سال بود. «(۳)»

۱- بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۲۴۶

۲- همان، ص ۱۴۸- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۵۷

۳- همان، ج ۴۸، ص ۲۳۴- منتهی الآمال، ج ۲

ص: ۳۰

**غم دیگر**

معتصم در آغاز سال ۲۲۰ ه. ق. امام جواد علیه السلام را از مدینه به بغداد فراخواند. امام علیه السلام تغییر سیاست حکومت را به خوبی احساس کرد و دریافت که این دعوت، دعوتی معمولی نیست. از این رو، فرزند ارشد خود، علی النقی علیه السلام را در حضور جمعی از شیعیان برجسته به نیابت معرفی کرد. بعد از آن، به همراه همسرش، ام فضل (دختر مأمون) که خویشانش در بغداد به سر می‌بردند، به بغداد رفت و در ۲۸ محرم ۲۲۰ ه. ق. به آنجا رسید.

بعد از ورود امام علیه السلام به بغداد، معتصم یک سال ایشان را در حبس نگه داشت و به هیچ کس اجازه ملاقات با حضرت را نداد. او در این مدت به انتظار فرصتی بود تا نقشه خود را علیه امام علیه السلام عملی کند و او را به قتل رساند. به همین جهت، گروهی از محرمان اسرار را فرمان داد تا به دروغ شهادت دهند که حضرت قصد توطئه علیه حکومت را دارد. اما امام علیه السلام پذیرای تهمت نشد و گفته‌های شاهدان را منکر شد. معتصم شاهدان را حاضر ساخت تا گواهی دروغین خود را نزد امام علیه السلام تکرار کنند. در این جا گوشه‌ای از معجزات خلافت الهی آشکار شد. حضرت دست نیاز به آسمان بلند کرد و فرمود:

ص: ۳۱

معبودم! اگر اینان بر من دروغ بسته‌اند، جانشان را بگیر.

حاضران در مجلس به جایگاه شهود نگاه کردند. آن محل به سختی لرزید و هربار که از لرزش می‌ایستاد، گواهان با صورت به

زمین پرت می‌شدند. معتصم که هراسان شد، به حضرت عرض کرد:

ای فرزند رسول خدا! من از آنچه گفته‌ام، توبه می‌کنم. از خداوند متعال بخواهید زمین را برای ما آرام کند.

حضرت جواد علیه السلام دست طلب برگشود و عرض کرد:

خدای من! زمین را ساکن فرما و جان رفته حاضران را به ایشان بازگردان.

اما این معجزه تأثیری در دل سنگ معتصم نگذاشت و از کبر و سرمستی او هیچ نکاست. این بار احمد بن ابی دؤاد «(۱)»، قاضی

القضاء، که بر مقام فقهی امام جواد علیه السلام رشک می‌برد، آتش کینه را در دل معتصم افروخت و معتصم بار دیگر تصمیم به

قتل امام علیه السلام گرفت. او جعفر، فرزند هارون را با خود هم‌رأی کرد و هر دو، ام‌فضل (دختر مأمون) را که به علت توجه امام

علیه السلام به مادر امام هادی علیه السلام، و ترجیح او بر خود که عقیم بود، بر ایشان خشمناک بود، به قتل امام ترغیب کردند و

شاید هم ناسازگاری روحیه

---

۱- در منتهی الآمال «ابن ابی داود» آمده است

ص: ۳۲

درباری ام‌فضل با آن زندگی بی‌پیرایه امام، ناخشنودی او را که رؤیای بازگشت به دربار را داشت، افزون ساخته بود. جعفر به نزد خواهرش رفت. ام‌فضل و جعفر هر دو از یک پدر و مادر بودند و سخن جعفر در ام‌فضل مؤثر بود. او نقشه خود را با وی در میان گذاشت و موافقت او را جلب کرد. بالأخره، ام‌فضل که قساوت را از پدر به ارث برده بود، پارچه‌ای را به سم آغشت و ... نقشه اجرا شد. سم در بدن حضرت نفوذ کرد. حضرت که حرارت سم را در خود احساس می‌کرد. چهره‌شان دگرگون گشت. ام‌فضل به گریه افتاد. او پیشیمان شده بود. اما پیشیمانی سودی نداشت.

حضرت به او فرمود: این چه گریه‌ای است؟ خدا را قسم می‌دهم تو را به فقری جبران‌ناپذیر و دردی آشکار مبتلا کند. «(۱)» امام هادی علیه السلام که در مدینه به سر می‌برد؛ با احساس مرگ پدر، با زمین‌پیمایی الهی (طی الأرض)، به طرفه‌العینی خود را به بغداد رساند و مراسم تدفین پدر را به جا آورد. هر چند حکومت می‌خواست این مراسم در سکوت انجام گیرد، اما حضور دوازده هزار نفری شیعیان بغداد در این مراسم، فضای غمبار سکوت را شکست.

---

۱- نفرین مزبور در حق ام‌فضل تحقق یافت و او در پنهانی‌ترین عضو خود به مرض ناسور مبتلا شد. درمان این مرض او را به فقر کشاند، اما باز سودی نداشت. سرانجام به همین مرض هلاک شد



ص: ۳۳

شیعیان حضرت را به قبرستان قریش آوردند و در پشت مزار جدّ بزرگوارشان، حضرت امام موسی کاظم علیه السلام، دفن کردند. خاک ماتم ریخت بر فرقش ملک از ماتمش کوه، مندک شد و آه و ناله و بار غمش [\(۱\)](#)»

### بذر نخستین

در «الدّرالنظیم» نوشته شیخ جمال‌الدین یوسف بن حاتم عاملی، شاگرد محقق حلی، آمده که: امام موسی کاظم علیه السلام زمینی را که در آن دفن شده‌اند، پیش از مرگ خریده بودند. مسعودی نیز در اثبات الوصیة خود این مطلب را گفته است. [\(۲\)](#) اگر این روایت درست باشد، گویای اهمیت و ارزش قبرستان قریش است. وقتی امام جواد علیه السلام وفات یافتند، مدفن او را نزد قبر جدّ بزرگوارشان و در پشت آن قرار دادند. [\(۳\)](#)»

### معزالدوله

در سال ۳۳۴ ه. ق. معزالدوله وارد بغداد شد و

۱- نگاهی گذرا بر زندگانی امام جواد علیه السلام، از ص ۱۲۹-۱۳۹ و ص ۱۶۶-الامام الجواد من المهد إلى اللحد، ص ۴۰۷. موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۲۲۳. منتهی الآمال، ج ۲.

۲- تاریخ حرم کاظمین، ص ۲۲۰ به نقل از اثبات الوصیة، ص ۱۶۴

۳- تاریخ الامامین، ص ۵۳

ص: ۳۴

حکومت به صورت عملی در اختیار وی قرار گرفت و خلافت تنها سند مشروعیتی شد برای حکمرانی آل بویه. از این تاریخ به بعد مشهد کاظمین از جهات گوناگون مورد توجه بود.

در سال ۳۳۶ ه. ق. بنای حرم تجدید شد و ساختمانی نو بنا گردید. بنای ساختمان از آجر بود و در میان آجرها هم گل ارمنی را که با شیر مایع و موی بز خمیر شده بود، می گذاشتند تا بنای حرم که از جانب رود دجله تهدید می شد، دوام بیشتری یابد. از اجزای این بنا دو قبه مجلل از چوب ساج بود که به صورت دو کاسه واژگون بر فراز ساختمان حرم خودنمایی می کرد. این گنبدها بزرگ بودند و فضای داخلی آن‌ها می توانست عده زیادی از زائران را در خود جای دهد. بر روی قبرها ضریحی از چوب ساج که با منبت کاری‌های زیبا آراسته شده بود، قرار داده شد. رو به روی بنای حرم صحنی ایجاد شد که دیوار بلندی آن را احاطه می نمود. در شمال آن هم مسجدی بنا گردید.

معزالدوله برای به وجود آوردن امنیت در کاظمین که از شهر بغداد دور افتاده بود، عده‌ای از سربازان خود را به همراه ساز و برگ نظامی برای حفاظت در آن جا گمارد. او برای تثبیت معنوی حرم نیز تا یک کیلومتری مشهد کاظمین را شعاع حرم قرار داد. هر کس که خود را در این شعاع

ص: ۳۵

می‌رساند، از تعقیب و مجازات در امان می‌ماند. «(۱)» معزالدوله که کوشیده بود با دعوت از عالمی چون: ابن قولویه به بغداد، و دادن مرجعیت فقهی به ابن جُنید- از بزرگان فقه شیعه- به توسعه فرهنگ تشیع پردازد، در اطراف صحن هم حجره‌هایی برای سکونت دانش‌جویان شیعی بنا گذاشت و در ضلع شرقی آن، مدرسی برای تدریس عمومی فراهم آورد. «(۲)» او هم‌چنین به همراه وزرا و شخصیت‌های برجسته حکومتی‌اش، در هر پنجشنبه به زیارت حرم آمده و شب جمعه، در خانه بزرگی که در اطراف حرم بنا کرده بود، بیتوته می‌نمود و سپس بعد از زیارت مجدد، بعد از ظهر جمعه به بغداد برمی‌گشت. معزالدوله در سال ۳۵۲ ه. ق.

دستور رسمی برگزاری مراسم سوگواری برای امام حسین علیه السلام در ماه محرم را داد. طبق این دستور در روز عاشورا، دکان‌ها و بازار در بغداد تعطیل می‌شد و مردم با سر دادن شیون و زاری و سر و سینه‌زنان و در حالی که گنبد پوشانده با گلیمی را با خود حمل می‌کردند، روانه حرم می‌شدند. «(۳)» معزالدوله در سال ۳۵۶ ه. ق. پس از ۲۱ سال

۱- تاریخ حرم کاظمین، ۲۷-۲۶، به نقل از صدی‌الفؤاد، ص ۱۲-۱۱، تاریخ کاظمین، ص ۷۶-۷۴، موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۱۶۳ به نقل از تاریخ‌الامامین، ص ۵۳-۵۵

۲- همان، ص ۷۷

۳- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۱۶۳ به نقل از تاریخ‌الامامین، ص ۵۳-۵۵

ص: ۳۶

حکومت مستقل در بغداد، چشم از جهان فرو بست.

ابن قولویه بر جنازه وی نماز خواند. جسد او را در معزیه، خانه شخصی او در شماسیه بغداد، به امانت گذاشتند تا این که عزالدوله بختیار، فرزندش، حکومت را در دست گرفت. او مقبره با شکوهی برای پدر در جوار حرم بنا کرد و سرانجام در سال ۳۵۸ ه. ق. جسد پدرش را با تشریفات کامل به این آرامگاه انتقال داد. «(۱)»

### عضدالدوله

او در سال ۳۶۹ ه. ق. دیواری را در اطراف ساختمان حرم کاظمین بنا کرد. «(۲)» در سال ۳۷۱ ه. ق. عضدالدوله برای رفاه زوار و اهالی کرخ، بیمارستان عضدی را در قسمت غربی بغداد، بین کرخ و کاظمیه، افتتاح نمود. «(۳)» در عاشورای ۳۷۳ ه. ق. عضدالدوله وفات یافت. جسدش را در آرامگاه ویژه‌ای که خود در کنار حرم مهیا کرده بود، به خاک سپردند. «(۴)» در سال ۳۷۸ ه. ق. زمانی که شرف‌الدوله، پسر

۱- تاریخ کاظمین، ص ۸۰

۲- همان، ص ۲۸-۲۹، تاریخ الامامین، ص ۵۷-۵۸

۳- الجغرافیه الاجتماعیه لمدينه الكاظمیه، ص ۳۲ و تاریخ الامامین، ص ۵۸-۵۷

۴- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۱۱۶ به نقل از المنتظم، ج ۷، ص ۱۲۰

ص: ۳۷

عضدالدوله، در بغداد به سر می‌برد، وزیر ترک زبان او، ابوطاهر سباهش، با حفر نهر بزرگی، از نهر دجیل اقدام به آبرسانی به مشهد کاظمین کرد. پیش‌تر اهالی و زوار مجبور بودند برای دسترسی به آب، یا چاه بکنند، یا مسافت‌های طولانی بپیمایند. «(۱)»

### حرم در آتش

با قدرت یافتن سلاجقه، آل‌بویه که در بحبوحه نزاع‌های خانوادگی، شکوه گذشته خود را از دست داده بودند، به انتهای قدرت خود رسیدند. ابوکالیجار، سلطان بویه‌ای، به ناچار در سال ۴۳۹ ه. ق. با طغرل صلح کرد و دیالمه عراق تابع سلجوقی‌ها شدند. گروهی از سنّیان متعصب، در سال ۴۴۳ ه. ق. در یک درگیری با شیعیان به داخل حرم هجوم برده، چراغ‌های طلا، نقره، پرده‌ها و دیگر اشیای قیمتی حرم را غارت نمودند. دامنه غارت، آرامگاه‌ها و ساختمان‌های مربوط به حرم را فرا گرفت. فردای آن روز، فتنه‌گران، با جمعیتی بیش‌تر، به حرم حمله برده، تمامی آرامگاه‌ها

---

۱- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۱۰۹، تاریخ حرم کاظمین، ص ۲۹-۲۸، تاریخ کاظمین، ص ۸۲-۸۱، الجغرافیه الاجتماعیه لمدينه الكاظمیه، ص ۳۲

ص: ۳۸

را آتش زدند. آتش، ضریح و گنبد‌های چوبی حرم را هم در خود فرو برد. «(۱) هبة‌الدین، - رئیس مبلغان فرقه فاطمی - (م ۴۷۰ ه. ق.) در این باره شعری سرود که ترجمه آن چنین است:

«چرا این آسمان خشک نمی‌شود. چرا کوه‌ها به حرکت در نمی‌آیند و چرا خورشید و ستارگان تاریک نمی‌گردند و آنچه در زیر آسمان است، چرا در زمین فرو نمی‌رود؟ چرا زمین نمی‌شکافد، آن را چه می‌شود که آرامش دریاها را به هم نمی‌زند؟ چرا به دنبال اشک چشم، خونابه جاری نمی‌شود تا رودها را در خود غرق کند؟ قبر موسی بن جعفر شکافته شد. پس قیامت کی به پامی شود؟ حریم او با آتش شعله‌ور می‌شود. در حالی که آتش بر زائر او حرام است.» «(۲)»

### روز انتقام

در ذی‌حجه سال ۴۵۰ ه. ق. هنگامی که طغول در شورش برادرش، ابراهیم ینال، در همدان گرفتار بود و

۱- موسوعة العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۹۶-۹۷ و تاریخ حرم کاظمین، ص ۲۹-۳۰

۲- تاریخ حرم کاظمین، ص ۳۱-۳۲ به نقل از دیوان هبة‌الدین، ص ۲۵۶

ص: ۳۹

بغداد از سپاهیان ترک خالی شد، بساسیری (۱) به همراه قریش بن بدران، به بغداد حمله آورد و به آسانی آن را فتح نمود. روز فتح بغداد، پیشاپیش سپاه بساسیری، پرچم‌های سفید مصری در اهتزاز بود. بر بالای سر بساسیری، هم علم‌هایی افراشته بود که نام مستنصر بالله، خلیفه فاطمی، مصر بر آن نوشته شده بود. (۲) ورود بساسیری مورد استقبال شیعیان قرار گرفت. آزادی عمل شیعیان بالا گرفت و در تمامی عراق، در اذان «حی علی خیر العمل» گفته شد. بساسیری از عاملان آتش‌سوزی در حرم کاظمین انتقام گرفت و عدالت را در شهر برقرار نمود. (۳) به گفته برخی محققان، بساسیری در طول یک سال

۱- بساسیری مورد علاقه سید مرتضی بود و در سال ۴۳۹ ه. ق. اقدام به بنای گنبدی بر مرقد عسکرین در سامرا کرد. بساسیری با آل‌مزید، حاکمان شیعی حله نیز پیوند خویشاوندی داشت و با آنان هم‌پیمان بود. او توانست نزد خلیفه وقت ارج و قرب بالایی بیابد تا حدی که به نام او در منابر عراق خطبه می‌خواندند، اما رفته رفته بین او و خلیفه اختلافی پیش آمد. پس از آن، بساسیری با خلفای فاطمی مصر ارتباط برقرار کرد

۲- البدایة والنهایة، ج ۱۲ / ۱۱، ص ۱۰۳- / ۸۵؛ دائرةالمعارف، ج ۵، ص ۴۱۰؛ اعیان‌الشیعه، ج ۳، ص ۵۶۶- ۵۶۵ به نقل از مجالس‌المؤمنین

۳- همان، ج ۱۲، ص ۹۸- ۹۶

ص: ۴۰

حکومتش، حرم را که در طول شورش‌ها آسیب فراوانی دیده بود، مرمت کرد. «(۱)» دو صندوق چوبی جدید، بر هر یک از مرقد‌های شریف گذاشته شد و گنبدی از ساج بر پایه‌های چوبی از همان جنس بنا گردید و حرم که پیش‌تر دارای دو گنبد بود یک گنبدی گشت. از طرف جنوب مشهد هم تالاری بزرگ به همراه مسجد و مأذنه ساخته شد. «(۲)»

### مَجْدُ الْمَلِكِ

در سال ۴۶۶ ه. ق. رود دجله طغیان کرد. این طغیان بزرگ که با توفان همراه بود، مشهد را در آب فرو برد و به دیوارهای آن، و قسمتی از ساختمان‌ها آسیب رساند. «(۳)» با حضور فردی شیعی چون مجدالملک، ابوالفضل براوستانی قمی، در پست وزارت برکیارق بن ملک‌شاه سلجوقی، حرم کاظمین، همچون دیگر مشاهد ائمه، مورد توجه قرار گرفت. در سال ۴۹۰ ه. ق. مجدالملک دستور بازسازی حرم کاظمین را داد.

۱- تاریخ حرم کاظمین، ص ۳۳ به نقل از مشهد الکاظمین، ص ۷

۲- موسوعه العتبات، ج ۹، ص ۱۶۵ به نقل از تاریخ الامامین، ص ۶۲- تاریخ حرم کاظمین، ص ۳۲ به نقل از صدی الفؤاد، ص ۱۲-

۱۳، تاریخ کاظمین، ص ۸۹

۳- همان، ج ۹، ص ۱۲۰-۱۲۱ به نقل از المنتظم، ج ۹، ص ۲۸-۲۹، تاریخ کاظمین، ص ۹۲-۹۴



ص: ۴۱

حرم با بنایی محکم دوباره ساخته شد و دیوارهایش با کاشی زینت یافت. دو صندوق چوبی از ساج بر روی دو قبر شریف گذاشته شد و مسجدی که در شمال حرم قرار داشت، تعمیر گشت. هم‌چنین دو مناره بلند هم برای مشهد احداث گردید. در کنار حرم نیز استراحتگاه بزرگی که اتاق‌هایی در آن وجود داشت، برای زائران فراهم آمد. این بازسازی، تا سال ۵۱۷ ه. ق. پایدار ماند. «(۱)» در عاشورای ۵۱۷ ه. ق. با ورود پیروزمندانه مُسْتَرشِدُ بِاللَّهِ که به جنگ امیر شیعی حَلَّه، دیس بن صدقه، نورالدوله، رفته بود، در بغداد جشنی برپا شد.

عده‌ای نیز از این فرصت استفاده کرده و در هجومی جمعی، به غارت مشهد کاظمین پرداختند. آن‌ها پنجره‌های حرم را کردند و گنجینه‌ها و نفایس آن را ربودند. با مطلع شدن علویان که در خانه‌های خود مراسم سوگواری را انجام می‌دادند، آن‌ها به دیوان خلافت شکایت بردند و خلیفه هم پس از اطلاع از این رویداد، در ضمن دستوری، این غارت را محکوم کرد و نظرخادم را به آن‌جا فرستاد تا غارتگران را به مجازات رساند. نظرخادم به مشهد رفت و فرمان خلیفه را اجرا نمود. او هم‌چنین توانست بعضی از

۱- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۱۶۵-۱۶۶، به نقل از تاریخ الامامین، ص ۶۳، تاریخ حرم کاظمین، ص ۳۴، تاریخ کاظمین،

ص: ۴۲

اموال به غارت رفته حرم را باز گرداند. «(۱)»

**خلافت ناصر**

در ۵۵۴ ه. ق. طغیان آب دجله، بغداد را به زیر آب برد.

از این سیل، کاظمیه هم در امان نماند. «(۲)» در ۵۶۹ ه. ق. باز طغیان دجله مسأله‌ساز شد. سیل، باعث بسته شدن راه منطقه حرابه به حرم گردید. مردم کاظمیه با بیل و کلنگ از شهر بیرون شتافتند تا با احداث سدی خاکی، شهر و حرم را از آسیب نگه دارند. اما با بالا آمدن بیش تر آب، این سد هم نتوانست کاری انجام دهد. «(۳)» با شروع خلافت ناصر لدین‌الله از ۵۷۵ ه. ق. بغداد، شاهد تغییر مهمی در سیاست سنتی خلافت عباسی شد. او نسبت به شیعیان توجه بیش تری نمود؛ چنان‌که برخی از مورخان او را دارای گرایش شیعی دانسته‌اند. منطقه کاظمیه، به خصوص مشهد آن، در دوران حکومت ناصر، به سرعت در مسیر توسعه و ترقی حرکت خود را ادامه داد.

از اولین کارهایی که ناصر به آن دست زد، تعمیر مشهد

۱- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۱۲۱ به نقل از المنتظم، ج ۹، ص ۲۴۳، تاریخ حرم کاظمین، ص ۳۵، تاریخ کاظمین، ص ۹۶

۲- همان، ج ۹، ص ۱۹۰- تاریخ حرم کاظمین، ص ۳۵

۳- همان، ص ۱۶۵-۱۶۶ به نقل از تاریخ الامامین، ص ۶۴، تاریخ کاظمین، ص ۹۷-۹۸

ص: ۴۳

کاظمی بود. این تعمیر، با نظارت وزیر قمی او، مؤیدالدین محمد بن محمد، انجام گرفت. صندوق چوبی زرانودود شده‌ای بر مرقد‌های شریف گذاشتند؛ رواق و تالاری از نو بنا گردید و به بهترین شکل تزیین شد. صحن هم به نوبه خود، توسعه پیدا کرد و بر تعداد حجره‌های پیرامون آن، افزوده گشت. گلدسته‌های موجود در حرم هم تزیین شدند. از جمله اقداماتی که ناصر برای منطقه کاظمیه انجام داد، ایجاد دیوار محله کاظمیه بود؛ چون دیواری که مشهد در پیرامون خود داشت، برای حفظ آن از دست غارتگران و جلوگیری از طغیان‌های دجله کافی به نظر نمی‌آمد. ناصر همچنین دارالایتمی را در راستای صحن شریف بنا گذاشت. مایحتاج این دارالایتم، از طرف خود خلیفه تأمین می‌شد.

در ایام ناصر، مشهد منطقه امن قرار داده شد و هرگاه مجرمان و افراد نیازمند به آن‌جا پناه می‌بردند، به دستور خلیفه از جرایم آن‌ها گذشت می‌شد و نیازمندی‌های فقرا هم برآورده می‌گردید. «(۱)» در سال ۵۹۷ ه. ق. خلیفه ناصر، سید نصیرالدین ناصر

۱- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۱۶۶ به نقل از تاریخ الامامین، ص ۶۵- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۱۰، ق ۱، ص ۱۰۶ به نقل از مختصر الخلفاء، ص ۱۱۲-۱۱۱- تاریخ حرم کاظمین، ص ۳۶ به نقل از صدی الفواد، ص ۱۳- تاریخ کاظمین، ص ۹۹

ص: ۴۴

ابن مهدی علوی رازی را که از اهالی مشهد موسی بن جعفر علیه السلام بود، به وزارت خود گمارد. «(۱)» در سال ۶۰۴ ه. ق. در ماه رمضان، ناصر فرمان داد که خانه‌هایی در محله‌های بغداد، از جمله کاظمین، ساخته شود. هدف از ایجاد این خانه‌ها، دادن افطاری به فقرا بود و به همین جهت به آن‌ها دارالضیافه می‌گفتند.

در سال ۶۰۸ ه. ق. به دستور خلیفه، در حجره‌های صحن شریف کاظمی، مدرسه علمیه به پا شد. ناصر که می‌کوشید بین شیعه و سنی به جای کدورت‌های گذشته، انس و الفت برقرار شود، مُسَیِّد احمد بن حنبل را- که از معتبرترین کتاب‌های اهل سنت شمرده می‌شود-، جزو کتب درسی قرار داد که توسط علی صفی‌الدین محمد بن معدالموسوی، فقیه امامی، تدریس می‌شد. گروهی از اندیشمندان و فقها هم برای پیشرفت این مدرسه کتاب‌های زیادی وقف کردند. هم‌چنین از طرف ناصر، برای طلاب مدرسه، کمک هزینه‌ای تعیین شد. «(۲)» ناصر در آخرین شب رمضان ۶۲۲ ه. ق. وفات کرد و پسرش ظاهر به خلافت رسید. در ابتدای حکومت ظاهر،

۱- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۱۲۳ به نقل از مرآة الزمان، ج ۸، ق ۱، ص ۴۷۶

۲- همان، ج ۹، ص ۱۲۳ و ص ۱۶۷- تاریخ حرم کاظمین، ص ۳۷- تاریخ کاظمین، ص ۱۱۰-۱۱۱

ص: ۴۵

در کاظمین آتش سوزی بزرگی اتفاق افتاد. آتش به صندوق‌ها، ضریح و گنبد شریف سرایت کرد. خلیفه ظاهر، بعد از آتش سوزی، تعمیرات حرم را آغاز نمود اما عمرش وفا نکرد و در سال ۶۲۳ ه. ق. چشم از جهان فرو بست. «(۱)»

### آخرین خلیفه

مستنصر، فرزند ظاهر، در سال ۶۲۳ ه. ق. به خلافت رسید. تعمیرات حرم که ناتمام مانده بود، با نظارت احمد جمال‌الدین تداوم یافت. گنبدی نو به شکل مخروطی بر حرم افزوده شد؛ گلدسته‌ها تکمیل شد و تالار و صحن حرم توسعه پیدا کرد؛ دو صندوق چوبی زیبا و منبت کاری شده بر روی قبرها گذاشته شد. اکنون یکی از آن‌ها که بر قبر امام موسی بن جعفر علیه السلام گذاشته می‌شد، در موزه آثار عربی بغداد نگهداری می‌شود. «(۲)» بعد از بازسازی‌هایی که مستنصر در کاظمیه انجام داد، علت عمده‌ای که در اواخر خلافت عباسی باعث توسعه و عمران کاظمیه گردید، این بود که معتصم - آخرین خلیفه عباسی - فرمان داد از برگزاری مراسم سوگواری محرم در تمامی شهرهای عراق به جز مشهد کاظمین جلوگیری شود. این مسأله موجب شد که توجه شیعیان نسبت به سکونت در

۱- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۱۰۶- تاریخ کاظمین، ص ۱۱۱

۲- تاریخ حرم کاظمین، ص ۳۹- تاریخ کاظمین، ص ۱۱۲-۱۱۱

ص: ۴۶

کاظمیه، معطوف گردد و گسترش جمعیت نیز به نوبه خود عمران و آبادی کاظمیه را به همراه آورد. «(۱)» در شوال ۶۴۶ ه. ق. باز رودخانه دجله طغیان کرد. بر اثر این حادثه، قسمتی از دیوار حرم کاظمین فرو ریخت. «(۲)» در ذی حجه همان سال بار دیگر خروش دجله بغداد غربی را به زیر آب برد و تمام حرم زیر آب رفت؛ به گونه‌ای که تنها قسمتی از گنبد حرم پیدا بود. اما این سیل تنها باعث از دست رفتن تزیینات داخلی حرم گردید. «(۳)» معتصم، دستور بازسازی حرم را داد. هنگام مرمت دیوارهای حرم، ظرف سفالینی پیدا شد که در آن هزار درهم قدیمی به چشم می‌خورد. شماری، از سکه‌ها یونانی، و شماری، سکه‌های ضرب شده عهد اسلامی بودند. سکه‌های ضرب بغداد و واسط، مربوط به سال ۱۳۰ ه. ق. در میان این گنجینه وجود داشت. خلیفه دستور داد، از این سکه‌ها، در تعمیر حرم استفاده شود. مردم سکه‌ها را به بالاترین قیمت خریدند. شماری از سکه‌ها به بزرگان هدیه شد و در عوض، آنان نیز برای بازسازی حرم کمک‌های شایان نمودند. «(۴)»

۱- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۱۰۶- تاریخ کاظمین، ص ۴۲-۴۱

۲- همان، ج ۹، ص ۱۱۰

۳- همان، ج ۱، ص ۱۱۰

۴- همان- تاریخ حرم کاظمین، ص ۴۲

## عهد مغول

بغداد سال ۶۵۶ ه. ق. در آتش خشم مغول سوخت.

هشتصد هزار شیعه و سنی کشته شدند و ایرانی عظیمی به جا ماند. هنگامی که نبرد برای تسخیر شهر بغداد ادامه داشت، هولاکو فرمان داد که منجنیق‌ها کاظمین را هدف قرار دهند. حرم طعمه حریق شد و خساراتی دید. حرم کاظمین تنها حرمی بود که در هجوم مغولان به عراق آسیب دید. چون با اقداماتی که گروه اعزامی شهر حله به دربار هولاکو انجام دادند، توافق شد که نجف، کربلا و دیگر مشاهد، از خطر حمله مغولان، در امان باشند. «(۱)» این مظلومیت مشهد کاظمیه، گواه صادقی است بر این که نقش خواجه نصیرالدین طوسی که بعد از آزادی از اسارت اسماعیلیه، در اسارت دیگری گرفتار آمده بود، در بارگاه مغولان اندک بود و در واقع، تأثیر خواجه بر هولاکو در مرحله بعد صورت گرفت و در ابتدای امر وجود نداشت. «(۲)» امیر قراتای مغول، سید عمادالدین عمر بن محمد قزوینی را که مردی با دین و منصف بود، جانشین خود ساخت. قزوینی هم شهاب‌الدین علی بن عبدالله را به

۱- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۲۱۷-۲۱۶

۲- تاریخ تشیع در ایران، ص ۳۶۲ به نقل از البدایه و النهایه، ج ۱۳، ص ۲۶۸-۲۶۷

ص: ۴۸

ریاست اوقاف تعیین نمود و دستور بازسازی مسجد جامع خلیفه و حرم امام کاظم علیه السلام را داد. «(۱)» در سال ۶۵۷ ه. ق. از طرف هولاء کو این کار به علاءالدین عطا ملک جوینی واگذار شد. جوینی که شیعی بود، در زمره اولین اقدامات خود، تعمیر و بازسازی حرم مطهر کاظمین را قرار داد. رواق، روضه، صحن و دیوارهای حرم به کاشی‌های زیبای معرق و بسیار نفیس آراسته شد. نمونه این کاشی‌ها، ممکن است کاشی‌هایی باشد که در موزه آستانه قم موجود بوده و عکس سه سوار مغول بر آنها نقش شده است.

شیعه بودن اکثر وزرای ایلخانان، نفوذ خواجه نصیرالدین طوسی بر اوقاف و نقابت آل طاووس، دلایلی هستند که گویای استحکام و زیبایی ساختمان حرم و شکوفایی توسعه کاظمین در این دوران است. «(۲)» جوینی در سال ۶۷۱ ه. ق. وفات کرد و بعد از آن که خواجه نصیرالدین طوسی بر او نماز گزارد، در یکی از ایوان‌های رواق غربی دفن شد. در ۱۸ ذی حجه همین

۱- تاریخ حرم کاظمین، ص ۵۶-۵۵ به نقل از جامع التواریخ، ج ۲، ص ۲۹۳، موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۲۱۹ به نقل از الحوادث الجامعه، ص ۲۳۳

۲- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۱۶۸، به نقل از تاریخ الامامین، ص ۷۱-تاریخ کاظمین، ص ۱۱۹-۱۱۸



ص: ۴۹

سال، خواجه نصیرالدین طوسی حیات را بدرود گفت و در حرم کاظمین دفن گردید.

در سال ۷۲۵ ه. ق. دجله طغیان کرد و کاظمیه در آب فرو رفت. در این طغیان، مشهد آسیب‌هایی دید که در سال ۷۲۶ ه. ق. از طرف سلطان ابوسعید دستور مرمت آن داده شد. «(۱)» از کاظمین و مشهدش، در نوشته برخی از سیاحان و مورخان هم‌عصر با ایلخانان، و کمی بعدتر، گزارش‌های کوتاهی به چشم می‌خورد.

ابن خلکان (م ۶۸۰ ه. ق.) در وفیات الاعیان، در شرح امام موسی بن جعفر علیه السلام، در یاد کردش از کاظمین، از حرم آن، سخن به میان آورده و گفته است:

«قبر ایشان در آن‌جا مشهور بوده و زیارتگاه است.

حرم باشکوه و بزرگی آن‌جاست که دارای چراغ‌هایی از طلا- و نقره و انواع وسایل و فرش‌های کمیاب است.» «(۲)» ابن بطوطه سیاح، در توصیف دیدار خود از شهر بغداد در تاریخ ۷۲۷ ه. ق. از کاظمین یاد کرده و گفته است:

«در این طرف [غرب بغداد]، قبر موسی بن جعفر علیه السلام،

---

۱- تاریخ کاظمین، ص ۱۱۹

۲- وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۳۹۵ به نقل از تاریخ حرم کاظمین، ص ۵۰

ص: ۵۰

پدر علی بن موسی‌الرضا علیه السلام، بوده و در کنار آن، قبر حضرت جواد علیه السلام قرار دارد. روی این دو قبر، ضریح چوبی کار گذاشته شده؛ سطح آن را با ورق‌های نقره پوشانیده‌اند. «(۱) ابوالفداء (م ۷۳۲ ه. ق.) ضمن شرح حال امام کاظم علیه السلام در تاریخ خود سخنی درباره کاظمین دارد:

«قبر [امام] کاظم [علیه السلام] در آن‌جا مشهور و معروف است. حرم بزرگی دارد و در غرب بغداد واقع است.» «(۲)»

### سلطان اویس

در سال ۷۶۵ ه. ق. دجله طغیان کرد و بغداد در آب فرو رفت؛ در مشهد کاظمین آب به راه افتاد و آسیب‌هایی جدی به آن وارد شد. مشهد به این حال باقی ماند تا این که سلطان اویس جلاپری در سال ۷۶۹ ه. ق. دستور مرمت آن را صادر کرد؛ رواق و صحن در ضمن این بازسازی تعمیر گردید و مهمانسرای برای استراحت زائران ساخته شد؛ بر روی مرقد‌های شریف هم دو صندوق خاتم گذاشته شد که دارای نقوش زیبا و کتیبه‌های برجسته‌ای از آیات قرآنی و

۱- تاریخ حرم کاظمین، ص ۵۷، به نقل از رحله ابن بطوطه، ج ۱، ص ۱۴۱

۲- همان منبع، ص ۵۸ به نقل از تاریخ ابی‌الفداء، ج ۲، ص ۱۶

ص: ۵۱

غیر آن بود. برخی گفته‌اند این دو صندوق بر روی صندوق‌های مستنصری گذاشته شد؛ هم‌چنین روضه شریف با کاشی تزیین گشت و دو گنبد و دو مناره بلند برای آن ساخته شد. سلطان اویس علاوه بر این کارها، اموال زیادی را بین خدمتگزاران حرم و فقیرایی که ساکن کاظمیه بودند، پرداخت نمود و خانه‌هایی نیز برای‌شان ساخت. با اقدامات سلطان، کلیه ساختمان‌های حرم که احتیاج به مرمت داشت، اصلاح شدند. <sup>(۱)</sup>

### آغاز درخشش

با ورود پیروزمندانه شاه اسماعیل صفوی به بغداد در بیست و پنجم جمادی‌الثانی ۹۱۴ ه. ق. این شهر از دست ترکمن‌ها خارج شد. در همین سال، شاه اسماعیل مسؤولیت تعمیر و مرمت مشهد امام موسی کاظم علیه السلام را بر عهده امیر دیوان، خادم بیگ، قرار داد.

اصلاحات انجام گرفته از طرف شاه اسماعیل، فراوان بود و تا سال ۹۳۵ ه. ق. ادامه یافت. این اصلاحات عبارت بودند از:

۱. تمامی بنای قدیمی حرم فرو ریخته شد و روضه، رواق و صحنی نو ایجاد شد.

---

۱- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۱۶۹ به نقل از تاریخ الامامین، ص ۷۲-۷۱- تاریخ حرم کاظمین، ص ۶۰-۵۹

ص: ۵۲

۲. گنبد‌های زیبای جدیدی ساخته شد و با کاشی‌های رنگارنگ آراسته گردید.
۳. به جای دو مناره، چهار مناره بنیان گذاشته شد و مناره‌ها تا سطح بام حرم بالا آمد.
۴. دیوارهای حرم از جهت بیرونی و درونی با کاشی‌های الوان تزیین شد.
۵. مسجدی که امروزه به مسجد صفوی مشهور است در شمال حرم به وجود آمد.
۶. صحن توسعه یافت و حجره‌هایی برای طلاب و زوار در آن تعبیه گردید.
۷. درهای حرم و رواق نقره‌پوش گردید و دو صندوق خاتم جدید بر روی مرقد‌های شریف کار گذاشته شد.
۸. چراغ‌آویزهای طلایی و نقره‌ای در حرم آویخته شد و روضه و راهروهای آن با فرش‌های گران‌قیمت مفروش شد. «(۱)»

### اتراک در کاظمین

سلطان سلیمان قانونی در ۲۴ جمادی‌الاول ۹۴۱ ه. ق. با شکست دادن نیروهای شاه طهماسب صفوی، بغداد را به

---

۱- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۱۲۹ به نقل از تاریخ العراق بین الاحتلالین، ص ۳۴۲- تاریخ حرم کاظمین، ص ۷۴-۶۱- تاریخ کاظمین، ص ۱۲۱

ص: ۵۳

تصرف در آورد. سلطان عثمانی به هنگام زیارت خود از کاظمین، دستور داد کاستی‌هایی را که در بنای حرم به چشم می‌خورد، اصلاح کنند. «(۱)» منبر آجری نیز در زمان حکومت وی در گوشه جنوب غربی مقصوره جامع صفوی ساخته شد. این منبر کاشی کاری شده که در سال ۹۴۱ ه. ق.

ساخت آن به پایان رسید، در هر جمعه مورد استفاده سخنرانان قرار می‌گرفت. «(۲)» در سال ۹۷۸ ه. ق. ساختمان مناره‌ای که در شمال شرقی حرم واقع است، تمام شد. این مناره، به دستور سلطان سلیم عثمانی، ساخته شد.

### ضریح فولادی

بغداد در ۲۳ ربیع‌الاول ۱۰۳۲ ه. ق. در زمان شاه عباس کبیر، بار دیگر، در سیطره حکومت صفوی قرار گرفت. در همین اوان او دستور ساخت، ضریح فولادی را برای مرقد‌های شریف کاظمین داد تا آن‌ها را از دست اندازی‌های غارتگران مصون دارد. با تسلط دوباره عثمانی‌ها بر عراق، فرصتی نشد تا مراسم اهدای این ضریح فولادی انجام گیرد. تا این که در

۱- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۱۳۰ به نقل از تاریخ العراق بین الاحتلالین، ج ۴، ص ۳۵-۳۴

۲- تاریخ کاظمین، ص ۱۲۳-۱۲۲

ص: ۵۴

سال ۱۱۱۵ ه. ق. این ضریح که با کاروانی بزرگ از دانشمندان دینی و وزرا به رهبری شیخ الاسلام، شیخ جعفر کمره‌ای، همراهی می‌شد، از ایران به کاظمین انتقال یافت. ضریح، بسیار بزرگ و با شکوه بود. جملاتی از سوره دهر و آیات دیگری از قرآن مجید و قطعات شعری، بر آن برجسته شده بود. هنگام نصب ضریح، جشنی بزرگ برپا شد و هزاران ایرانی و عراقی در آن حاضر شدند. <sup>(۱)</sup>

### غارث حرم

بغداد بار دیگر در ۲۳ شعبان ۱۰۴۸ ه. ق. به دست سلطان مراد عثمانی افتاد. وی فرمان داد: «هر کجا ایرانی‌ها را یافتید، آن‌ها را بکشید.» بسیاری از آن‌ها که پیش از این به پادگان ارتش عثمانی پناه آورده بودند، کشته شدند. در بین کشته‌شدگان، ۳۰۰ زائر وجود داشت که در آن ایام به زیارت کاظمین آمده بودند. بعد از این کشتار، لشکریان عثمانی به کاظمیه هجوم بردند و به غارت حرم پرداختند.

در این هجوم چراغ‌آویزهای طلا و نقره و اشیای قیمتی حرم به تاراج رفت. <sup>(۲)</sup>

۱- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ق ۱، ص ۱۷۱- تاریخ حرم کاظمین، ص ۷۹-۷۸

۲- لمحات اجتماعیه من تاریخ العراق الحدیث، ج ۱، ص ۱۱۴- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۱۷۱

ص: ۵۵

**هدایای نادر**

حسن پاشا، والی عراق در سال ۱۱۱۱ ه. ق. از طرف عثمانی‌ها به بازسازی در حرم مطهر پرداخت و سقف‌های حرم را مرمت و تزئین کرد. «(۱)» در سال ۱۱۵۳ ه. ق. نادرشاه هدایای ارزشمندی را توسط یکی از امیرانش برای مکان‌های مقدس فرستاد. والی بغداد بعد از ثبت هدایای مذکور اجازه داد که نماینده حکومت ایران آن را در مکان‌های تعیین شده قرار دهد. «(۲)»

**اصلاحات قاجار**

در سال ۱۲۰۷ ه. ق. به امر محمد شاه قاجار، تعمیراتی در حرم انجام گرفت. این تعمیرات عبارت بودند از:

۱. طلاکاری گنبد‌های حرم و سرمناره‌های آن.
۲. سه گلدسته بزرگ حرم که تا بام حرم بیش‌تر ارتفاع نداشتند، به سطح گلدسته‌ای که توسط سلطان سلیم تکمیل شده بود، رسانده شد و همه گلدسته‌ها سقف‌دار شدند.
۳. با خرید خانه‌های اطراف حرم، صحن از قسمت جنوب و غرب توسعه یافت.
۴. ایوان صفه که در مسیر رواق جنوبی قرار دارد،

---

۱- تاریخ کاظمین، ص ۱۲۵

۲- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۱۲۶ به نقل از دوحه الوزرا، ص ۴۶- تاریخ حرم کاظمین، ص ۸۱

ص: ۵۶

طلاکاری شد.

۵. سطح رواق و روضه با مرمر سفید جذابی مفروش گشت. «(۱)» در سال ۱۲۳۱ ه. ق. به دستور فتحعلی شاه، کاشی‌های بسیار نفیس عصر شاه اسماعیل صفوی از دیوارهای داخلی حرم کنده شد و به جای آن شیشه‌های کوچک گذاشتند. این آیینه‌کاری هر چند باعث فزونی درخشش ظاهری حرم شد، ولی ارزش هنری کاشی‌های صفوی را نداشت. «(۲)» فتحعلی شاه دستور طلاکاری گنبد و مناره‌های حرم را داد. طلای لازم برای این کار از بازمانده طلای قدیمی بارگاه امام حسین علیه السلام فراهم گردید. سطح داخلی گنبد‌های حرم نیز با مینیاتورهای زیبا، آب طلا و انواع رنگ‌های جذاب آراسته شد. «(۳)» ناصرالدین شاه در سال ۱۲۷۰ ه. ق. شیخ‌العراقین را به عراق فرستاد تا بر بازسازی عتبات نظارت کند. کار بازسازی حرم کاظمین با اتمام اصلاحات در کربلا و سامرا، در تاریخ ۱۲۸۱ ه. ق. آغاز شد. این تعمیرات عبارت بودند از: محکم‌سازی پایه‌های حرم، تجدید بنای سطح بیرونی دیوار و کاشیکاری حرم؛ هم‌چنین دو دکه بزرگ در جلو

---

۱- تاریخ حرم کاظمین، ص ۸۲-۸۱- تاریخ کاظمین، ص ۱۲۶-۱۲۵

۲- همان

۳- همان، ص ۸۳



ص: ۵۷

حرم که از دو طرف جنوبی و شرقی به آن متصل بودند، با نمای سنگ مرمر ساخته شد. در داخل دکه‌ها جاهایی برای نگهداری اثاثیه زائران و اطاق‌هایی برای آنان به وجود آمد. «(۱)»

### مدحت پاشا

با افزایش چشمگیر زوار کاظمین، و کافی نبودن وسایل حمل و نقل بین بغداد و کاظمین، مدحت پاشا حکمران عثمانی در عراق، در سال ۱۲۸۹ ه. ق. بر آن شد که خط راه آهنی به طول ۷ کیلومتر بین بغداد غربی و کاظمیه ایجاد کند. «(۲)» مدحت پاشا اصلاحاتی در ساختار حکومتی کاظمیه به عمل آورد. با ضمیمه شدن مناطق مجاور به کاظمیه، این شهر از نظر اداری وسعت یافت و شهرستانی که شهر کاظمیه مرکز آن بود، به وجود آمد. این شهرستان در استان بغداد قرار داشت. «(۳)»

۱- تاریخ حرم کاظمین، ص ۹۵

۲- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۱۰، ص ۲۵۳-۲۵۲ و ص ۱۳۶ به نقل از تاریخ العراق بین الاحتلالین، ج ۷، ص ۲۴۱-۲۴۰، ایجاد این خط، از نوترین دستاوردها در زمینه حمل و نقل در شرق شمرده می‌شد، اما با گسترش وسایل حمل و نقل ماشینی، به تدریج واگن اسبی از رونق افتاد و در سال ۱۳۶۳ ه. ق. به فعالیت آن خاتمه داده شد

۳- همان، ص ۲۵۲-۲۵۳

**فرهاد میرزا**

با پایان گرفتن قرن دوازدهم، حرم در اوج شکوه و هنر قرار گرفته بود. اما صحن خاکی آن، با دیواری از آجر معمولی و حوض آبی که در وسط صحن قرار داشت، حرم را گل‌آلود کرده و به آن آسیب می‌رساند و مانعی برای برقراری نماز جماعت بود. تا این که فرهاد میرزا، عموی ناصرالدین شاه، هزینه ساخت و اجرای طرح بزرگ و عظیم صحن را به عهده گرفت. این طرح در ۱۷ ذی‌قعدة ۱۲۹۶ ه. ق. شروع شد. طرح، شامل قسمت‌های زیر بود:

۱. ساختن سرداب‌هایی در طبقه زیرین صحن برای دفن مردگان.
۲. ایجاد دیوارهای دو طبقه برای صحن. طبقه اول این دیوارها مشتمل بر اتاق‌ها و ایوان‌های کوچک بود. طبقه دوم هم دارای دیوار بلندی بود که چند اطاق جدا از هم در آن وجود داشت و حصار بر آن تکیه می‌کرد.
۳. سنگ‌فرش کردن کف صحن با سنگ‌های سیاه‌تراش ایرانی.
۴. ایجاد دو ستون بزرگ در طبقه دوم صحن، برای نصب دو ساعت بزرگ بر فراز ایوان‌های داخلی سر در شرقی و جنوبی.

ص: ۵۹

**قرن سیزده**

در سال ۱۳۰۲ ه. ق. در زمان حکمرانی «مشیر هدایت پاشا»، پلی چوبی بین شهر کاظمیه و محله اعظمیه که در شمال غربی بغداد شرقی قرار داشت، احداث شد. در سال ۱۳۱۷ ه. ق. بنای سرای کاظمیه پایه گذاری شد. در روز پنجشنبه ۱۷ جمادی‌الثانی سال ۱۳۲۴ ه. ق. اولین ضریح نقره‌ای بر مرقد شریف کاظمین گذاشته شد. مخارج ساخت این ضریح را سلطان بیگم، دختر مشیرالدوله بر عهده گرفتند. مقدار نقره به کار رفته در این ضریح، بالغ بر ۲۵۰۰۰۰ مثقال بود و هزینه آن تا نصب ۵۰۰۰۰ تومان شد.



ص: ۶۱

## بخش سوم کاظمین در چشمان یک زائر

### اشاره

این بخش در دو قسمت ارائه شده است: قسمت نخست، نگاه کوتاهی دارد به زندگی دو امام بزرگوار، امام موسی کاظم علیه السلام، و امام جواد علیه السلام و قسمت دیگر هم نگاهی دارد به وضع کنونی حرم و شمه‌ای از آداب آن.

### فصل اول: نگاهی کوتاه به زندگی دو امام علیهما السلام

#### باب الحوائج

حضرت کاظم علیه السلام روز یکشنبه، هفتم صفر ۱۲۸ ه. ق.

در ابواء، منزلی بین مکه و مدینه، به دنیا آمد. مادر بزرگوار آن حضرت کنیزی به نام حمیده بود. او درجاتی از فرزاندگی را دارا بود؛ چنان که حضرت صادق علیه السلام زنان را برای فراگیری علوم شرعی به نزد او می‌خواند.

نام حضرت، موسی، و کنیه مشهورشان، ابوالحسن و

ص: ۶۲

ابو‌ابراهیم است. لقب‌هایش عبارتند از: کاظم، صالح، باب الحوائج، صابر و ... کاظم به معنای فرو برنده خشم است؛ زیرا آن حضرت دشمنانش را با آن که بر او ستم روا می‌داشتند، هیچ‌گاه نفرین نمی‌کرد. به گفته ابن‌اثیر، مورخ نامی، آن حضرت به کسانی که به او بدی می‌نمودند، خوبی روا می‌داشت و این، رویه همیشگی آن حضرت بود ... در عراق، آن حضرت به باب الحوائج معروفند؛ زیرا هر که توسلی به حضرتش نموده، به حاجت خود رسیده است.

از عبادت‌های شورانگیز آن حضرت، روایات زیادی نقل شده است. از زمزمه‌های عاشقانه اوست:

«عَظَمَ الذَّنْبُ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيُحْسِنِ الْعَفْوَ مِنْ عِنْدِكَ.»

گناه بنده‌ات بزرگ است، پس باید نیکو باشد گذشت از طرف تو.

این امام بزرگوار هم‌چون پدرانش، بر زخم‌های فقرا مرحم بودند. شبانه، زنبیل‌های نقره و طلا، آرد و خرما را خود به دوش گرفته، به دردمندان هدیه می‌کردند. او کرامت آنان را پاس می‌داشت و بی‌آن‌که شناخته شود، نزدشان می‌رفت. وقتی هم به ایشان خبر می‌رسید، فردی در تنگنای مالی است، برای او صُره دیناری می‌فرستاد.

متوسط همیان‌های حضرت، سیصد دینار و در فراوانی، ضرب‌المثل بود. صوت حضرت در تلاوت قرآن بسیار

ص: ۶۳

زیبا بود و قرآن را با حزن می‌خواند؛ به گونه‌ای که هر که آن را می‌شنید، ژاله اشک مژگانش را خیس می‌کرد. «(۱)» دوران پیشوایی آن حضرت که از سال ۱۴۸ ه. ق.

شروع شد، دوران ویژه‌ای از نظر مبارزات بود. بنی‌عباس که رفته رفته همان رویه بنی‌امیه را در پیش می‌گرفتند، خود را مواجه با شورش‌های پی در پی شیعیان می‌دیدند. از این رو، فضایی تلخ و آکنده از فشار را بر حضرت تحمیل نمودند و سال‌ها حضرت را در زندان انداختند. در یکی از دعاهایی که در زیارت آن حضرت آمده، این وضعیت تلخ چنین توصیف شده:

«الْمُعَذِّبِ فِي قَعْرِ السُّجُونِ وَ ظَلَمِ الْمَطَامِيرِ ذِي السَّاقِ الْمَرْضُوضِ بِحَلَقِ الْقَيْودِ»

بزرگواری که در سیاه‌چال‌های زندان و سلول‌های تاریک تحت شکنجه و عذاب بود، که ساق پایش از فشار حلقه‌های کند و زنجیر شکسته و له شد. «(۲)» در نگاهی تاریخی، از مبارزات آن حضرت تجلیل برجسته‌ای شده است:

«... زندگی امام موسی بن جعفر علیه السلام فوق‌العاده پرماجرا و شورانگیز است و به نظر، اوج حرکت

۱- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹- منتهی الآمال، ج ۲

۲- مفاتیح‌الجنان، «زیارت موسی بن جعفر علیه السلام»

ص: ۶۴

مبارزاتی ائمه، مربوط به دوران زندگی این بزرگوار است ... گاه چیزهایی در زندگی آن حضرت دیده می‌شود که بیننده را مبهوت می‌کند. مثلاً از بعضی روایات بر می‌آید که ایشان چندی دور از چشم عمال حکومت مخفی و یا متواری بوده‌اند؛ یعنی دستگاه هارون در تعقیب آن حضرت بوده و ایشان را پیدا نمی‌کرده است. خلیفه کسانی را می‌برده و شکنجه می‌کرده [است] که بگویند موسی بن جعفر علیه السلام کجاست؟ و این یک امر بی‌سابقه‌ای در زندگی ائمه علیهم السلام است. از جمله، ابن شهر آشوب در مناقب روایتی نقل می‌کند که چنین چیزی از آن بر می‌آید: «دَخَلَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْضَ قُرَى الشَّامِ مُتَنَكِّرًا هَارِبًا.» (۱)»  
 درباره هیچ یک از ائمه علیهم السلام چنین چیزی نداریم. اینها نشان‌دهنده جرقه‌هایی در زندگی امام موسی بن جعفر علیه السلام است و با ملاحظه این‌هاست که معنای آن زندان و حبس ابد کذایی معلوم می‌شود و اَلَا هَارُونَ، اول که به خلافت رسید، به مدینه آمد و موسی بن جعفر علیه السلام را مورد تکریم قرار داد ...» (۲)»

---

۱- موسی بن جعفر علیه السلام گریزان و ناشناس در بعضی از روستاهای شام وارد شدند

۲- عنصر مبارزه در زندگانی ائمه علیهم السلام، ص ۳۸



ص: ۶۵

**باب المراد**

حضرت جواد علیه السلام در دهم رجب ۱۹۵ ه. ق. در مدینه متولد شد. چنان که حضرت امام عصر - روحی له فداء - در دعایی که به آن حضرت منسوب است، نام ایشان را در زمره امامان تولد یافته در رجب قرار داده است. مادر حضرت، کنیزی به نام «سبیکه»، از خاندان ماریه قبطیه، کنیز پیامبر صلی الله علیه و آله، بود و حضرت رسول صلی الله علیه و آله او را چنین ستوده: بهترین کنیزهاست که دهانی پاک و رحمی نجیب دارد. حضرت رضا علیه السلام او را «خیزران» نام نهاد.

کنیه حضرت جواد علیه السلام، ابو جعفر ثانی بوده و القاب معروف او عبارتند از: مرتضی، قانع، منتجب، تقی و جواد. در عراق، امام جواد علیه السلام به باب المراد معروفند. با آن که حضرت در سن نه سالگی، و به گفته‌ای در ۱۷ سالگی، ردای امامت بر دوش نهاد، ظهور ولایت و علوم الهی از چشمه معرفتش، همه را به این باور رساند که او امام است. طبرسی در اعلام الوری از او چنین یاد کرده است: امام جواد با سن کم خود به پایه‌ای از دانش، حکمت و ادب رسید که کسی از پیران هم به پای او نمی‌رسید. از وسعت دانش فقهی او و احاطه‌اش بر احکام الهی و ژرفنای تفکرش، مطالب شگفت و خیره‌کننده بسیاری نقل شده است. آن حضرت، از جهت علمی و عملی، برترین فرد زمان خود بود؛ همان‌طور در تقوا، عبادت، بخشش و در همه فضیلت‌ها.

ص: ۶۶

زندگی امام جواد علیه السلام از نظر سیاسی تداوم راه پدر بود.

مأمون کوشید علاقه امام را به خود جلب کند و او را به دارالخلافه نزدیک سازد. هدف مأمون این بود که بین امام و پایگاه‌های مردمی آن حضرت فاصله ایجاد شود. از این رو دختر خود، ام‌فضل را به همسری او درآورد. اما امام با درایت و دوراندیشی ویژه یک امام، نقشه مأمون را عقیم گذاشت و اصرار ورزید که به مدینه بازگردد. از پندهای به یادگارمانده امام جواد علیه السلام که نشانگر عمق بینش فرا انسانی اوست، این می‌باشد:

«الثَّقَّةُ بِاللَّهِ تَمَنَّ لِكُلِّ غَالٍ وَ سَلَّمَ لِكُلِّ عَالٍ». اطمینان به خداوند متعال، بهای هر چیز ارزشمند، و نردبان اوج و بلندی است.

«مَنْ انْقَطَعَ إِلَى غَيْرِ اللَّهِ، وَكَلَّهُ اللَّهُ إِلَيْهِ». کسی که توجه‌اش تنها معطوف به غیر خدا باشد، خدا کارش را به او واگذارد.

«عِزُّ الْمُؤْمِنِ غِنَاهُ عَنِ النَّاسِ». عزت مومن، بی‌نیازی او از مردم است.

«لَا تَضُرُّكَ سَخَطُ مَنْ رِضَاةَ الْجَوْرِ». خشم کسی که خشنودیش ظلم است، به تو آسیبی نمی‌رساند.

«الْقَضِيْدُ إِلَى اللَّهِ بِالْقُلُوبِ، أَبْلَغُ مِنْ انْتَعَابِ الْجَوَارِحِ بِالْأَعْمَالِ». توجه قلبی به خدا، رساتر از رنج دادن اعضای بدن به اعمال است.

«(۱)»

۱- نگاهی گذرا بر زندگی امام جواد علیه السلام- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹- منتهی الآمال، ج ۲- پیشوایان ما

## فصل دوم: نگاهی به وضع کنونی حرم و شمه‌ای از آداب آن

### دور نمای حرم

بارگاه نورانی امام موسی کاظم و امام جواد علیهما السلام، در مرکز بخش اصلی شهر کاظمین واقع است. از دوردست که به حرم می‌نگری، دو قبه از طلا به شکل شلجمی نمودارند که در تابش آفتاب جذابیت خاصی پیدا می‌کنند. به نظر می‌رسد که هنرمندان طراح حرم خواسته‌اند از این درخشش ظاهری در بیان موقعیت هدایتگری امامان بهره جویند. از طرفی کاربرد اشکال مدور در نحوه ساختمان قبه‌ها نوعی انعطاف را نشان داده، از خشونت شکل بنا می‌کاهد. گذشته از این موجب می‌شود که سقف تا نهایت بالا بیاید و فضای زیر سقف دلگشا گردد.

گلدسته‌های واقع در چهار گوشه بام حرم، چشم‌انداز جالبی دارند. این گلدسته‌های کوچک و توپر طلاکاری شده، بر فروغ و روشنی حرم افزوده‌اند.

در چهار زاویه بام رواق آن نیز، مأذنه‌های مرتفع و مجوفی قرار دارد که از دیواره حوضچه تا نوک میله سر آن‌ها تذهیب شده و دارای کتیبه‌های متعددی به خط کوفی و ثلث است.

ص: ۶۸

این زیبایی‌ها در کنار هم چنان جمع شده‌اند که مشهد کاظمین در میان مشاهد ایران و عراق، در حُسن منظره شاخص گشته است. «(۱)»

### گذری در حرم

هنر با آمیزه عشق، معجونی بود که توانست غبار عبور تندباد تاریخ را از سر و روی حرم بشوید و بعد از گذشت قرن‌ها به آن طراوت بدهد. اکنون بر جای جای حرم، اثر دستانی است که تعهد و عشق به آن‌ها گرما و صمیمیت می‌داد؛ هنرمندانی که شور از دل داشتند و نفسشان ذکر حق بود.

و چنین شد که ساختمان حرم، ظهوری معنوی یافته تا بتواند به خوبی حضور گوهران عصمت را در جان آشنا و ناآشنا نقش کند؛ حضوری پاک و روحانی که انسان را در خود فرو برده، او را به قرابت خویش فرا می‌خواند. هر چند وصف این زیبایی‌ها هرگز نمی‌تواند لذت حضور را در آن پاره بهشت بدهد، ولی وصف العیش نصف العیش.

### گاه صدق

آن گاه که زائر به کاظمین می‌آید، احساس قرابت و

ص: ۶۹

نزدیکی می‌کند؛ گویی بانکی از درون، او را به حرم می‌خواند.

محمل رحلت ببند ای ساربان کز شوق یار می‌کشد هر دم به رویم قطره‌های خون قطار جامی  
چنان مستی بر او سایه می‌اندازد که اختیار از کفش می‌رود. اما باید قبل از آنی که به این بارگاه نور در آید، با غسل زیارت، خود  
را از آلودگی پاک کند تا طراوت حضور را به جان بیابد.

اول از آرایش تن پاک شو پس به حریم در او خاک شو خاک شدن و رجوع به اصل خویش همان قرابت معهود است. امامان  
علیهم السلام آن نور بندگی‌اند که در زمین منعکس شده‌اند تا آدمی نور ربوبی را در خود بجوید و بیگانه با اصل خویش نباشد.  
خلیفه خدا از آن رو خلیفه است که نور حق را می‌نمایاند و هر کس هم می‌خواهد نوری از این انوار الهی به دل خویش بتاباند، باید  
دل از تیرگی گناه برگیرد.

آنچه نه پاکست از آن پاک شو بر در او با دل صد چاک شو زائر با سکینه و وقار به کوی دوست روانه می‌شود. وقتی به حرم  
شریف رسید، نزد درب آن

ص: ۷۰

می‌ایستد و می‌گوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى هِدَايَتِهِ لِدِينِهِ، وَ التَّوْفِيقِ لِمَا دَعَا إِلَيْهِ مِنْ سَبِيلِهِ.  
 اللَّهُمَّ أَنْتَ أَكْرَمُ مَقْصُودٍ وَ أَكْرَمُ مَيَاتِي، وَ قَدْ أَتَيْتُكَ مُتَقَرِّبًا إِلَيْكَ بِبَابِي نَبِيَّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمَا وَ عَلَى آبَائِهِمَا الطَّاهِرِينَ وَ ابْنَائِهِمَا  
 الطَّيِّبِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَا تُخَيِّبْ سِعِي، وَ لَا تَقْطَعْ رَجَائِي، وَ اجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَ جِيهَا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ مِنْ  
 الْمُقَرَّبِينَ.» (۱) معبودی جز الله نیست و الله برتر از توصیف است و بر هدایتی که او مرا به دینش نموده، او را می‌ستایم.

معبودم! تو بهترین هدف و کریم‌ترین فردی هستی که نزد او می‌روند و من در حالی که به دو فرزند پیامبرت- که درود تو بر آنان و پدران و فرزندان پاکشان باد- به سویت نزدیکی می‌جویم.

معبودم! بر محمد و آل محمد درود فرست! تلاشم را بی‌فایده مساز و امیدم را قطع نکن و به وسیله آنان مرا در دنیا و آخرت آمرزیده، مرا از نزدیکان قرار ده.

۱- مصباح الزائر، ص ۲۰۰-۱۹۸ به نقل از بحار الأنوار، ج ۱۰۲

ص: ۷۱

ای دل ز الطاف اله یافته‌ای در حرم قرب راه

**درب‌های حرم مطهر**

حرم مطهر دارای ده درب است که هر یک به نامی خوانده می‌شود و شاید هر درب، ادبی در خور خویش داشته باشد. چه این که حرم ملک تصرف آنان است و کاری بی‌خواست آن‌ها در آنجا تحقق نیابد. این درب‌ها در دیوارهایی به قطر ۲۰ سانتی‌متر و به طول بیش از ۱۲۰ متر، که بر گرد حرم افراشته است، پراکنده شده‌اند. در دیوار شمالی دو درب باز می‌شود؛ یکی از صحن مراد که به باب جواهریه معروف است و دومی هم از صحن قریش که باب قریش نام دارد. در دیوار شرقی هم سه درب قرار گرفته است. باب فرهادیه در گوشه شمال شرقی دیوار، باب رجاء بین وسط دیوار و شمال آن، و درب بزرگی در وسط آن به نام باب مراد. در دیوار غربی نیز باب صافی در گوشه جنوب غربی و باب صاحب‌الزمان که در میانه دیوار جای گرفته، قرار دارد.

درب‌های دیوار جنوبی هم عبارتند از: باب مغفرت که در ثلث شرقی دیوار است، درب بزرگی که در وسط دیوار است و به باب قبله معروف است. از این درب‌ها سه درب اصلی است که عبارتند از:

۱. باب صاحب‌الزمان ۲. باب قبله ۳. باب مراد. این سه

ص: ۷۲

درب، ارتفاع زیادتری داشته و اطراف آن‌ها نیز کاشیکاری شده است. [\(۱\)](#)

### صحن

صحن شریف با فضایی باز و گسترده، خیل عظیم زائران را در خود جای می‌دهد. هر زائر بعد از اذن‌خواهی و با گذاشتن پای راست خود و گفتن این دعا: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ السَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ»، انگیزه خود را صفای بیش‌تری داده، با خلوصی افزون‌تر مهبای حضور در حرم می‌گردد.

صحن از سه طرف، بناهای حرم را در میان خود گرفته است. تنها در ضلع شمالی صحن بریده می‌شود. در آن‌جا مسجد جامع صفوی قرار دارد که به دیوار حرم متصل است.

حرم مطهر از دو قسمت جنوبی و شمالی تشکیل شده که با یکدیگر مرتبطند.

قسمت جنوبی، بارگاه امام کاظم علیه السلام، و قسمت شمالی، بارگاه امام جواد علیه السلام است. با این‌که این دو قسمت از نظر ساختمان مستقلند، ولی صحن، آن‌ها را به صورت

۱- تاریخ کاظمین، ص ۴۸- تاریخ حرم کاظمین، ص ۱۹۴-۱۸۴



ص: ۷۳

یک بنا در آورده است.

صحن از چهار طرف، دارای هفتاد حجره است که در گذشته، مخصوص دانش‌پژوهانی بوده که بر گرد حرم، جان خویش را صیقل می‌دادند، ولی اکنون این حجره‌ها به صورت آرامگاه‌های خانوادگی درآمده‌اند. هر چند بنای صحن یک طبقه است، ولی در هر زاویه از زوایای چهارگانه آن، دو اتاقک ایوان‌دار باریک، در دو گوشه راهروها بنا کرده‌اند؛ به طوری که در قسمت پایانی هر ضلع، یک اتاقک قرار گرفته است. «(۱)» هم‌چنین در دو طرف ایوان‌های بلندی که در وسط جنوبی و شرقی و غربی صحن قرار دارند، نیز دو اتاقک زیبا و کم عرض بر فراز دو حجره باریک اطراف ایوان وجود دارد. با تکرار این اتاقک‌ها که در فاصله‌های معین انجام گرفته و در اصطلاح معماران به آن شکم‌دریدگی می‌گویند، زیبایی روح‌افزایی به صحن داده شده است. طبقه زیرین صحن، سردابه‌ای است برای آنانی که بعد از مرگ، می‌خواهند جسمشان در وزش همیشگی نسیم حیاتبخش حرم قرار داشته باشد. «(۲)»

۱- تاریخ کاظمین، ص ۳۱-۳۴-۳۵

۲- همان، ص ۳۱-۳۵

ص: ۷۴

## تا روضه

پس از گذر از صحن، تا رسیدن به روضه که ضریح مقدس را دربر گرفته، باید از طارمه‌ها گذشت. در اطراف رواق‌های شرقی و غربی و جنوبی، سه طارمه وسیع قرار دارد. این طارمه‌ها سقف داشته، مستطیل شکل‌اند و به وسیله نرده‌های آهنی مشبک، از صحن جدا گشته است.

اما رواق شمالی به هیچ یک از طارمه‌ها محدود نشده است. چون دیوار آن، متصل به مسجد صفوی است. در وسط طارمه شرقی یا طارمه باب مراد و چسبیده به دیوار حرم، ایوان طلایی بزرگی است که ناصرالدین شاه قاجار در سال ۱۲۸۵ ه. ق. طلای تذهیب آن را اهدا کرد. این ایوان به ایوان ناصری هم معروف است. در وسط طارمه جنوبی، طارمه قبله، ایوان بزرگی مزین به طلا و آئینه کاری شده، متصل به دیوار حرم وجود دارد که از میانه آن درب رواق طلایی باز می‌شود. «(۱)» بعد از طارمه‌ها، رواق‌های حرم قرار دارند. این رواق‌ها از چهار طرف روضه را در میان خود دارند. رواق‌ها از ارتفاع چهارمتری به بالا- با بهترین اشکال هندسی آئینه کاری شده‌اند. «(۲)» گویی هنرمندان مسلمان خواسته‌اند

---

۱- تاریخ حرم کاظمین، ص ۱۸۳-۱۷۱- تاریخ کاظمین، ص ۳۸-۴۰

۲- همان، ص ۱۵۸

ص: ۷۵

اقتدا به قرآن نمایند و قصر لجه‌ای سلیمان را که وسیله حقیقت‌یابی ملکه سبا گردید، «(۱)» به گونه‌ای خاص ترسیم کنند تا هر کس را که در این وادی با قرب به اولیای حق، جویای اوست، رهنمون شوند.

### رواق‌های حرم

رواق‌های حرم عبارتند از:

۱. رواق شمالی؛ این رواق از جهت شمالی به مسجد صفوی وصل است و از طرف جنوب خود به روضه راه دارد.
۲. رواق غربی؛ این رواق از جانب شرقی متصل به روضه است و از طرف غرب به طارمه صحن قریش متصل بوده و از شرق خود متصل به روضه است.
۳. رواق شرقی؛ رواق مزبور از جهت غرب به روضه راه دارد. رواق شرقی با سه در، از جهت شرقی به طارمه باب مراد متصل است.
۴. رواق جنوبی؛ از شمال متصل به روضه، و از طرف جنوب هم وصل به طارمه قبله است. این رواق نیز با طارمه مذکور، به وسیله سه در، ارتباط دارد. «(۲)»

۱- اشاره به آیه ۴۴. از سوره نمل

۲- تاریخ کاظمین، ص ۱۷۳-۱۵۸

ص: ۷۶

**روضه**

جای سراسر است این که تو پا می‌نهی پای ندانی که کجا می‌نهی  
دور شو از خواهش نفس و هوی انک فی اقدس واد طوی  
چون که در آیی به سوی روضه آ از سر اخلاص و نیاز و دعا  
روضه که آمد ز ریاض بهشت خشت خشتش همه عنبر سرشت  
بر سر هر کنگره‌اش تا فلک جای گرفتست ملک بر ملک

هر که در این روضه زمانی نشست تا ابدالدهر ز اندوه رست زایر با رسیدن به روضه شریف، به مقصود نزدیک می‌شود. روضه به منزله قلب حرم است و آداب مخصوصی دارد. زائر باید فزون‌تر از گذشته خلوص را نمایان ساخته، طمأنینه و آرامش را در گفتار و رفتار خود حاکم نماید. هر چند که اگر زائر آشنا تر باشد، شوق، مجال تکلف را از او می‌گیرد و خود به خود آرامش و قرار بر جان او سایه می‌اندازد.

روضه دو امام علیهما السلام، مشترک، و ضریح هر دوی آنان در وسط آن قرار گرفته است؛ اما همین روضه مشترک، به دو

ص: ۷۷

قسمت تقسیم شده است: قسمت جنوبی که روضه امام کاظم علیه السلام، و قسمت شمالی که روضه امام جواد علیه السلام است و دو راه باریک و تنگ، آن‌ها را به هم متصل می‌سازد.

### درب‌های روضه

برای ورود در روضه، شش در وجود دارد که از رواق‌ها به طرف روضه‌ها گشوده می‌شود. پیش‌تر روضه دارای سه درب و سه دریچه بود که برای آسان‌تر شدن رفت و آمد زائران، دریچه‌ها را به درب‌های ورود و خروج تبدیل کرده‌اند. این شش درب عبارتند از:

۱. درب جنوبی روضه امام کاظم علیه السلام؛ این درب طلایی بوده و ساخت اصفهان است.
۲. درب شرقی روضه امام کاظم علیه السلام؛ این درب هم طلایی بوده و ساخت اصفهان است.
۳. درب غربی روضه امام کاظم علیه السلام؛ درب مزبور به سعی و اهتمام دو تاجر شوشتری مهیا شده است.
۴. درب شمالی روضه امام جواد علیه السلام؛ این درب نقره‌ای است و اهداکننده آن ایرانیان بوده‌اند. بر این درب، این بیت شعر نقش بسته:

چه در گهی که باب المراد نامندش شفیع خلق، امام جواد خوانندش ۵. درب شرقی روضه امام جواد علیه السلام؛ این درب نقره‌ای است و اهداکننده آن نیز ایرانیان بوده‌اند. بر پیرامون لنگه‌های این در اشعاری فارسی نوشته شده است.

۶. درب غربی روضه امام جواد علیه السلام؛ این درب نقره‌ای است و مانند درب شرقی، بر اطراف لنگه‌های آن اشعار فارسی نوشته شده است. (۱)

### اذن ورود

قبل از آن که زائر پا در روضه گذارد، بهتر است که اذن ورود بخواهد. بر قسمت بالای چهار چوب درب جنوبی روضه امام کاظم علیه السلام، بر ورقه‌ای از مینا، این اذن نوشته شده است:

«اللَّهُمَّ إِنِّي وَقَفْتُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِ بَيْتِ نَبِيِّكَ صِلْ لِمَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَقَدْ مَنَعَتِ النَّاسَ أَنْ يَدْخُلُوا الْمَا بِإِذْنِهِ فَقُلْتُ: يَا أَيُّهَا الَّذِيْنَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بَيْتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ.»

خدایا من بر در یکی از درهای خانه‌های پیامبرت - درود تو بر او و خاندانش باد - ایستادم و تو مردم را از این که بدون اذن او وارد خانه‌اش شوند، بازداشته‌ای و گفته‌ای: «ای کسانی که ایمان



ص: ۷۹

آورده‌اید، داخل خانه‌های پیامبر نشوید. مگر این که شما را رخصت دهد.»

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقْتُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ، كَمَا أَعْتَقْتُهَا فِي حَضْرَتِهِ، وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرُونَ مَقَامِي وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي، وَيُرْذُونَ سِيَلاَمِي، وَأَنَّكَ حَجَبْتَ عَنِّي سَمْعِي كَلَامَهُمْ، وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ.»

خدایا چنان که در زمان حضورشان احترام داشتن آن‌ها را باور داشتیم، اینک نیز که آنان از دیده‌ها پنهانند، احترام آن‌ها را معتقدم و می‌دانم که رسول و امامانت - درود تو بر آنان - نزد تو زنده‌اند و روزی می‌برند؛ آنان جای مرا دیده و سخنم را می‌شنوند، و پاسخ سلامم را می‌دهند، هر چند خود مرا از شنیدن کلامشان مانع شده‌ای و تنها دریچه فهم اندیشه‌ام را با لذت نجواهایشان در دل آشنا ساخته‌ای.

«وَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوْلًا وَأَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَيْكَ الْإِمَامَيْنِ الْمَفْرُوضَيْنِ عَلَيَّ طَاعَتُهُمَا مَوْسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْجَوَادَ وَالْمَلَائِكَةَ الْمُوَكَّلِينَ بِهَذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ ثَالِثًا.»

ص: ۸۰

خدایا من ابتدا از تو رخصت می‌خواهم، و بعد از رسالت، و در مرتبه سوم، از دو امامت که پیرویشان را بر ما فرض نموده‌ای، امام موسی بن جعفر علیه السلام و محمد بن علی جواد و از فرشتگانی که بر این بقعه مبارک گمارده‌ای.

«أَدْخُلْ يَا اللَّهُ أَدْخُلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَدْخُلْ يَا حُجَّتِي اللَّهُ أَدْخُلْ يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ الْمُقِيمِينَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَاذْنَا لِي يَا مَوْلِيَّ فِي الدُّخُولِ أَفْضَلَ مَا أُدْنِيهِمَا لِاحِدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكُمَا؛ فَإِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا لِذَلِكَ فَاتُّمَّا أَهْلٌ لِذَلِكَ.»

ای معبودم! وارد شوم؟ ای رسول خدا! وارد شوم؟

ای حجت‌های خدا! وارد شوم؟ و ای فرشتگان مقربی که در این مشهد اقامت دارید! آیا وارد شوم؟ ای مولاها‌ی من! مرا در ورود اذن دهید، اذنی برتر از آنچه برای دوستانتان تاکنون داده‌اید، و اگر خود شایسته آن نمی‌باشم، شما شایسته چنین رفتاری هستید.

«(۱)»

### زیارت

وقتی زائر به روضه در آمد، زمان آن می‌رسد که پیش از هر چیز به زیارت بپردازد. زیارت به ماثور این ویژگی را



ص: ۸۱

داراست که زائر مطمئن می‌شود سخنی برخلاف ادب بر زبان نرانده و هر چه گفته، شایسته بوده است.

برای هر کدام از امامان علیهما السلام، امام کاظم علیه السلام و امام جواد علیه السلام، زیارت ویژه‌ای است؛ همان گونه که می‌توان هر دو امام را با یک زیارت جامع زیارت کرد. یکی از آنها زیارتی است که مفید، شهید و مؤلف مزار کبیر آن را نقل نموده‌اند.

«السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا وَلِيِّيَ اللَّهُ! السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا حُجَّتِي اللَّهُ! السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا نُورِي اللَّهُ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ!»

سلام بر شما ای اولیای خدا! سلام بر شما ای حجت‌های خدا! سلام بر شما ای نورهای خدا در تاریکی‌های زمین!

«أَشْهَدُ أَنَّكُمَا قَدْ بَلَّغْتُمَا عَنِ اللَّهِ مَا حَمَلَكُمَا، وَ حَفِظْتُمَا مَا اسْتَوْدَعْتُمَا، وَ حَلَلْتُمَا حَلَالَ اللَّهِ وَ حَرَّمْتُمَا حَرَامَ اللَّهِ.»

گواهی می‌دهم شما رسالتی را که خدا بر دوشتان نهاده بود، رسانده‌اید و ودیعه‌های او را پاس داشته، حلال او را حلال، و حرام او را حرام دانسته‌اید.

«وَأَقَمْتُمَا حُدُودَ اللَّهِ وَ تَلَوْتُمَا كِتَابَ اللَّهِ وَ صَبَرْتُمَا عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِ اللَّهِ مُحْتَسِبِينَ حَتَّى

ص: ۸۲

أَتَاكُمْ الْيَقِينُ.»

و حدود الهی را بر پا کردید و کتاب او را بر خواندید و تا جایی که امکان داشت، بر آزارها و اذیت‌هایی که به شما در راه خدا می‌رسید، صبر و تحمل نشان دادید، تا آن که یقین، شما را فرا رسید و موسم رفتن آمد.

«أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِوَلَايَتِكُمْ أَتَيْتُكُمْ زَائِرًا عَارِفًا بِحَقِّكُمْ مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكُمْ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكُمْ مُسْتَبْصِرًا بِالْهُدَى الَّذِي أَنْتُمْ عَلَيْهِ، عَارِفًا بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُمْ، فَاشْفَعَا لِي عِنْدَ رَبِّكُمْ؛ فَإِنَّ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ جَاهًا عَظِيمًا وَ مَقَامًا مَحْمُودًا.»

برای خدا، از دشمنان شما بیزاری جسته، با دوستی‌تان به او نزدیکی می‌جویم. به زیارت شما آمده‌ام، در حالی که به هدایتی که شما بر آن بوده‌اید، روشنی گرفته و به گمراهی کسی که شما را مخالفت کرده، پی برده‌ام. پس نزد خدا مرا شفاعت کنید. همانا شما در نزد خداوند منزلت بلند و مقام ستوده دارید.

سپس تربت [ضریح] را ببوس و گونه راست را بر آن بگذار و بعد به سوی سرهای مقدس برو و بگو:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا حُجَّتِي اللَّهُ فِي أَرْضِهِ وَ سَمَائِهِ عَبْدُكُمْ وَ وَئِيكُمْ وَ زَائِرُكُمْ مُتَقَرَّبٌ إِلَى اللَّهِ

ص: ۸۳

بزیارتکمما.»

سلام بر شما ای حجّت‌های خدا در زمین و آسمان! غلام شما و دوستتان زائر شماست و به وسیله زیارتتان به خدا تقرب جسته است.

«اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي أَوْلِيَائِكَ الْمُصْطَفَيْنِ، وَحَبِّبْ إِلَيَّ مَشَاهِدَهُمْ

وَاجْعَلْنِي مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ!»

خداوندا برایم زبانی راست درباره اولیای برگزیده‌ات قرار داده، و مشهدهایشان را محبوبم گردان، و مرا در دنیا و آخرت با آنان

قرار ده، ای مهربان‌ترین مهربانان!

پس از آن دو رکعت نماز زیارت برای هر یک از دو امام گزارده، به آنچه دوست داری، دعا می‌کنی، و به هنگام بازگشت، این

چنین امامان را تودیع می‌نمایی:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا وَلِيِّيَ اللَّهُ أَشْتَدُّ دُعَاكُمَا اللَّهُ وَ أَقْرَأُ عَلَيْكُمَا السَّلَامَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالرَّسُولِ وَ بِمَا جِئْتُمَا بِهِ وَ دَلَّلْتُمَا عَلَيَّهِ.»

سلام بر شما ای اولیای خدا! شما را به خدا می‌سپارم و بر شما درود می‌فرستم، در حالی که به خدا و رسولش و آنچه شما آورده‌اید

و بر آن راهنمایی

ص: ۸۴

کرده‌اید، به باور رسیده‌ام.

«اللَّهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي أَيَاهُمَا، وَارْزُقْنِي مُرَافَقَتَهُمَا، وَاحْشُرْنِي مَعَهُمَا، وَانْفَعْنِي بِحُبِّهِمَا، وَ السَّلَامَ عَلَيْكُمَا وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.» (۱) خدایا! مرا از زمره شاهدان قرار ده و نگذار این زیارت، آخرین زیارت برای آنها باشد. خدایا! دوستی‌شان را روزیم کن، و مرا با آنان محشور ساز، و با محبت آنها به من سود رسان. سلام و رحمت خدا بر شما باد.

### توصیفی از روضه‌ها

چنان که گفته شد: روضه‌های حضرت کاظم علیه السلام و حضرت جواد علیه السلام، به یکدیگر متصلند. اما حرم موسی بن جعفر علیه السلام، دارای مزایای فراوانی است که موجب اختلاف شایان بین دو حرم گردیده است. در حرم موسی بن جعفر علیه السلام بهترین آینه کاری جهان انجام گرفته است. حرم به ارتفاع یک متر، از سنگ مرمر پوشیده شده و بر بالای آن هم به ارتفاع یک متر و نیم از کاشی معرق و گره‌سازی شده که از بقایای کاشی‌های شاه

۱- مزار الکبیر، ص ۱۷۸، مزار الشهید، ص ۵۹ به نقل از بحار الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۱۴

ص: ۸۵

اسماعیلی و سلطان محمد تكلو است، وجود دارد. در بالاتر آن نیز کتیبه کمربندی به عرض نیم متر، با زمینه لاجورد بسیار زیبای ثلث قرار دارد که حروف آن از کاشی‌های زرد رنگی بریده و گره‌سازی شده است. عمل تراش حروف چنان ماهرانه انجام گرفته که تشخیص نوشته بودن آن یا گره‌ساز بودنش، دشوار می‌نماید؛ چنان‌که بیش‌تر مردم آن را نوشتنی می‌شمرند.

چیزی که باعث زیبایی افزون حرم موسی بن جعفر علیهما السلام گردیده، چهار کتیبه مربع و گچبری است که بر روی آن‌ها به خط ثلث برجسته و طلایی‌رنگ و بر روی زمینه سیاه، سوره «هل اتی» گچبری شده است. هر کتیبه، مشتمل بر شانزده ترنج زیبا و برجسته بوده و در میان آیه‌ها یک ترنج قرار گرفته است.

نکته جالب آن است که از دو مربع شرقی و از دو مربع غربی و از یک مربع شرقی و یک مربع غربی سه سوره کامل درست می‌شود. درون روضه هم قندیل‌های متعدد طلای مرصع و چلچراغ‌های بلورین و ساعت‌های دیوارکوب و قطعات نفیس از خاتم مرصع به عاج و پرده‌های ترمه زربافت و مرواریددوزی شده و کتیبه‌های گوناگون مروارید قاب گرفته شده، زینت‌بخش آن

ص: ۸۶

شده‌اند. «(۱)» ناگفته نماند این گونه پرداخت‌های تجملی از بار معنوی حرم می‌کاهد؛ چه این که زینت‌هایی این چنین، جایی رواست که تهی از زیبایی درون باشد و باید بین هنر که آمیزه جان آدمی است و تجمل که زینتش ظاهری است، تفاوت قایل شد؛ زیرا هنر می‌تواند جلوه‌های عشق و ایمان باشد، اما تجمل چنین نیست.

قسمت شمالی روضه منوره که حرم مخصوص امام محمدتقی علیه السلام شمرده می‌شود، از بسیاری جهات همانند حرم امام کاظم علیه السلام است، اما مزایای حرم امام کاظم علیه السلام را ندارد.

### ضریح

ضریح نقره‌ای که هم اکنون مرقد‌های شریف دو امام علیهما السلام را در بر گرفته، اهدایی بانو حاجیه سلطان است که در سال ۱۳۲۴ ه. ق. جای ضریح بزرگ فولادی را گرفت.

اما همین ضریح نیز در ۱۳۵۹ ه. ق. توسط دولت عراق مرمت و بازسازی شد. سبب این همه تعمیر و تعویض این است که اعراب عادت دارند هنگام التجا و حاجت‌خواهی، خود را به پنجره‌های ضریح بیاویزند و آن را به شدت تکان دهند.

۱- تاریخ کاظمین، ص ۱۱۸ و ۲۱۴

ص: ۸۷

ضریح مزبور هم اینک بسیار زیبا و به شکل مربع مستطیل است. عرض آن پنج متر و طولش شش متر بوده و ارتفاع آن ۲/۷۵ متر است. در چهار طرف ضریح، درگاه‌ها قرار گرفته، این درگاه‌ها با شبکه‌های زیبا و مقاطع کوثر رمانی بوده و کتیبه‌هایی به خط ثلث و نستعلیق، اطراف آن را در بر گرفته‌اند. سقف داخلی ضریح، از چوب ساخته شده و مزین به نقوش هندسی و گل و بوته است. در ضلع شرقی ضریح، طرف پایین پای امامان، در زیبایی از نقره و دارای قلمزنی‌هایی ممتاز و ریزه کاری‌ها و کنده کاری‌های جالب به همراه گل بوته‌های ظریف و خطوط زیبای نستعلیق قرار دارد که با قفل بزرگی از نقره بسته شده است. این در در شب‌های جمعه، مقارن نصف شب، برای غبارروبی و جمع آوری نذورات باز می‌شود.

بر فراز ستون‌های چهارگانه ضریح که در زوایای آن قرار دارند، در دو طبقه، هشت قندیل فولادی از آثار گرانبهای صفوی قرار دارد. بر روی این قندیل‌ها، کتیبه‌هایی از آیات قرآنی، روایات و اسمای جلاله، با دقت کننده کاری شده و بعد، وسط آن را با طلا پُر کرده‌اند. (۱)

### جلوه‌گاه هنر

وقتی وهابیون صندوق خاتم امام حسین علیه السلام را

---

۱- تاریخ کاظمین، ص ۲۲۶-۲۲۲- تاریخ حرم کاظمین، ص ۱۴۳-۱۴۲

ص: ۸۸

سوزاندند، آنانی که بر ارزش هنری صندوق‌های مشاهد واقف بودند، بر آن شدند این صندوق‌ها را در لفافه‌ای نقره قرار دهند تا از آسیب‌های احتمالی مصون بمانند. بر روی صفحه‌های نقره‌ای نیز گُل و بوته‌های ظریفی کنده‌کاری شد تا تصور شود تنها صندوق‌های نقره‌ای بر تربت‌ها قرار گرفته‌اند.

و بدین گونه، سالیان دراز این صندوق‌ها در پرده استتار ماند. کلیدداران مشاهد نیز از وجود چنین صندوق‌هایی بی‌خبر بودند. سرانجام راز بر ملا شد و صندوق خاتم تربت امام علی علیه السلام از پوشش نقره‌ای خود خارج شد. بر ملا شدن این راز، کلیددار کاظمین را هم‌چون باقی کلیدداران، واداشت تا به کاوش پردازد و صندوق‌های کاظمین نیز هویدا شود. نفوذ رطوبت روی خاتم‌ها را سیاه ساخته و از جذبه هنری آن کاسته بود. برای همین از خاتمکار شهیر ایران، صنیع خاتم، خواسته شد تا مرمت این صندوق‌ها را بر عهده گیرد. او نیز با دقت بسیار، این آثار برجسته را بازسازی کرد. صنیع هشت قطعه شمش خاتم را خود بر حواشی دو صندوق افزود. بعد از مرمت، برای حفاظت صندوق‌ها از گرد و غبار، آن‌ها را با شیشه‌های کلفت پوشاندند. صندوق‌های مزبور که شاهکارهای کم‌نظیری از بزرگ‌ترین اساتید خاتم ایران، در قرن دهم هجری است، به جهاتی، گوی برتری را از دیگر



ص: ۸۹

صندوق‌های مشاهد ر بوده‌اند.

با این همه، صندوق بارگاه حضرت جواد علیه السلام بر صندوق بارگاه امام کاظم علیه السلام برتری دارد؛ زیرا ریزه کاری‌ها و نازک کاری‌های بسیار دقیق و ظریفی دارد که جز با ذره‌بین‌های حساس نمی‌توان آن را مشاهده کرد. از ویژگی‌های این صندوق آن است که در جهت جنوبی آن، یعنی در پشت روی مبارک و بدنه‌ای که به طرف صندوق امام کاظم علیه السلام قرار دارد، ستاره‌هایی نمودار است که با کمال زیبایی و مهارت ساخته شده و در فواصلی، روی صندوق به کار برده شده‌اند. استادان فن چنان مهارت نشان داده‌اند که گویی آن ستاره‌ها نورافشانی می‌کنند، و چه مناسب جای آن را طراحی کرده‌اند، بر روی سینه جواد علیه السلام؛ باشد تا فروزش جان آن عزیز را چون ستارگانی بنمایانند. هر چند این ستاره‌ها در میان دو صندوق واقعند، ولی تالوثی آن، دیده‌ها را نوازش می‌دهد. «(۱)»

### نگاره شعر

شهریار در شعری زیبا، شوری از عشق به کاظمین را در نگاره شعر در آورده:

۱- تاریخ کاظمین، ص ۲۳۶-۲۲۷

ص: ۹۰

همه پاس ادب باشی خدا را همه دست ادب بر سینه یارا  
حریم حُرمتی در پیش داری که سر گم می کند خود، دست و پا را  
چراغ مُصطفی بر گنبدش بین به سر در، ذوالفقار مرتضی را  
در این جا، آسمانها آستان بوس چه جای سر بر آوردن شما را  
ادب راه نَفَس بندد به سینه نفس، نای گلو گیرد صدا را  
جهان ما نباشد ظلمتی بیش مگر یابی در این روزن ضیا را در این معراج قلبی جلوهای است به عرشِ دل، جمال کبریا را  
به خلوتخانه خاطر خلوصی مگر یابی در این خلوت خدا را  
کمند چاه کُن، حبل‌المتین را چراغ راه کن، نورالهدا را  
در این محراب عرشی بازیابی دو شمع معبد آل‌عبا را  
دو خضری کاندرین ظلمت فروزند چراغ چشمه آب بقا را

ص: ۹۱

چراغ هفتمین، موسی بن جعفر که زندانی کند، شمس الضحی را  
 به زیر قبه باب الحوائج اجابت ملتزم باشد دعا را  
 از این در جو به هر قفلی که بسته است کلید همت مشکل گشا را  
 شب تودیع، در زندان هارون مگر نگشود خود، زنجیر پا را  
 امام نهمش، فرزند فرزند زیارت کن، جواد ابن الرضا را  
 که از نه سالگی با آن کرامات صافی بود و وصی شد انبیا را  
 به مهرش، پیشواز اهل حاجت به لطفش بدرقه، حاجت روا را  
 قدم آهسته، کاین جا بس ملائک جماعت تنگ می یابند جا را  
 در این آب و هوا، ارواح علوی به جان دریافته نشو و نما را  
 چه داروخانه قدسی که در وی توان جستن به هر دردی دوا را  
 و گر داروی عشقی در چشیدی از این دارالشفای جستی شفا را

ص: ۹۲

حریمی، هدیه ناچیز و مسکین سر از پا بر نمی‌گیرد، حیا را  
به امیدی که این شاهان عرشی نرانند از در رحمت گدا را  
مکن، گر قفلی از این درگرفتی فراموش از دُعی خیر ما را  
غباری بس به هر چشمی که مسکین از این در، چشم دارد، توتیا را هم از شیخ مؤید «(۱)» بانی خیر بماند ذکر خیری، شهریارا «(۲)»

---

۱- شیخ مؤید از خادمان حرم شریف امام موسی بن جعفر علیه السلام بود که به ایران آمده و به دیدار استاد شتافته بود.

۲- شهریار و انقلاب اسلامی، ص ۱۰۶-۱۰۴

ص: ۹۳

**بخش چهارم کاظمین در گستره دین****[جغرافیای دینی شهر کاظمین]****[ کاظمین در روایات ]**

ابن سنان می گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم؟ چه ثوابی دارد کسی که پدرتان را زیارت کند؟ حضرت فرمود: بهشت برای اوست. پس او را زیارت کن. «(۱)» زکریا بن آدم نیز از آن حضرت نقل نموده که ایشان فرموده‌اند: خداوند بغداد را به جهت قبر ابوالحسن علیه السلام نجات داده، و حضرت این شعر دِغْبِل را زمزمه کردند:

وَقَبْرُ بَغْدَادَ لِنَفْسِ زَكِيَّةٍ تَصَدَّقَتْهَا الرَّحْمَنُ فِي الْعُرْفَاتِ مَوِيهَ كُنْ بِرِ مَزَارِ آنِ پَاكِ نِهَادِ - امام موسی کاظم علیه السلام - در بغداد، خداوند مهر، او را در غرفه‌های بهشت جای داده

۱- بحارالأنوار، ج ۱۰۲، ص ۲ به نقل از مناقب ج ۳، ص ۴۴۲

ص: ۹۴

است. «(۱)» در تهذیب هم از زکریا نقل شده است که خداوند بغداد را برای وجود قبرهای حسینیان نجات داده است. «(۲)» در عیون الأخبار از ابراهیم بن عقبه روایت شده است که او به ابوالحسن سوم (امام هادی علیه السلام) نامه نوشت و از فضیلت زیارت ابا عبدالله الحسین علیه السلام و زیارت ابوالحسن و ابی جعفر علیهم السلام پرسش نمود، آن حضرت در جواب نوشتند: زیارت اباعبدالله علیه السلام مقدم است و زیارت آن دو، از نظر پاداش، جامع تر و برتر است. و شا روایت کرده که به حضرت رضا علیه السلام عرض کردند: چه فضیلتی دارد کسی که قبر ابوالحسن علیه السلام را زیارت کند؟ حضرت فرمودند: ثواب کسی را دارد که قبر اباعبدالله علیه السلام را زیارت کند. «(۳)» باز و شا گفته است: که به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: آیا زیارت قبر ابوالحسن علیه السلام مانند زیارت قبر امام حسین علیه السلام است؟ حضرت فرمودند: آری. «(۴)» از حسین بن یسار واسطی نقل شده که به حضرت عرض کرده است، آیا قبر ابوالحسن در بغداد را زیارت کنم؟ حضرت هم به او فرموده‌اند: اگر ناچار هستی، از پشت پرده انجام بده؛ «(۵)» هم چنین حضرت رضا علیه السلام در جواب

۱- بحار الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۲ به نقل از التهذیب، ج ۶، ص ۸۱

۲- همان، به نقل از الکافی ج ۴، ص ۵۸۳ و التهذیب، ج ۶، ص ۸۲

۳- همان، ص ۳ به نقل از ثواب الأعمال، ص ۸۹

۴- همان، ص ۳، به نقل از کامل الزیارات، ص ۲۹۹

۵- همان، به نقل از همان، ص ۲۹۸

ص: ۹۵

برخی از یارانش که در مورد رفتن بر سر قبر پدرشان سؤال نموده بودند، فرمودند: در مساجدی که پیرامون قبر وجود دارد، نماز گذارید. «(۱)» احمد بن عبدوس از پدرش رحیم، نقل نموده که او به حضرت رضا علیه السلام گفته است: فدایت گردم! زیارت قبر ابوالحسن علیه السلام در بغداد سختی و مشقت دارد. می‌رویم و از پشت دیوار به ایشان سلام می‌دهیم. چه ثوابی دارد کسی که ایشان را زیارت کند؟ حضرت فرمودند: به خدا قسم! ثواب کسی را دارد که به زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله برود. «(۲)» همین‌طور از حسین بن یسار واسطی نقل شده که از حضرت رضا علیه السلام درباره فضل زائر قبر پدرشان سؤال نموده و حضرت علیه السلام در جواب او گفته‌اند: فضل زائر او مانند فضل زائر پدرش حضرت رسول صلی الله علیه و آله است. باز می‌گوید: پرسیدم اگر ترسیدم و نتوانستم داخل شوم، حضرت علیه السلام فرمودند: از پشت دیوار سلام بده. «(۳)»

### کاظمین در حکایات

طبری از زبان ابوالحسین بن ابی‌بغل می‌نویسد:

مسئولیتی را از جانب ابی‌منصور بن صالحان بر

۱- بحار الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۲، به نقل از کامل‌الزیارات، ص ۲۹۹

۲- همان، به نقل از همان، ص ۳۰۰

۳- همان، ص ۲، به نقل از همان، ص ۲۹۹

ص: ۹۶

عهده گرفتم و ماجرای بین ما به وقوع پیوست.

ماجرایی که سبب شد تا من مخفی شوم. ابومنصور در جستجو و تعقیب من برآمد و من ترسیدم و اختفای خود را ادامه دادم. پس از مدتی شب جمعه به زیارت مقابر قریش رفتم و شب را برای دعا و نیایش ماندگار شدم. آن شب، باد و باران بود. از ابوجعفر قیم خواستم، درهای مشهد را ببندد و تلاش کند آنجا خلوت شود تا من در سکوت و خلوت راز و نیاز خود را انجام دهم تا از افرادی که از آنها واهمه داشتم، در امان بمانم. ابوجعفر هم درها را بست.

شب به نیمه رسید و باران شدت گرفت و مردم را از مزار دور کرد. من ماندم تا زیارتم را به جا آورم و نماز بخوانم. در این حال و احوال بودم که صدای گام‌هایی را در نزد قبر مولای ما، موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم. دیدم مردی زیارت می‌کند. او بر آدم و دیگر پیامبران اولوالعزم و ائمه اطهار یک به یک سلام داد تا این که نوبت به صاحب‌الزمان علیه السلام رسید و او از آن حضرت علیه السلام یاد نکرد. در شگفت شدم. پیش خود گفتم، شاید او را فراموش کرده، یا این که او را نمی‌شناسد و شاید هم بر مذهب دیگری باشد. وقتی آن مرد از زیارت خود فارغ شد، به نزد قبر مولای ما، ابی جعفر علیه السلام رفت و مانند ما زیارت اول را به جا



ص: ۹۷

آورد. بعد دو رکعت نماز خواند. چون او را نمی‌شناختم، از او ترسان شدم. او جوان کاملی بود.

لباس سفیدی بر تن داشت و با گوشه‌های عمامه‌اش تحت‌الحنک کرده بود و ردایی هم بر دوش نهاده بود که شل بود و مقداری از آن بر زمین افتاده بود. او رو به من کرد و گفت: ای ابوالحسین ابی‌بغل درباره دعای فرج چه می‌دانی؟ گفتم: آقای من آن کدام دعا است؟ او گفت: دو رکعت نماز می‌خوانی و می‌گویی.

ای کسی که زیبایی را نمایان کرده، زشتی را می‌پوشانی! ای کسی که بر جریره سرزنش نمی‌کنی و پرده کسی را نمی‌دری! ای بزرگ! ای نیکو درگذرنده! ای بخشش گسترنده‌ای که دست‌هایش را به رحمت گشوده! ای کسی که پایان نجواها به او می‌رسد و شکواها هم نیز! ای کمک‌کننده بر کمک‌خواهان، ای آغازگر نعمت‌ها قبل از آنی که شایستگی آن باشد! ای خدای من! ای آقای من! ای مولای من! ای فریادرس! ای منتهای رغبت! به حق این اسماء و به حق محمّد و آل طاهرینش از تو می‌خواهم که مرا از غم برهانی و حالم را اصلاح سازی. بعد از این دعا هر خواسته‌ای که داری می‌طلبی. پس از آن گونه راستت را بر زمین می‌گذاری و

۱۰۰ مرتبه در سجده می‌گویی: یا محمّد

ص: ۹۸

یا علی یا علی یا محمّد. کفایت کنید مرا، که شما مرا بس هستید. مرا یاری دهید که تنها شما یاران منید. بعد گونه چپت را بر زمین گذارده، می‌گویی ادرکنی (دریابم) و آن را خیلی می‌گویی و پس از آن می‌گویی: (فریادرس) تا این که نفست قطع شود و سرت را بلند می‌کنی. آن وقت خداوند حاجت تو را روا می‌دارد. بعد که مشغول دعا و نماز شدم او رفت. وقتی فارغ گشتم، پیش ابوجعفر قیم رفتم تا از او درباره آن جوان سؤال کنم و بگویم او چگونه به حرم آمد. دیدم درها به همان صورت اول بسته مانده‌اند. ابوجعفر قیم به من گفت: او مولای ما صاحب زمان علیه السلام بود. بعد ابوالحسین داستان خود را ادامه داد و چگونگی رهایی خود را از گرفتاری که داشت شرح و بیان کرد. «(۱)» علامه مقزّم می‌گوید:

شش سال بود که در کمر، سرین چپ و ساق پا تا پشت پا، دردی را احساس می‌کردم تا جایی که گاهی رکوع نماز را به اشاره انجام می‌دادم و رفتن به حرم هم برایم مشکل شده بود. روزی که دریافتم وسایل پزشکی از درمان من عاجزند، به کاظمین آمدم. روز

۱- . بحار الأنوار، ج ۶، ص ۳۰۸.

ص: ۹۹

شهادت امام جواد علیه السلام، آخر ذی‌القعدة، به ایشان که باب المراد هستند، توسل جستیم. از آب زعفرانی که معمولاً در مراسم سوگواری ایشان موجود بود، گرفتم و بر محل‌های دردم مالیدم و مابقی آن را هم نوشیدم. سه ماه به انتظار لطف و مرحمتش ماندم. پس از زیارت اربعین راهی مرقد مقدس شدم تا پناهنده آن بزرگوار شوم. ده روز مقیم کاظمین شدم و به ایشان متوسل گشتم. اما نسیمی از عنایات قدسی آن حضرت بر من وزیدن نگرفت و از بهبودی خود مأیوس شدم. هنگام فجر، نزدیک ضریح رفتم و با ناراحتی، در حالی که خود نمی‌دانستم چه بر زبان می‌آورم، شکوه‌ها کردم ... جدّ بزرگوارش، حضرت امام موسی کاظم علیه السلام و حضرت علی اصغر را شفیع قرار دادم. بعد، از حرم خارج شدم و به قصد عیادت یکی از برادرانم، از بازار استرآبادی گذشتم. بعد از احساس نکردن درد، گمان کردم به دلیل راه نرفتن روی آن پا و وارد نشدن فشار بر آن است. قدری بررسی کردم و بیش از دو ساعت راه رفتم، اما به برکت توجه حضرت جواد علیه السلام به بنده‌ای از بندگانش، از آن لحظه تاکنون که بیش از ده سال می‌گذرد، هیچ دردی احساس نکردم.

ص: ۱۰۰

کراماتی که بان عمر کم شد از ابوجعفر زبان یا خامه کی یارای گفت و اکتساب آمد «حکم» نامی که از اعیان شیعه بودی کشتندی سرش بریده دیدندی به دکان بر تراب آمد به تن، شد سربه پیوستی و کردش چون مسیح احیا ز عیسی، کی سر بریده احیا در کتاب آمد؟ [\(۱\)](#)

### آثاری از گذشته

#### ۱. صندوق مستنصری

صندوق مزبور متعلق به مرقد شریف امام موسی کاظم علیه السلام است و به دستور مستنصر خلیفه عباسی ساخته شد. ساخت این صندوق در سال ۶۲۴ ه. ق. به پایان رسید.

صندوق از چوب توت ساخته شده و ضخامت تخته‌های آن به ۵/۵ سانتیمتر می‌رسد. صندوق، مستطیل شکل، و سطح آن، هموار است. طول آن ۲/۵۵ متر، و عرض آن ۱/۸۳ متر، و ارتفاعش ۰/۹۵ متر است. لب‌های سرپوش صندوق، با خط نسخ، جدای از هم، در داخل کادری زیبا تزئین شده و سر صندوق که به اندازه سه سانتیمتر از سطح اطراف آن برآمدگی دارد، با کنده کاری‌های زیبا آراسته گردیده است. در چهار طرف

---

۱- نگاهی گذرا به زندگانی امام جواد علیه السلام ص ۷۱-۷۰، با دخل و تصرف.

ص: ۱۰۱

آن، نوشته‌هایی با خطوط بزرگ و برجسته کوفی در نهایت زیبایی و ابتکار نقش بسته است. این خطوط، در میان طرح‌هایی به شکل درخت و گُل که از سطح نوشته پایین‌تر است، کنده‌کاری گردیده است و هر سطری از این خطوط، در داخل حاشیه‌های مستطیل شکل که از خود چوب‌ها نقاشی شده، قرار گرفته است. در میان کنده‌کاری‌ها، عبارت زیر به خط کوفی برجسته و طلایی نوشته شده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم؛ هذا ضريح الامام ابوالحسن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن ابي عبدالله حسين بن علي بن ابي طالب عليهم السلام».

زمینه این کتیبه، دارای کنده‌کاری‌های مُدَهَّب است. در حواشی صندوق، کتیبه‌ای منبت و برجسته به خط ثلث قرار دارد که نام بانی و تاریخ ساخت صندوق بر آن حک شده است. این صندوق بعد از آن‌که شاه اسماعیل صفوی صندوق‌های جدیدی را بر روی تربت‌های شریف قرار داد، به مداین انتقال یافت و روی قبر حضرت سلمان فارسی گذاشته شد. چهار قرن بعد، اداره آثار قدیمی عراق آن را از مرقد برداشته و به موزه دارالآثار عربی انتقال داد.

۲. مسجد جامع صفوی

این مسجد از آثار عصر شاه اسماعیل صفوی، و از با

ص: ۱۰۲

شکوه‌ترین و وسیع‌ترین مساجد است که در سال ۹۲۶ ه. ق. بنای آن گذاشته شد. ساختمان مسجد دارای استحکام شگفت‌انگیزی است. پس از چهار قرن و نیم، هنوز آجری از سقف و پایه‌های آن فرو نیفتاده و احتیاج به مرمتی نیافته است. عرض مسجد از شمال به جنوب، ۳۶ متر، و طول آن از شرق به غرب، ۶۰ متر است. مسجد، دارای ۷۶ ستون آجری است. در ضلع شمالی مسجد که به رواق حرم متصل است، مقصوره شکوهمند و مرتفعی قرار دارد. در جنوب غربی مقصوره، منبری ارزشمند، از آجر تراش با دوازده پله و به ارتفاع ۶ متر واقع است. این منبر از بناهای سلطان سلیم عثمانی است که در سال‌های ۹۲۶ تا ۹۷۷ ه. ق. سلطنت می‌کرد. [\(۱\)](#)

### گنجینه به غارت رفته

آنچه از تاریخ کاظمین بر می‌آید این است که خزانه حرم باید مالا مال از هدایا و گنجینه‌های نفیسی باشد که علاقه‌مندان به حرم اهدا نموده‌اند. از جمله این هدایا، چلچراغی برنجی و چهار گوش و زیبا بود که به دست توانای «ابن وصیف ناشی» شاعر اهل بیت (م ۳۶۵ ه. ق.) ساخته شد.

ص: ۱۰۳

در نیمه اول قرن پنجم، چلچراغ‌ها، محراب‌هایی از طلا و نقره، پرده‌های قیمتی و دیگر اشیای گرانبها در حرم موجود بود. در اوایل قرن ششم هم اشیای نفیس و چلچراغ‌هایی از نقره و پرده‌هایی از ابریشم خالص در حرم به چشم می‌خورد. در قرن هفتم چند کتاب خطی نفیس به این گنجینه افزوده شد. «ملاحم» بطائنی، «اقبال» سید بن طاووس و «مُنیة الداعی و غیبة الواعی» به حرم اهدا شد. کتاب اخیر را «ابی یلمیش» وقف حرم نمود. سجاده‌ها، پرده‌ها، شمعدان‌ها و نفایس دیگری به حرم هدیه شد. در سال ۱۱۵۳ ه. ق. هدایای نادرشاه افشار به عتبات رسید.

نجف در سال ۱۲۱۶ ه. ق. در معرض تهاجم وهابیون قرار گرفت. از این رو خزانه حرم حضرت علی علیه السلام را به حرم کاظمین انتقال دادند.

درون ضریح نقره‌ای دو صندوق بوده که نسخه‌های ارزشمندی از قرآن کریم در آن جای داشت. اما اکنون از آن همه آثار گرانبها و آن خزانه، خبری نیست، جز دو شمشیری که با یاقوت و سنگ‌های قیمتی آراسته شده است؛ این شمشیرها هدایی انور پاشا، از وزرای جنگ ترکیه بود، و چهار شمعدان نقره‌ای که توسط ناصرالدین شاه قاجار هدیه شده بود. <sup>(۱)</sup>

۱- تاریخ حرم کاظمین، ۲۶۷-۲۶۵

ص: ۱۰۴

عَلَّامه محمدرضا شیبی می‌گوید:

بعد از برپایی انقلاب علیه پادشاهی در عراق، برخی از گنجینه‌های خزانه حرم امام علی علیه السلام را در اموال به جا مانده از خانواده سلطنتی و دیگر حاکمان عراق دیدم.

### حوزه علمیه کاظمین

از زمانی که ابن قولویه از طرف معزالدوله به بغداد فراخوانده شد تا زمان شیخ طوسی، کاظمین می‌رفت تا در بلندای معرفت دینی قرار گیرد، امّا با اوج‌گیری تعصب‌های دینی در زمان شیخ، و مهاجرت اجباری او به نجف اشرف، از اهمیت حوزه کاظمین رفته رفته کاسته شد. تا این که اوایل قرن ۱۳ ه. ق. سید محسن اعرجی اقدام به تأسیس مدرسه علمیه نمود، و کاظمین با حضور بزرگان علوم اسلامی به سوی اقتداری دوباره می‌رفت. «(۱)» امّا توسعه روز افزون بغداد، شهر را تحت تأثیر قرار داد و آن شکوه معنوی گذشته را از شهر گرفت. علاوه این که شهرت همه‌گیر نجف یارای آن را نمی‌داد تا فروغ دانش اسلامی آن طور که باید در کاظمین افروخته شود. فیض در تاریخ خود سه مدرسه را برای کاظمین بر شمرده است:

۱- دائرةالمعارف الشیعیه، ج ۳، ص ۳۴۹



ص: ۱۰۵

۱. مدرسه سید محسن اعرجی؛ چنان که ذکر شد، این مدرسه سنگ بنای حوزه علمیه کاظمین بوده ولی اکنون خراب گشته است.
۲. «(۱)» مدرسه سید حیدر؛ این مدرسه وسیع بوده و حجره‌های متعددی را در خود جای داده است. کتابخانه آن کتابخانه جامعی است و کتب نفیسی را دارا می‌باشد. این مدرسه توسط آیه‌الله سید مهدی حیدری بنیان گذارده شد. مقبره خانوادگی سادات آل حیدر نیز در جنب این مدرسه قرار گرفته است.
۳. مدرسه آیه‌الله شیخ مهدی خالصی؛ این مدرسه از آن جهت که در نزدیکی باغ‌های کاظمین قرار گرفته، فضای روح‌انگیز و دلگشایی دارد. این مدرسه در زمان آیه‌الله مهدی خالصی از رونق خوبی برخوردار بوده و او خود در آن به تدریس می‌پرداخته است. این مدرسه بعدها به دانشگاه بدل شد و «مدینه‌العلم» نامیده شد. این دانشگاه در عهد پادشاهی عراق، مجله «مدینه‌العلم» را انتشار می‌داد که پس از چند شماره، از انتشار آن جلوگیری شد. بعد از این مجله، دانشگاه مزبور مجله «الاسلام فوق کل شیء» را منتشر ساخت و انتشار آن تا هفت شماره ادامه یافت. این دانشگاه اسلامی در دوران انقلاب اسلامی

ص: ۱۰۶

ایران، زمانی که امام در عراق غریبانه به حیات خود ادامه می‌داد، به نشر و توزیع کتاب مهم «ولایت فقیه» ایشان پرداخت. مدینه‌العلم در سال ۱۴۰۳ ق. آماج خشم رژیم بعث قرار گرفت. کتاب‌های خطی نفیس این دانشگاه اسلامی غارت شد و اساتید آن به زندان افتادند و همه دانش‌پژوهانش پراکنده گردیدند و یا در زندان افتادند و جمعی نیز اعدام شدند. <sup>(۱)</sup>

### کتابخانه‌ها

وجود نسخه‌های کمیاب همچون نسخه کامل العین منسوب به خلیل ابن احمد فراهیدی در برخی از کتابخانه‌های کاظمین اعتبار شایانی را به کتابخانه‌های شهر داده است.

۱. کتابخانه سید حسن صدر؛ جرجی زیدان در توصیف این کتابخانه ارزشمند می‌گوید: «این کتابخانه نفایسی از کتاب‌های خطی علوم لغت، تاریخ و شعر را در خود گرد آورده که مانند و همتا ندارد. چهار یا پنج کتاب آن یتیمه‌الدُر در بلادند. مانند مجموعه فی الحکم و الدر المسلوک که در شرح حال پیامبران، اوصیا و پادشاهان

---

۱- الجمعه المجاهده، ص ۲، ۳ و ۳۹

ص: ۱۰۷

است. این کتاب نوشته احمد بن حسن حر عاملی است و غیر این‌ها. «(۱)» گفته شده که این کتابخانه از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های جهان اسلام است و بیش از ده هزار جلد کتاب مخطوط دارد. «(۲)» ۲. کتابخانه سید مهدی خوانساری؛ خزانه کتب مؤلف خزانه بزرگی است که در کاظمین همتا و مانند ندارد. «(۳)» ۳. کتابخانه عمومی جوادین؛ که از بزرگ‌ترین کتابخانه‌های کاظمین است. محل آن ساختمان قدیمی و زیبایی است که اصل بنای آن در نیمه دوم قرن دهم ه. ق. از طرف عثمانی‌ها برای صوفیان بکتابشیه ساخته شد و در سال ۱۲۹۸ ه. ق. توسط فرهاد میرزا بازسازی گردید. این کتابخانه در زاویه شرقی حرم مطهر قرار دارد و به همت دانشمند فرزانه سید هبه‌الدین شهرستانی تأسیس شد.

۴. کتابخانه عمومی امام حسن علیه السلام؛ این کتابخانه مجله‌ای به نام الکتاب را منتشر می‌کرد. «(۴)» ۵. کتابخانه عمومی نجاح.

۶. کتابخانه عمومی امام رضا علیه السلام.

۷. کتابخانه آرامگاه سید مرتضی. این کتابخانه در این

۱- تاریخ آداب اللغه العربیه، ج ۴، ص ۱۲۸-۱۲۷

۲- مجله هنر مردم، شماره ۷۲، ص ۵۵

۳- احسن الودیع، ج ۲، ص ۲۰

۴- تاریخ حرم کاظمین، ص ۲۹۰ منابع کتاب

ص: ۱۰۸

آرامگاه واقع گردیده و کتب نفیسی در آن گردآوری شده است.

۸. کتابخانه امام صادق علیه السلام.

۹. کتابخانه سبزواری؛ از کتاب‌های منتشر شده آن می‌توان دوحه‌الوزرا شیخ رسول کرکولی را نام برد. «(۱)»

### خاندان‌های کاظمین

۱. آل ابی‌الورد (آل‌وردی)

آن‌ها از قدیمی‌ترین خاندان‌های علمی شیعه در بغداد و کاظمین، و از ذریه رئیس الطالبین و نقیب النقباء شمس‌الدین ابی‌عبدالله

احمد (م ۴۷۲ ه. ق.) هستند. «(۲)» ۲. آل‌اخباری

آن‌ها از خاندان‌های علم و فضل و حدیث و دارای زعامت فرقه اخباریه در کاظمین و بغداد بوده‌اند. «(۳)» ۳. آل‌اسدی

این طایفه از ذریه شیخ اسدالله تستری کاظمی (م ۱۲۳۴ ه. ق.) هستند. «(۴)»

۱- لمحات اجتماعی من تاریخ العراق الحدیث، ج ۳، ص ۲۴۵

۲- دائرةالمعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۴۱

۳- همان، ص ۱۳۲

۴- همان، ص ۱۴۴

ص: ۱۰۹

۴. آل اعرجی

اینان از قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین خاندان‌های علمی شیعه در ایران، عراق و لبنانند. این طایفه از ذریه عبیدالله اعرج فرزند حسین اصغر پسر حضرت امام سجاد علیه السلام هستند. «(۱)» ۵. آل جمالی

از خاندان‌های علمی کهن شیعه بوده و از ذریه جمال‌الدین، متولی و کلیددار آستانه ابویوسف، در سال ۱۰۲۱ ه. ق. هستند. «(۲)» ۶. آل حیدری

خاندانی از سادات کاظمین که اخیراً به بغداد کوچیده‌اند. «(۳)» ۷. آل خالصی

این خاندان به ناحیه خالص، واقع در شرق بغداد، منسوبند. «(۴)» ۸. آل سلماسی

این طایفه از احفاد میرزا محمدباقر سلماسی کاظمی، از شاگردان آقاباقر بهبهانی، هستند. «(۵)»

۱- دائرةالمعارف تشیع، ج ۱، ص ۱۴۵

۲- همان، ص ۱۶۰

۳- همان، ص ۱۶۵

۴- همان، ص ۱۶۶

۵- همان، ص ۱۷۸

ص: ۱۱۰

۹. آل صدر

اینان از مشهورترین خاندان‌های علمی و فقهی شیعه بوده که بارها مرجعیت شیعه را در ایران، عراق و لبنان بر عهده گرفته‌اند. صدری‌های کاظمین از ذریه صدرالدین محمد (م ۱۲۶۳ ه. ق.) فرزند سید صالح فرزند سید محمد شرف‌الدین هستند که از علمای زمان خویش به شمار رفته و نسبش، به امام موسی کاظم علیه السلام می‌رسد. این سلسله با آل شرف‌الدین در لبنان در نسب مشترکند. «(۱)» ۱۰. آل عطار

خاندان بزرگی از سادات حسنی مقیم شهر کاظمین و بغداد. جدّ این خاندان، سید محمد عطار است که نسبش از طریق عبدالله محض بن حسن مثنی به امام حسن علیه السلام می‌رسد. «(۲)» ۱۱. آل عبدالنبی کاظمی

از خاندان‌های علمی شیعه در کاظمین و جبل عامل، که افتخار خدمت آستانه کاظمین را دارا بودند. «(۳)» ۱۲. آل عَطِيفَه  
از خاندان‌های علمی تهران و کاظمین و از خدمتگزاران آستانه کاظمین. این طایفه از نسل ابو محمد عزالدین

۱- دائرةالمعارف تشیّع، ج ۱، ص ۱۹۳

۲- همان

۳- همان، ص ۱۹۷

ص: ۱۱۱

شریف مکه‌اند که در سال ۷۲۰ ه. ق. از حجاز به عراق هجرت نمود. «(۱)» ۱۳. آل کاظمی از خاندان‌های علمی شیعه در کاشان و کاظمین. این طایفه از ذریه شیخ محمد و فرزند کلب‌علی کاشانی از علمای بزرگ شیعه در قرن دوازده هجری‌اند. این سلسله را از ذریه شهید کربلا حبیب بن مظاهر اسدی دانسته‌اند، ولی نسابه مشهور، سید جعفر اعرجی، نسب این خاندان را به صحابی معروف ابوذر غفاری می‌رساند. «(۲)» ۱۴. آل کاظمی [ / آل وندی - آل حاج کاظم ] این خاندان را از ذریه شیخ مفید دانسته‌اند. «(۳)» ۱۵. آل معتوق این طایفه از تبار شیخ سلیمان (م ۱۲۲۷ ه. ق.) است. «(۴)» ۱۶. آل یس نیای این خاندان یاسین بن محمدعلی کاظمی است. «(۵)»

### فرزندگان کاظمین

شریف محمد بن محسن بن یحیی بن عبدالله جعفر

۱- دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۲۰۰

۲- همان، ص ۲۵۸

۳- همان، ص ۲۰۸

۴- همان، ص ۲۲۲

۵- همان، ص ۲۲۸

ص: ۱۱۲

ابوتراب بن الامام الهادی علیه السلام «(۱)»؛ شریف علی بن جعفر «(۲)»؛ نجم‌الدین ابونصیر محمد بن موسی «(۳)»؛ محمود کاظمی (۱۰۸۵ ه. ق.) «(۴)»؛ فاضل جواد «(۵)»؛ محمد کاظمی (معاصر شاه سلیمان صفوی ۱۱۰۵ ه. ق.) «(۶)»؛ مولی مقدس محمدامین (قرن یازده ه. ق.) «(۷)»؛ شیخ محمد شریف (م ۱۱۶۶ ه. ق.) «(۸)»؛ شیخ عبدالنبی کاظمی (۱۱۹۸-۱۲۵۶ ه. ق.) «(۹)».

شیخ محمد حسن آل یاسین (۱۲۲۰-۱۳۰۸ ه. ق.)؛ تحصیلات مقدماتی خود را در کاظمین آغاز کرد. پس از آن به کربلا هجرت کرد و در حوزه درس صاحب فصول و شریف العلماء به تحصیل پرداخت. بعد از کربلا به نجف رفت و آموخته‌های خویش را نزد بزرگانی چون صاحب جواهر تکمیل نمود. در ۱۲۵۵ ه. ق. به وطن بازگشت و عهده‌دار زعامت دینی مردم کاظمین شد. او از مشکلات

- ۱- تاریخ حرم کاظمین، ص ۲۱۵ به نقل از عمدة الطالب، ص ۱۸۹
- ۲- همان، ق ۲، ص ۳۴۲-۲۳۵
- ۳- همان، ص ۲۱۵
- ۴- طبقات اعلام الشیعه، ج ۵، ص ۵۵۴-۵۵۳
- ۵- همان، ص ۱۲۷-۱۲۶
- ۶- همان، ص ۵۳۷-۵۳۶
- ۷- مقدمه کتاب هدایة المحدثین، ص ۱۲-۱۱
- ۸- همان، ص ۳۴۱
- ۹- نقباء البشر، ج ۲، ص ۸۰۰- معجم مؤلفی الشیعه، ص ۳۴۰



ص: ۱۱۳

مادی مردم غافل نبود. در قداست نفس کم نظیر بود. در داستان تشرف حاج علی بغدادی به خدمت صاحب امر (روحی فداه) در کاظمین، حضرت وکالت او را از طرف خود تأیید نمود. اسرار الفقاهه در ۸ جلد بزرگ، از نوشته‌های فقهی اوست. «(۱)» شیخ سلیمان کاظمی (۱۲۲۷ ه. ق.) «(۲)»؛ سید محمد رضا شبر (م ۱۳۳۰ ه. ق.) «(۳)»؛ شیخ اسدالله دزفولی کاظمی (۱۲۳۴ ه. ق.) «(۴)»؛ شیخ امین کاظمی (م ۱۲۲۲ ه. ق.) «(۵)»؛ سید حسن اعرجی (م ۱۲۲۷ ه. ق.) «(۶)»؛ سید عبدالله شبر (۱۱۸۸-۱۲۴۲ ه. ق.) «(۷)»؛ شیخ باقر دزفولی کاظمی (۱۲۵۵ ه. ق.) «(۸)»؛ صالح تمیمی (م ۱۲۶۱ ه. ق.)؛ شیخ حسین محفوظ (۱۲۶۲ ه. ق.) «(۹)»؛ شیخ حسن دزفولی آل کاظمی (بعد

- ۱- نقباء البشر، ج ۱، ص ۸۷۵- معجم مؤلفی الشیعه، ص ۳۴۱- علمای بزرگ شیعه، ص ۲۱۹
- ۲- همان، ج ۲، ص ۶۱۲
- ۳- فوائد الرضویه، ص ۵۳۴-۵۳۳- نقباء البشر، ج ۲، ص ۵۶۵
- ۴- علمای بزرگ شیعه، ص ۲۱۸
- ۵- تکمله امل الآمل.
- ۶- معجم مؤلفی الشیعه، ص ۴۱
- ۷- نقباء البشر، ج ۲، ص ۷۷۷- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۱۰، ق ۳، ص ۹۶- معجم مؤلفی الشیعه، ص ۲۲۳
- ۸- کرام البرره، ج ۱، ص ۱۷۰
- ۹- همان، ص ۴۰۹-۴۰۶

ص: ۱۱۴

۱۲۶۲ ه. ق) «(۱)»؛ شیخ حبیب بغدادی (م بعد از ۱۲۶۳ ه. ق) «(۲)»؛ شیخ حسن کاظمی (م بعد ۱۲۷۰ ه. ق) «(۳)»؛ شیخ محمد حسین کاظمی (۱۳۰۸ ه. ق) «(۴)»؛ شیخ جابر کاظمی (م ۱۳۱۳ ه. ق) «(۵)»؛ شیخ جعفر رشتی کاظمی (... بعد از ۱۲۴۱ ه. ق) «(۶)»؛ سید حیدر بغدادی کاظمی (۱۲۰۵-۱۲۶۵ ه. ق) «(۷)»؛ شیخ محمد حسین همدانی (۱۳۱۶ ه. ق) «(۸)»؛ سید علی کاظمی (۱۳۲۰ ه. ق) «(۹)»؛ شیخ کاظم ازری (۱۳۳۰ ه. ق) «(۱۰)»؛ سید مهدی حیدری حسنی (...- ۱۳۳۶ ه. ق) «(۱۱)»؛ محقق اعرجی (۱۳۴۰ ه. ق) «(۱۲)»؛ سید جعفر اعرجی (۱۲۷۴-۱۳۳۲ ه. ق) «(۱۳)»؛ عبدالمحسن کاظمی

- ۱- کرام البرره، ج ۱، ص ۴۳۰
- ۲- همان، ص ۲۹۳-۲۹۲
- ۳- همان، ص ۳۵۴- معجم مؤلفی الشیعه، ص ۱۸۹
- ۴- نقباء البشر، ج ۲، ص ۶۶۵- معجم مؤلفی الشیعه، ص ۳۴۱
- ۵- الذریعه، ج ۸، ص ۱۳۲
- ۶- کرام البرره، ج ۱، ص ۲۷۱
- ۷- همان، ص ۴۴۹-۴۴۷
- ۸- نقباء البشر، ج ۲، ص ۱۵۶-۱۵۵
- ۹- همان، ج ۴، ص ۱۴۳۸
- ۱۰- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۱۰، ق ۳، ص ۷۹- مراقد المعارف، ج ۱، ص ۱۳۹-۱۳۸
- ۱۱- معارف الرجال، ج ۳، ص ۶۵ و ج ۲، ص ۴۳
- ۱۲- علمای بزرگ شیعه، ص ۲۲۱- معجم مؤلفی الشیعه، ص ۴۲۰
- ۱۳- اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۱۵۴

ص: ۱۱۵

شاعر عرب (۱۲۸۷-۱۳۵۴ ه. ق.) «(۱)»؛ شیخ علی نقی خالصی «(۲)»؛ شیخ باقر تستری کاظمی (۱۲۵۸-۱۳۲۶ ه. ق.) «(۳)» سید حسن صدر (۱۲۷۳-۱۳۵۴ ه. ق.)؛

از بزرگان خاندان صدر در کاظمین. او از آل شرف‌الدین بود، ولی به خاطر پدرش، به صدر اشتهار یافت. از آثار اوست: قاطعه اللجاج فی ابطال طریقه اهل الاعوجاج در رد فرقه اخباریه، و نزهة اهل الحرمین فی تواریخ المشهدین بالنجف و کربلا که در لکنهوی هند به چاپ رسید.

تأسیس الشیعة الکرام لعلوم الاسلام المائة الثامنة و الشیعة و فنون الاسلام - مختصر تأسیس - که نقش شیعه را در شکل‌گیری علوم اسلامی بیان نموده است، ذکری محسنین شرح حال سید محسن الاعرجی، تکملة امل الآمل در رجال و مجالس المؤمنین فی وفیات ائمه المعصومین از دیگر آثار اوست. اعیان الشیعة ۴۷ اثر از برای او برشمرده است. «(۴)» سید اسماعیل صدر (...-۱۳۳۷ ه. ق.)؛ از مراجع

۱- معجم مؤلفی الشیعه، ص ۳۴۰- نقباء البشر، ج ۳، ص ۱۲۳۵

۲- مستدرک اعیان الشیعه، ج ۳، ص ۱۵۱

۳- نقباء البشر، ج ۱، ص ۲۰۵

۴- همان، ص ۴۴۸، اعیان الشیعة، ج ۵، ص ۳۲۶

ص: ۱۱۶

بزرگ دینی در قرن چهاردهم، بیش‌ترین بهره‌های علمی او از میرزای دوم شیرازی بود. آیه‌الله سید صدرالدین، پدر شهید سید موسی صدر، و آیه‌الله سید حیدر، پدر شهید سید محمد باقر صدر، از فرزندان این مرجع بزرگ بودند. «(۱)» سید حیدر صدر (۱۳۰۹ ه. ق)؛ از آثار اوست:

الاضاع اللفظیه، حاشیه بر کفایه الأصول، الشبهه الحیدریه فی بغیة الراغبین و شرح حال شرف‌الدین. او پدر شهید آیه‌الله سید محمد باقر صدر است. «(۲)» شیخ مهدی خالصی (۱۲۷۶-۱۳۴۳ ه. ق) «(۳)»؛ سیدحسن ابی‌الورد (۱۳۱۰-۱۳۵۹ ه. ق) «(۴)»؛ شیخ ضیاءالدین خالصی (۱۳۱۵-۱۳۷۰ ه. ق)؛ علی نقی حیدری (۱۳۲۵ ه. ق) «(۵)»؛ سید حسن حیدری (۱۳۳۲ ه. ق) «(۶)» سید ابوالحسن صدر (۱۳۱۸- بعد ۱۳۶۴ ه. ق)؛ از نوادگان سید اسماعیل صدر. او عالمی بزرگوار، ادیبی پرعاطفه و شاعری ارزشمند بود. «(۷)»

- ۱- علمای بزرگ شیعه، ص ۳۶۴
- ۲- نقباء البشر، ج ۲، ص ۶۸۳
- ۳- اعیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۵۷- معارف الرجال، ج ۳، ص ۱۵۰-۱۴۷- علمای بزرگ شیعه، ص ۲۷۲
- ۴- معجم مؤلفی الشیعه، ص ۳۴۰- نقباء البشر، ج ۱، ص ۴۳۰
- ۵- مستدرک اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۲۰۱- کرام البررة، ج ۱، ص ۴۴۸
- ۶- مستدرک الأعیان، ج ۲، ص ۹۵
- ۷- شعرای بغداد، ۲۰۷-۲۰۶

ص: ۱۱۷

سید صدرالدین صدر (۱۲۹۹-۱۳۷۳ ه. ق.) در سال ۱۲۹۹ ه. ق. در کاظمین متولد شد. با تمایل آیه‌الله حایری، در سال ۱۳۴۹ ه. ق. به قم آمد. بعد از وفات او، از مراجع سه گانه گشت و با آمدن آیه‌الله بروجردی با نهایت تواضع محلّ نماز خود را به او وا گذاشت. در سال ۱۳۷۳ ه. ق. وفات یافت و در حرم حضرت معصومه سلام‌الله علیها به خاک سپرده شد. یادگار بزرگ او امام موسی صدر بود. کتاب حقوق او در سال ۱۳۲۱ ه. ق.

چاپ شده است. تاریخ اسلام و «خلاصه‌الفصول» در علم اصول، از دیگر آثار اوست. «(۱)» سید مهدی خوانساری (۱۳۱۹-۱۳۹۱ ه. ق) «(۲)»؛ احمد امین کاظمی (۱۳۲۴-۱۳۹۰ ه. ق). «(۳)» سید اسماعیل صدر (۱۳۴۰ ه. ق)؛ برادر بزرگ شهید محمد باقر صدر. او بعد از احراز رتبه اجتهاد، به کاظمین بازگشت و رهبری آن جا را به عهده گرفت. او در حقیقت، مربی فکری و روحی شهید صدر بود. از آثار اوست:

تعلیقه بر کتاب التشریح الجنایی عبدالقادر عون؛ کتاب التشریح بر اساس فقه چهارگانه اهل سنت در مسائل قضایی و در مقایسه با قوانین امروزی جهان نوشته شده است.

۱- نقباء البشر، ج ۳، ص ۹۴۳

۲- علمای بزرگ شیعه، ص ۴۳۲- معجم مؤلفی الشیعه، ص ۱۶۵

۳- تراجم الرجال، ج ۱، ص ۶۳

ص: ۱۱۸

صدر در تعلیقه خود، نظریات فقهی شیعه را مطرح نموده است. محاضرات؛ در تفسیر قرآن کریم در یک مجلد. «(۱)» سید محمد باقر صدر؛ او در بیست و پنج ذی حجه ۱۳۵۳ ه. ق. در کاظمین تولّد یافت. سید محمد باقر، در سه سالگی پدرش را از دست داد. پس از پدر، مادرش، دختر عالم فرزانه، شیخ عبدالحسین آل یاسین، و برادر بزرگ و عالمش، سید اسماعیل، در تربیت او کوشیدند. از همان آغاز تحصیل در مدرسه ابتدایی کاظمین، شگفتی همگان را برانگیخت. در سال ۱۳۵۶ ه. ق. به همراه برادرش به نجف رهسپار شد. در آن جا او علاوه بر مطالعه سطوح عالی فقه و اصول، در درس فقه دایی اش فقیه نامور، شیخ محمد رضا آل یاسین و درس آیه‌الله خویی حضور یافت و در سن ۱۹ سالگی از آیه‌الله خویی اجازه اجتهاد گرفت. اجتهاد زود هنگام و نیز مرجعیت این فقیه جوان برای مردم عراق و دیگر سرزمین‌های عربی، آن هم پیش از سن چهل سالگی، از رویدادهای شگرف در تاریخ شیعه بود. از تلاش‌های فرهنگی او، می‌توان به نظارت بر روش تدریس در مدرسه علوم اسلامی آیه‌الله حکیم و شرکت فعال در گروه جماعه‌العلمای نجف و انتشار مقالاتی در نشریه آن جماعت به نام «اضواء»، یاد کرد. در

ص: ۱۱۹

سن یازده سالگی، کتابی در منطق، در هفده سالگی کتاب فدک در تاریخ و در نوزده سالگی الدروس <sup>(۱)</sup> را در علم اصول فقه به نگارش درآورد. در بیست و چهار سالگی نیز فلسفتناهی خود را با درخواست آیه‌الله حکیم به پایان برد و در پی آن برای نخستین بار در جهان اسلام، به معرفی سیستم‌های اقتصادی مطلوب جامعه اسلامی در کتاب ارزشمندش اقتصادنا پرداخت. (الاسس المنطقیه للاستقراء) از جمله کتب مهم این متفکر پراج دینی است. <sup>(۲)</sup> «آمنه بنت الهدی صدر (۱۳۵۶-۱۴۰۰ ه. ق.)؛ او در سال ۱۳۵۶ ه. ق. در شهر کاظمین تولد یافت. علوم اسلامی را نزد برادرش آیه‌الله شهید صدر آموخت. با نگارش مقالاتی در روزنامه‌های عراقی با امضای بنت‌الهدی، برای بالا بردن اندیشه اسلامی گام‌های مؤثری برداشت. نقش بیدارگرانه‌اش در کنار برادرش موجب

۱- هم اینک از این کتاب که به حلقات الأصول مشهور است، در برخی از حوزه‌های درسی، به عنوان کتاب درسی دوره سطح استفاده می‌شود

۲- تاریخ پربار زندگی سیاسی آیه‌الله صدر تا شهادت او در بخش تاریخ معاصر سیاسی کاظمین آمده است؛ المجموعه الکامله لمؤلفات سید محمد باقر صدر، ج ۱- مقدمه- سنوات الجمر، ص ۱۵۹-۱۵۷- شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، ص ۱۵۷-۱۵۵

ص: ۱۲۰

شد تا رژیم بعث تاب تحمل این بلنداندیش را نیز از دست بدهد و او را به همراه برادرش در جمادی‌الأولی ۱۴۰۰ ه. ق. به شهادت برساند. از نوشته‌های اوست:

دعوة الامرأة المسلمة؛ بطوله المرأة المسلمة؛ الفضيلة تنتصر؛ المرأة و حديث المفاهيم الاسلاميه و صراع (مجموعه قصه) که اکثر آنها به فارسی ترجمه شده‌اند.

### آرامگاهها

ابویوسف پیشوای دوم حنفیان

از بزرگانی که در کاظمین دارای آرامگاهند، قاضی ابویوسف است. او شاگرد ابوحنیفه (م ۱۵۰ ه. ق.) است.

او و استادش از علمای برجسته سنیان حنفی شمرده می‌شوند.

ابویوسف اولین کسی است که نام قاضی القضاة را به خود گرفت. «(۱)»

### ابن قولویه

ابوالقاسم جعفر بن محمد بن موسی، معروف به ابن قولویه، از بزرگانی است که آرامگاهش در کاظمین قرار دارد. ابن قولویه که به او صدوق هم اطلاق شده، از بزرگان



ص: ۱۲۱

حدیث است. شیخ طوسی (ره) درباره او گفته: او به شماره کتب فقه، تألیفات دارد. نجاشی در توثیق او نیز چنین نوشته است: «از افراد مورد اعتماد اصحاب ما و از اجلای آنان در حدیث است.»

ابن قولویه استاد شیخ مفید بود و خود از کلینی روایت می‌کرد. پدرش نیز از جمله مشایخ کشی و یاران خوب سعد ابن عبدالله اشعری قمی بود. ابن قولویه در سال ۳۶۸ ه. ق. در گذشت و در پایین پای امام جواد علیه السلام دفن گردید. «(۱)»

### شیخ مفید

شیخ مفید از بزرگ‌ترین علمای شیعه به شمار می‌آید.

رجالی سترگ، نجاشی درباره او گفته است:

«فضل و برتری شیخ مفید در فقه و کلام و حدیث و اعتماد و وثاقت او مشهورتر از آن است که وصف شود.» «(۲)»

۱- هزاره شیخ طوسی، ج ۱، ص ۳۸۴- تاریخ حرم کاظمین، ص ۲۵۴- طبقات اعلام الشيعة القرن الرابع، ص ۷۶- روضات، ج ۲، ص

۱۷۱- موسوعة العتبات المقدسة، ج ۱۰، ق ۲، ص ۴۷-۴۶- احسن الوديعه، ج ۱ و ۲، ص ۳۵۷

۲- موسوعة العتبات المقدسة، ج ۱۰، ق ۲، ص ۵۳. به نقل از رجال نجاشی، ص ۲۸۷-۲۸۳. تاریخ حرم کاظمین، ص ۲۵۸-۲۵۷

ص: ۱۲۲

در حال حاضر آرامگاه شیخ مفید در کنار قبر استادش (ابن قولویه)، در رواق شرقی، رو به روی ایوان شاه اسماعیل، قرار دارد. «(۱)»

### آرامگاه‌های دو برادر

سید رضی و سید مرتضی، دو تن از علمای بزرگ شیعه‌اند که در کاظمین دارای آرامگاه‌ها هستند. در این فصل خلاصه‌ای از زندگی این دو بزرگ مرد بیان خواهد شد.

سید رضی

نامش محمد، و لقبش ابوالحسن است و با پنج واسطه، نسب شریفش به امام موسی کاظم علیه السلام می‌رسد. در سال ۳۵۹ ه. ق. در بغداد متولد شد و در سن ۴۷ سالگی - روز یکشنبه ۲۶ محرم سال ۴۰۶ ه. ق. - در آن شهر دیده از جهان فرو بست. مرگ برادر چنان بر سید مرتضی گران بود که او طاقت نیاورد که در مراسم خاکسپاری شرکت کند و به حرم کاظمین پناه برد تا خود را التیام دهد. از این رو فخرالملک بر او نماز گزارد. او را در خانه‌اش، در نزدیکی مسجد انباریین، در محله کرخ، دفن کردند. برخی گفته‌اند که بعد از مدتی جنازه او را به کربلا انتقال دادند تا در کنار جد خود، ابراهیم مُجَاب، یکی از فرزندان امام موسی کاظم علیه السلام، در حایر حسینی دفن کنند. سید رضی در طول

ص: ۱۲۳

حیات خویش عهده‌دار مسؤولیت‌هایی شد، از جمله:

نقابت نقباء، ریاست دیوان مظالم، سرپرستی حاجیان. او نخستین سید طلبه‌ای است که عمامه سیاه بر سر نهاد. چیره‌دستی‌اش در شعر چنان بود که او را برتر از متنبی، شاعر بزرگ عرب، دانسته‌اند. از آثار برجسته او، گردآوری نهج البلاغه است. <sup>(۱)</sup> سید مرتضی

سید مرتضی لقبش علم‌الهدی، و برادر بزرگ سید رضی است. او در رجب سال ۳۵۰ ه. ق. در بغداد به دنیا آمد و در سال ۴۳۶ ه. ق. در سن ۸۶ سالگی در آن شهر درگذشت. پسرش بر او نماز گزارد. و او را در محله کرخ دفن نمود. او بعد از رحلت سید رضی، مسؤولیت‌های برادر را پذیرا گشت. علم‌الهدی، از شاگردان بزرگ شیخ مفید، و استاد برجسته شیخ طوسی است. او در زمان حیات خود توانست مرجعیت عامه شیعه را به دست آورد. سید مرتضی در فقه و کلام آثار برجسته‌ای از خود به جا نهاد. تألیفاتش بالغ بر هشتاد اثر می‌شود. <sup>(۲)</sup> هم‌اینک مقبره سید مرتضی در جنوب شرقی صحن کاظمی قرار گرفته است. این آرامگاه، در گذشته دارای

۱- روضات الجنات، ج ۶، ص ۱۹۷- تاریخ کاظمین، ص ۸۳-۸۲- مراقد المعارف، ج ۱، ص ۳۰۵-۲۰۷

۲- تاریخ کاظمین، ص ۸۵- مراقد المعارف، ج ۲، ص ۳۰۴

ص: ۱۲۴

بنایی قدیمی و گنبدی سفید بود. در این بنا سنگ قبر در درون صندوقی گذارده شده بود و در مجموع حرم کوچکی را تشکیل می‌داد که عابران به هنگام عبور از بازار می‌ایستادند و در کنار پنجره‌های مقبره فاتحه می‌خواندند، تا این که در سال ۱۳۸۵ ه. ق. سید عبدالوهاب مشاط و محامی سید هاشم این آرامگاه را وسعت دادند و گنبد آن را با کاشی آراستند و به این گونه آرامگاه سید مرتضی به صورت شایسته‌ای درآمد. پس از بازسازی، نماز جماعت در آن جا برقرار و مباحث علمی و تدریس دروس اسلامی در آن جا انجام می‌گرفت؛ هم‌چنین کتابخانه‌ای در این آرامگاه به وجود آمد تا اهل علم و ادب از آن بهره‌برند.

این کتابخانه کتب ارزشمندی را در خود جای داده و مورد استقبال جوانان می‌باشد. هم‌اکنون این آرامگاه، از غرب درب جنوبی صحن کاظمی تا شرق پل اعظمیه امتداد داشته و خیابان رضی را قطع می‌کند. «(۱)» در ۱۰۰ قدم آن طرف‌تر، رو به روی آرامگاه سید مرتضی، مقبره سید رضی واقع است. این بنا هم در سابق گنبدی داشت، تا این که در عصر حاضر بنای آن تجدید گردیده است. حالا این بنا دارای صحنی زیبا، سردری مجلل و قبه‌ای بسیار زیبا و کاشیکاری شده‌است که قاعده

---

۱- تاریخ کاظمین، ص ۸۵- مرآةالمعارف، ج ۲، ص ۳۰۴

ص: ۱۲۵

آن مَثَمَن و تماشایی است. در فاصله‌های موجود بین آجرهای تراش و رنگی، قطعاتی از آئینه به زیبایی کار گذاشته شده است. «(۱)»

### خواجه نصیر و توفیق بزرگ

خواجه نصیرالدین طوسی، از کسانی است که توفیق یارش گشته و در نزدیکی مشهد کاظمین در آرامش ابدی خویش فرو رفته است.

خواجه، پس از هفتاد سال و هفت ماه و هفت روز اوج‌گیری در اندیشه اسلامی، سرانجام در ۱۸ ذی‌حجه ۶۷۶ ه. ق. در بغداد وفات یافت. در آخرین بیماری که موجب مرگ خواجه شد، از او خواستند وصیت کند که جسدش را به نجف ببرند. اما خواجه در جواب گفت: نه، من چنین وصیت نمی‌کنم؛ چون از آقا امام موسی بن جعفر شرم دارم. «(۲)» روز دفن خواجه حادثه شگفتی رخ نمود. موقعی که به حفر قبر خواجه مشغول شدند، سردابه‌ای ساخته و پرداخته از خاک نمودار گشت. دیوارهای این سردابه با بهترین کاشی‌های عصرش آراسته شده بود. پس از تحقیق، معلوم گشت که آن‌جا را خلیفه ناصر برای مدفن خویش مهیا

۱- مراقد المعارف، ج ۱، ص ۳۰۵

۲- روضات الجنات، ج ۶، ص ۳۱۹

ص: ۱۲۶

ساخته بود و چون عباسیان بر کینه‌های دیرینه خود با علویان پای می‌فشرده‌اند، آن مکان از او دریغ شد و او در رصافه دفن گردید. جالب آن که در آن سردابه، قطعه سنگی بود که بر روی آن تاریخ احداث سردابه نوشته شده بود و تاریخ مزبور برابر بود با ۱۱ جمادی‌الاولی ۵۹۷ ه. ق.

و آن روز تولد خواجه بود.

اکنون مقبره خواجه نصیر در رواق غربی، قرینه مقبره شیخ مفید رحمه‌الله واقع است و در گذشته هم در آستانه مدخل حرم قرار داشت. اما بعد که در ورودی حرم را تغییر دادند، درب‌هایی را در طرفین مقبره خواجه گشودند.

این مقبره در ایوان مستقلی که سرتاسرش کاشیکاری شده، قرار دارد. در وسط آن، کتیبه‌ای است از کاشی با زمینه لاجوردی به خط ثلث سفیدی که تاریخ بنا و بانش در آن ذکر شده است. از کتیبه چنین بر می‌آید که کاشیکاری و تعمیر این مقبره، از طرف فرهاد میرزا به سال ۱۳۰۴ ه. ق. انجام شده است.

در جلوی مقبره خواجه نصیر، ضریحی برنجی، ولی ساده و بدون کتیبه، وجود دارد. روی تربت او نیز صندوقی نهاده شده و با پارچه مشکی آن را پوشانده‌اند. در ایوان مقبره، قابی نصب کرده و شرح حال خواجه را به تقریر علامه شهیر سید هبه‌الدین شهرستانی بر آن نوشته‌اند. «(۱)»

ص: ۱۲۷

**بخش پنجم کاظمین، از حماسه تا سال‌های فروغ****[تاریخ سیاسی معاصر شهر کاظمین]**

[این بخش گذری خواهد داشت بر تاریخ سیاسی معاصر شهر کاظمین، آن زمان که قامت راست کرد و هویت اسلامی- شیعی خود را در عرصه سیاسی عراق نشان داد؛ شهری کوچک که سرافرازانه در برابر استعمار ایستادگی کرد و تأثیرات مهم و غیرقابل انکاری را در سرنوشت عراق به جا گذاشت. هر چند شیعه در عراق همواره مظلوم بوده، اما ستاره‌های تابناک شیعی همواره صفحات تاریخ عراق را آذین کرده‌اند.

باشد که روزی مردم مسلمان و شیعه عراق، آرزوی دیرین خود را که تحقق حکومت الهی در آن سرزمین مقدس است، شاهد باشند.

**حماسه کاظمین**

در ادامه جنگ جهانی اول، در سال ۱۳۳۲ ه. ق.

انگلیس به سرزمین عراق هجوم برد. با صدور فرمان جهاد، عشایر به دفع تهاجم بیگانه فرا خوانده شدند.

با رسیدن خبر هجوم انگلیس، شوری جهادی در کاظمین برپا گشت. آیة‌الله شیخ مهدی خالصی، عالمان شهر را به گرد هم فرا خواند تا گفتگوهای درباره جهاد انجام شود. در این جلسه، بیش تر حاضران و در رأسشان، آیة‌الله سید مهدی حیدری، بزرگ عالمان شهر، رأی به وجوب جهاد دادند. آیة‌الله حیدری علاوه بر این، مصمم شد خود نیز در صحنه نبرد شرکت جوید. این در حالی بود که او در سن هشتاد و سه سالگی به سر می برد. او علمای دیگر را از این عزم خود خبر داد و تلگرام‌هایی را به این منظور به نجف، کربلا و سامرا ارسال کرد. آیة‌الله حیدری، در گردهمایی که به دستور وی در صحن حرم کاظمین برپا شد، مردم را به شرکت در جهاد فرا خواند. شهر را ولوله‌ای از شور جهاد در بر گرفت. خیمه‌هایی برافراشته شد و اسب‌سواران به نمایش‌های جنگی پرداختند. در خلال دهه اول محرم، این شور، نمایان تر گردید و در دسته‌های عزا با همان ویژگی سنتی چنین شعار می دادند:

سید مهدی رکن الدین نمشی للجهاد ویاہ



ص: ۱۲۹

نمشی بقوتک یا دین نحرقت راس من عاده

حیدر یا غزنا و سور لنا! بخلق الفاو یحقّ طوب لنا «(۱)» «(۲)»

و سرانجام عصر سه شنبه ۱۲ محرم ۱۳۳۳ ه. ق. آیه‌الله حیدری با گروهی از مجاهدان شهر عازم جبهه نبرد شد.

اهالی کاظمین این کاروان را تا بغداد بدرقه کردند. آنان در این بدرقه شکوهمند فریاد می‌زدند:

حجّة الاسلام طالع للجهد محصن بموسی بن جعفر و الجواد «(۳)» «(۴)»

بعد از اعزام اولین دسته جهادی، کاظمین برای استقبال از گروه برجسته‌ای از علمای نجف و کربلا که رهسپار جبهه نبرد بودند،

آغوش گشود. تا اواخر صفر همان سال، این شهر از جوانان خالی شد و تنها پیران و کودکان در آن باقی

۱- لمحات اجتماعی من تاریخ العراق الحدیث، ج ۴، ص ۱۳۲.

۲- سید مهدی رکن دین است و ما با او به جهاد می‌رویم و با نیروی دین، سر هر کسی را که با او دشمنی ورزد، خواهیم سوزاند.

حیدر ای عزت و مدافع ما! آزادی فاو را چون حلقه‌ای بر گردن ما بیاویز

۳- مستدرک اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۳۳۳-۳۳۴، موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۱۳۲ به نقل از الامام الثائر.

۴- حجت الاسلام در پناه موسی بن جعفر و جواد علیهما السلام به جهاد روانه است

ص: ۱۳۰

ماندند و تمامی مردان به میدان رزم شتافتند. «(۱)» آیه‌الله حیدری تا رسیدن خود و گروه همراه به شهر عماره، از تب و تاب نایستاد و فراخوان جهادش را پیوسته تکرار کرد. سرانجام با توافقی که بین او و فرمانده سپاه عثمانی، سلیمان عسکری بک، انجام گرفت، قرار شد آنان در قلب جبهه نبرد، قرنه، مستقر گردند. «(۲)» در همین مکان بود که نبرد تاریخی «نهر روطه» «(۳)» در روز چهارشنبه ۵ ربیع‌الاول ۱۳۳۳ ه. ق. رخ نمود. این نبرد تاریخی، از آن جا شروع شد که «بارت» فرمانده قوای تجاوزگر انگلیس با احساس حمله قریب‌الوقوع سپاه ترک، پیش‌دستی کرد و نیروهای سپاه خود را از دو طرف رود دجله، و با کشتی‌های جنگی، از «مزیرعه» روانه «روطه» کرد. «(۴)» از طرفی بعد از تقسیم نیروها، آیه‌الله حیدری به همراه دیگر مجاهدان کاظمینی و عشایری که به او پیوسته بودند با بلم‌ها و قایق‌هایشان روانه جبهه قرنه شدند.

هنوز آن‌ها به محل استقرار خود نرسیده بودند که شب

- ۱- لمحات اجتماعی ..، ج ۴، ص ۱۳۴-۱۳۰، موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۲۶۵
- ۲- مستدرک اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۳۳۴
- ۳- روطه، کانال آبی بود که در جانب شرق دجله در ۲۵ کیلومتری شمال شهر قرنه قرار داشت
- ۴- لمحات اجتماعی ..، ج ۴، ص ۱۳۶- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۱۴۱ به نقل از همان

ص: ۱۳۱

فرا رسید و آنان مجبور شدند در موقعیتی نامعلوم اردو بزنند. فردای آن روز، فرزندان آیه‌الله حیدری جهت پی بردن به موقعیت اردوی خود به اطراف خیمه‌ها رفتند و به ناگاه دریافتند که پیشقراولان سپاه انگلیس که با کشتی‌ها، توپ‌ها و سایر ادوات جنگی حمایت می‌شدند، رو در رویشان قرار گرفته‌اند. اردوی آن‌ها سه کیلومتر جلوتر از مقر خودی‌ها واقع بود و به جبهه دشمن نزدیک‌تر می‌نمود. دشمن فرصت تفکر را به نیروهای عثمانی نداد و از همان صبح هجوم غافلگیرانه خود را شروع کرد. چون مجاهدان همراه آیه‌الله حیدری در دید و تیررس دشمن بودند. توپ‌ها نخستین نشانه‌روی‌های خود را بر این اردو تمرکز دادند. با رو به وخامت نهادن اوضاع، تنی چند از یاران آیه‌الله حیدری، از او درخواست نمودند که عقب‌نشینی کند، اما آیه‌الله حیدری با آنان مخالفت کرد و گفت:

«این خیمه‌ها باید برای روحیه دادن به نیروهای پشت سر بر جای بماند.»

او این سخنان را با اطمینان شگرفی ادا کرد. اطمینان او از آن جا ناشی می‌شد که او پیش‌تر برای دور افکندن تردید در، ماندن یا نماندن، استخاره کرده و در استخاره‌اش به قرآن به پیروزی مجاهدان در این نبرد پی برده بود. آیه‌الله

ص: ۱۳۲

حیدری پا را فراتر نهاد و در آن هنگامه آتش و دود، به سان شیر با شمشیری آویخته و قرآنی در دست، به میان یاران مجاهدش رفت و آنان را به صبر و پایداری دعوت کرد.

آتش جنگ تا زوال آن روز فروخته ماند و دشمن که گمان نمی کرد با چنین ایستادگی رو به رو شود، با تحمل خسارت‌هایی قابل توجه؛ نزدیک به ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر کشته و مجروحانی افزون‌تر از این شمار عقب نشست. در عوض، تنها چهارده نفر از سپاه ترک شهید شدند و پانصد نفر هم مجروح، و به آیه‌الله حیدری و همراهان مجاهدش که در وسط معرکه درگیر بودند، هیچ آسیبی نرسید. «(۱)» در نگاه سپاهیان عثمانی این پیروزی کرامتی برای آیه‌الله حیدری و یارانش شمرده شد. آن‌ها می گفتند: «وقتی فشار توانفرسایی از جانب دشمن به ما وارد گشت، تصمیم گرفتیم عقب بنشینیم، اما وقتی خیمه‌های افراشته گروه مجاهدان آیه‌الله حیدری را در پیشاپیش نبرد دیدیم، عزممان قوت گرفت و یأس و ناامیدی از ما رخت بر بست.» «(۲)»

- ۱- لمحات اجتماعی... ج ۴، ص ۱۳۹-۱۳۸- مستدرک اعیان الشیعه، ج ۲، ص ۳۳۴- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۱۴۰-  
 ۱۳۹ به نقل از الامام الثائر  
 ۲- همان، ج ۴، ص ۱۳۹

ص: ۱۳۳

پس از این نبرد، آیه‌الله حیدری و یاران مجاهدش، چند ماهی را در این جبهه به سر بردند تا این که دشمن به حمله گسترده دست یازید و با فایق آمدن بر دو جناح چپ و راست، به جبهه مرکزی، قرنه، هجوم برد. گستردگی عملیات چنان بود که مقاومت در برابر آن سودی نداشت و قوای عسکری بیگ و مجاهدان حمایتگر به ناچار به عقب نشستند. در این عقب‌نشینی دشوار، آیه‌الله حیدری و رزم‌آوران همراهش در سفری پر مخاطره و در حالی که نزدیک بود در پنجه اسارت گرفتار گردند، به شهر حیّ که هنوز به تصرف اشغالگران در نیامده بود، رفتند و بعد از گذشت هفت روز، در سوم شعبان ۱۳۳۲ ه. ق. به جبهه کوت عزیمت نمودند تا به مدافعان عثمانی بپیوندند، اما پس از چهارماه مقاومت، این جبهه نیز تاب نیاورد و در برابر حملات بی‌امان دشمن تسلیم گشت و سپاه عثمانی باز خطوط دفاعی‌اش را عقب‌تر کشاند. آیه‌الله حیدری که به بیماری سختی مبتلا شده بود، به همراه یاران مجاهدش پس از چهار روز، در بیست و هشتم ذی‌الحجه ۱۳۳۲ ه. ق. به شهر کاظمین رسید. «(۱)»

کم‌کم تب جهاد فروکش می‌کرد که علم حیدری به میدان آمد. علم حیدری چاره‌ای بود که عثمانی‌ها برای

ص: ۱۳۴

برانگیختن شور دوباره جهاد در شیعیان عراق و متحد کردن مجاهدان سنی و شیعه در جهاد با کافران اندیشیده بودند. این علم در مسیر انتقال به جبهه جنگ، در روز جمعه بیست محرم ۱۳۴۴ ه. ق.، به کاظمین برده شد.

استقبال از علم حیدری در کاظمین چشمگیر بود. علم آن روز در مرقد شریف کاظمین به امانت نهاده شد و عصر آن روز، علمای شهر به دعوت بزرگان و عالمان اهل سنت اعظمیه، به زیارت آرامگاه ابوحنیفه رفتند. در مسجد جامع ابوحنیفه، مراسمی آکنده از روح وحدت و برادری برگزار گشت. این رخداد در نوع همزیستی شیعه و سنی در عراق کم‌نظیر بود. اهالی اعظمیه از این حرکت علمای کاظمین تشکر نمودند ...

با این حرکت تاریخی حماسه کوت شکل گرفت. در بهمن ۱۲۹۴ ه. ش. نیروهای نظامی انگلیس در کوت العماره به محاصره درآمدند و سرانجام در نوزده اسفند ۱۲۹۴ ه. ش. دوازده هزار انگلیسی و هندی خود را تسلیم ارتش عثمانی کردند، تلفات اشغالگران بیش از چهار هزار نفر بود که بیش‌ترشان انگلیسی بودند. «۱» این شکست بزرگ، مانع پیشروی نیروهای انگلیس از سمت جنوب شد و آن‌ها به ناچار با تغییر جبهه جنگ از ناحیه جبل حمرین،

---

(۱). لمحات اجتماعی...، ج ۴، ص ۲۴۰ تا ۲۴۳

ص: ۱۳۵

از طرف سوریه به بغداد حمله‌ور شدند. با این حمله غافلگیرانه، ارتش عثمانی که از ناتوانی‌های درونی‌اش رنج می‌برد و فرصت‌های پیروزی را یکی پس از دیگری از دست داده بود، پذیرای شکست گردید. از حوادث شگفت این بود که کاظمین شاهد آخرین روز حضور ترک‌ها در شهر بغداد بود. مردم شهر که با حضور خود در صحنه‌های جهاد، حماسه آفریده بودند، به خیزشی عمومی در آمدند و با بردن مقدار فراوانی نان و خرما، به یاری گروهی از سربازان ترک که در صحن حرم در حالت ناگواری از گرسنگی و جان دادن بودند، شتافتند.

### فریاد استقلال

در غروب ۱۷ جمادی‌الاولی ۱۳۳۵ ه. ق. کاظمین به اشغال قوای انگلیس در آمد. اشغالگران در آغاز سیطره خود بر شهر، مبادرت به دستگیری برخی از اهالی شهر نمودند. هیأت مدیره مدرسه ایرانی اخوت و عده‌ای از بزرگان کاظمین از دستگیرشدگان بودند. اتهام آنان طرفداری از نهضت مشروطه در ایران و تلاش جهادی عراق بود. «(۱)»

۱- از دستگیرشدگان تنها دو تن آن هم به شفاعت یکی از کارگزاران دولت بریتانیا آزاد، و باقی آنان به هند تبعید شدند و مدت بیست ماه در تبعید به سر بردند

ص: ۱۳۶

با این همه، کاظمین پذیرای شکست نبود و با تمام توان به مقاومت در برابر اشغالگران پرداخت.

در واقع، این مقاومت، مرهون تلاش مردان بزرگی چون، آیة‌الله سید ابوالقاسم کاشانی، آیة‌الله شیخ مهدی خالصی و پسرش شیخ محمد و سید محمد صدر بود. در آغاز، این تلاش‌ها حرکتی بود که از طرف آیة‌الله کاشانی به وقوع پیوست. کاشانی که به همراه پدرش، بعد از پایان جهاد، کاظمین را محل اقامت خود قرار داده بود، با چاپ و توزیع نوشته‌هایی به نام جمعیت اسلامی عربی، آرامش اشغالگران را بر هم زد.

اشغالگران انگلیسی ابتدا کوشیدند با وعده‌هایی چون آزادسازی عراق از سلطه ترک‌ها و حکومت ملی، زمینه شکست رقیب خود را فراهم آورند، اما بعد از پایان جنگ جهانی ناچار شدند با انجام نظرخواهی عمومی، تحت‌الحمايه بودن عراق را به رأی بگذارند، تا از این رهگذر حکومت خود را از اتهام اشغالگری مبرا سازند.

«ویلسون»، حکمران انگلیسی عراق، کوشید که نتیجه این نظرخواهی در حمایت از تحت‌الحمايه باشد. کاظمین از محدود شهرهایی بود که در مقابل این اندیشه به مقاومت دست زد. در پایان نظرخواهی‌ها، جز شهرهای نجف،



ص: ۱۳۷

کربلا، کاظمین، بغداد، دیگر شهرهای عراق با تمهیداتی که نمایندگان ویلسون از پیش تدارک دیده بودند، موافقت خود را با تحت‌الحمایه بودن عراق اعلام داشتند و سرانجام مطابق مقررات سان‌ریو تحت‌الحمایه بودن عراق به اطلاع جهانیان رسید. «(۱)» با این همه، مبارزه با اشغالگران ادامه یافت.

رخداد بزرگ دیگر، نزدیکی شیعه و سنی بود. پیدایش این نزدیکی، ناقوس مرگ را برای اشغالگران نواخت. این نزدیکی با حضور برادران اهل سنت در مجالس بزرگداشت رحلت آیه‌الله سید محمد کاظم یزدی، در تابستان ۱۳۳۸ ه. ق. آغاز گشت. مجالس نزدیکی بعد از آن نیز در ماه مبارک رمضان ادامه یافت. در تاریخ عراق، تشکیل چنین مجالسی با این گستردگی بی‌سابقه بود. در این گردهمایی‌ها، هم مولودیه «(۲)» اهل سنت خوانده می‌شد و هم سوگ‌سرودهای شیعه «(۳)»  
مجالس نزدیکی جدای از ویژگی‌های مذهبی خود، جهتی سیاسی را دارا بود. این ویژگی بالأخره باعث شد، دشمن تاب و حزم خود را از دست بدهد. در یکی از این

۱- لمحات اجتماعی...، ج ۵، قسم اول، ص ۷۸- موسوعه العتبات المقدسه، ج ۹، ص ۲۸۵

۲- سرودهای مذهبی که به مناسبت میلاد پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله خوانده می‌شود

۳- . لمحات اجتماعی...، ج ۵، قسم اول، ص ۱۷۳-۱۷۲

ص: ۱۳۸

مجالس که در ۶ رمضان ۱۳۳۸ ه. ق. در جامع حیدرخانه بغداد برگزار شد، عیسی عبدالقادر ریزلی یکی از کارمندان اداره اوقاف، با این که برنامه‌ای در آن مجلس نداشت، بلند شد و قصیده‌ای را که در ۲۴ بیت سروده بود، قرائت کرد. او در شعر خود مسلمانان را به اتحاد فراخواند و در پایان آن نیز به صراحت از استقلال عراق سخن گفت.

انگلیسی‌ها بی‌درنگ حکم به دستگیری ریزلی دادند.

دستگیری ریزلی، بازتاب گسترده‌ای در بین مردم بغداد و کاظمین داشت. آیه‌الله شیرازی در نامه‌ای خطاب به مردم عراق، حمایت خود را از حرکت آغاز شده، اعلام نمود. او این حرکت مردم بغداد و کاظمین را حرکتی در جهت استیفای حقی قانونی که در آخر به استقلال عراق در پناه حکومت اسلامی منجر می‌شود، قلمداد کرد. نامه آیه‌الله شیرازی مسیر آینده نهضت را تعیین کرد و هیأت پانزده نفره که در راستای آزادی ریزلی تشکیل شده بود، اهداف برجسته‌تری را دنبال کرد.

انگلیسی‌ها در برابر این خواسته‌های به حق مردم عراق نتوانستند منطقی عمل کنند و همین باعث شد که خشم مردم، به ویژه عشایر فرات میانی، لهیب کشد و این زمانی بود که آیه‌الله شیرازی اجازه دفاع مسلحانه در برابر تجاوز به حقوق قانونی و شرعی را به مردم داده بود و بدین گونه انقلاب ۱۹۲۰ م. عراق، یکی از بزرگ‌ترین انقلاب‌های

ص: ۱۳۹

معاصر شکل گرفت. در این مبارزه پرشکوه، مردان کاظمین عرصه آرا بودند. سید محمد صدر که با برگزیدن روش جنگ مسلحانه، از همتاهای روحانی خود ممتاز گشته بود، در آغاز انقلاب ۱۹۲۰ م. به منطقه دیالی رفت.

صدر سفیر انقلاب بود و توانست عشایر را به نفع انقلاب بسیج کند. بعدها تحركات او از منطقه دیالی فراتر رفت و او انقلاب را به سامرا برد و در آنجا با ایجاد اتحاد بین عشایر، آنان را بر هجوم به پایگاه‌های دشمن در سامرا برانگیخت. «(۱)» فرد برجسته دیگر کاظمین که توان معنوی او بسیار فزون‌تر می‌نمود، آیه‌الله شیخ مهدی خالصی بود. او که از آغاز رهبری آیه‌الله میرزا محمد تقی شیرازی به جمع مشاوران فرا خوانده شده بود، در کنار رهبر انقلاب نقش مهمی را در ستیز با اشغالگران ایفا کرد. شیخ محمد خالصی فرزند آیه‌الله خالصی نیز نقش برجسته‌ای در انقلاب ۱۹۲۰ م.

داشت و نامش در زمره رهبران این انقلاب می‌درخشید.

سخنرانی حماسی او بر ضد سلطه انگلیس در صحن کربلای معلی، روح مقاومت و بیداری را در عراقی‌ها دمید. انقلاب ۱۹۲۰ هر چند به پیروزی نهایی دست نیافت، ولی راه پیروزی را هموارتر ساخت و دولت انگلیس متأثر از فشار افکار عمومی مجبور شد از اعمال سلطه به شکل

ص: ۱۴۰

مستقیم پرهیز کند. آن‌ها در پی تشکیل نوعی دولت ملی برای عراق، «فیصل» را روانه عراق نمودند. «فیصل» در ۹ رمضان ۱۳۳۹ ه. ق. به عراق رسید و در ۱۵ رمضان به بغداد آمد. روز بعد از رسیدن به بغداد، او به کاظمین شتافت و در آن جا با استقبال گرم کاظمینی‌ها رو به رو گشت. «(۱)» حمایت از «فیصل» با آن که فرد مطلوبی به نظر نمی‌آمد، تنها برای این بود که به گونه‌ای با اشغال مطلق کشور مخالفت شود و عراق در مسیر استقلال قرار گیرد.

### سال‌های فروغ (۱۳۶۸ ه. ق. - ۱۴۰۰ ه. ق.)

فروغ دوباره شهر کاظمین در صحنه سیاسی را باید از آغاز حکومت عبدالکریم قاسم دانست. او در سال ۱۳۶۸ ه. ق. با چهره‌ای پیشرو و چپ‌گرا علیه حکومت پادشاهی عراق کودتا کرد و قدرت را به دست گرفت. کمونیست‌ها با بهره‌گیری از این فرصت، در صحنه سیاسی عراق فعال شدند و با دادن رنگ مذهبی به ایده‌های خود، دامنه نفوذ خود را حتی به شهرهای مقدس کشاندند. عالمان آگاه و متعهد شیعه که می‌دیدند، اسلام عزیز با آن چهره غبار گرفته از تحریف و دسیسه، در برابر این امواج نوین الحاد یارای ایستادگی ندارد، به ترسیم اسلام واقعی

ص: ۱۴۱

روی آوردند تا آن را به عنوان مکتبی سازنده و دین زندگی، مطرح کنند. تأسیس جماعه‌العلمای نجف اشرف، اولین گام در این راه بود. آیه‌الله شیخ مرتضی یاسین که در نجف اشرف اقامت داشت، بنیان‌گذار این گروه بود. در این جمع، مجتهدان برجسته دیگری هم چون: محمد رضا آل یاسین، شیخ محمد رضا مظفر، سید محمد مهدی حکیم نیز حضور داشتند. سید محمد باقر صدر نیز که با داشتن سن کم، شرایط عضویت جماعت را دارا نبود، پنهانی در رهبری جماعت نقش آفرین بود. اولین بیانیه جماعت و بسیاری دیگر از نوشته‌های آن، توسط او به نگارش درآمد.

از دیگر تلاش‌های همسوی او با حرکت جماعت، انتشار دو اثر برجسته‌اش، فلسفتنا (فلسفه ما) و اقتصادنا (اقتصاد ما)، بود. او در این کتاب‌ها با شیوه تطبیقی به نقد و بررسی افکار الحادی و ارائه نظر اسلام پرداخت.

در چهاردهم رمضان ۱۳۴۱ ه. ق. باز کودتایی خونین در عراق رخ داد. این کودتا با رهبری ملی‌گرایان انجام گرفت. در رأس این حرکت، سرهنگ دوم عبدالسلام عارف و هم‌پیمانان جدید بعثی‌اش قرار داشتند. کودتای جدید، فترتی خشونت‌بار را به همراه آورد. در این فترت، سرزمین عراق شاهد سیل خون و موج پرده‌داری‌هایی بود که کرامت و ارزش انسان در آن نادیده گرفته شده بود.

ص: ۱۴۲

گروه شبه نظامی گارد ملی، مجری عملیات نظامی حزب بعث، عامل این خیانت‌ها بود. گروه‌های اسلامی نیز از آسیب این جنایات بی‌نصیب نماندند. در اعتراض به این رویداد تلخ، رهبر سترگ شیعه و مرجع بیدار آن، آیه‌الله سید محسن حکیم، مسافرتی را از نجف به مقصد کربلا- و از آن‌جا به سوی کاظمین و سامرا آغاز نمود. جنبش اسلامی عراق نیز با بسیج توده‌های مردم، به تأیید موضع رهبر خود پرداخت. در آخرین روز جمادی‌الأولی ۱۳۸۳ ه. ق. آیه‌الله حکیم و همراهانش در مسیر حرکت خود، به سوی کاظمین وارد بغداد شدند. بسیاری از مردم بغداد به استقبال آنان شتافتند و سرانجام بعد از ظهر همان روز آیه‌الله حکیم و گروه همراهش، در میان شعارهای مردم کاظمین وارد آن شهر شدند. او پس از رسیدن، به زیارت حرم رفت و بعد از انجام زیارت، در منزل یکی از دوستدارانش در شهر سکنی گرفت. از آن وقت بود که سیل جمعیت در قالب هیأت‌های زیارت‌کننده تا هنگام نماز مغرب و عشا، به زیارت مرجعشان آمده، بیعت خود را با او اعلام می‌نمودند. بعد از برپایی نماز جماعت به امامت آیه‌الله حکیم، مداحان و شعرا محفل‌آرا شده و یکی از واعظان به ایراد سخن می‌پرداخت. این مراسم تا شش شب ادامه داشت. در واپسین روز حضور آیه‌الله حکیم در کاظمین، امواج مهارناشدنی مردم چنان به خیابان‌ها ریختند

ص: ۱۴۳

که راه عبور ایشان بسته گردید ...

این سفر ۲۴ روزه آیه‌الله حکیم که قدرت و شکوه رهبری اسلامی را در عراق بیان می‌کرد، حکومت کودتا را واداشت تا اسلوب تازه‌ای را در برابر جنبش اسلامی عراق در پیش گیرد و از درگیری با آن اجتناب ورزد. «(۱)» با شروع نهضت عظیم انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی قدس سره، کاظمین در چهره علمای خود با این انقلاب هم‌آوا بود و در پی تبعید حضرت امام قدس سره به ترکیه، علمای برجسته این شهر و شهر بغداد با ارسال تلگرامی به رئیس جمهور ترکیه از او خواستند تا با وی به صورت شایسته‌ای رفتار شود. «(۲)» هنگامی که حضرت امام قدس سره از ترکیه به عراق تبعید گشت، کاظمین اولین آغوش مهری بود که بر ایشان گشوده شد. ترکیه که بی سر و صدا و حتی بدون پرداخت هزینه به امام و فرزندانش حاج آقا مصطفی، آن‌ها را به بغداد انتقال داده بود، موجب شد که امام و فرزندانش در فرودگاه بغداد سرگردان بمانند؛ چون نه کسی را می‌شناختند و نه کرایه ماشین داشتند که به کاظمین بروند تا آن‌که دست خدا به یاریشان شتافت و یکی از دوستان امام که با ماشینش از آن‌جا می‌گذشت، ایشان را شناخت و

۱- سنوآت الجمر، ص ۶۰-۵۹- سید محسن حکیم مرزبان حوزه نور، تألیف عباس عبیری، ص ۶۲-۶۱

۲- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۷۶۱

ص: ۱۴۴

به کاظمین برد. وقتی امام قدس سره به کاظمین رسیدند، بی‌درنگ به حرم مشرف شدند. بعد از این زیارت بود که شامه مسلمانان عراق عطر دل‌نواز حضور امام را یافت. پس از آن، توده‌های مردم شهر کاظمین در اجتماعی بزرگ گرد هم آمده، به ایشان خوش آمد گفتند. گروهی هم به نمایندگی از اهالی شهر به نزد امام رفتند و اعلام نمودند که همه امکانات و توانایی‌های خود را در اختیار ایشان می‌گذارند «(۱)» ...

عبدالسلام عارف سیاست تازه‌ای را نسبت به شیعیان در پیش گرفت و با شروع این سیاست بسیاری از تنگناهای گذشته که فعالیت‌های اسلامی را با مشکل رو به رو می‌کرد، از بین رفت. تأسیس جماعت علمای کاظمین و بغداد، رخدادی در این سو بود. این جماعت که الگو گرفته از جماعت العلمای نجف اشرف بود، تلاش خود را تنها در فعالیت‌های فکری و فرهنگی محصور نساخت. بلکه عمل خود را به صحنه سیاسی کشاند. جماعت علمای مزبور با بهره‌گیری از حضور دانشوران فرزانه‌ای چون: سید مرتضی عسکری، سید اسماعیل صدر، سید مهدی حکیم، شیخ علی صغیر، شیخ محمد حسن آل یاسین، شیخ موسی سودانی، شیخ جواد ظالمی و شیخ عارف بصری بسیار توانا



ص: ۱۴۵

می‌نمود. از اسناد ارزشمندی که پیرامون تلاش‌های دینی این جماعت وجود دارد، متن یادداشتی است که آنان در تاریخ ۱۸ رمضان ۱۳۸۳ ه. ق. خطاب به عبدالسلام عارف نوشته‌اند. در این یادداشت که امضای ۲۸ تن از علمای برجسته کاظمین و بغداد را در ذیل خود داشت، آمده است:

«هم اکنون که دولت در صدد تصویب قانون برای عراق است، به خواسته‌های آنان نیز توجه گردد. این خواسته‌ها عبارتند از:

۱. الغای قانون احوال شخصی و بازگردانیدن محکمه‌های شرعی،

۲. در نظر گرفتن احساسات ملت در تصویب قانون و عدم وضع قانونی که با احکام قرآن کریم و سنت مطهر نبوی مباین باشد و علاوه بر آن، وضع ماده قانونی صریح مبنی بر آن که نباید هیچ قانونی مخالف با احکام اسلامی تصویب گردد،

۳. گسترش عدل و مساوات بین گروه‌های مختلف امت،

۴. مبارزه با اضمحلال اخلاقی جامعه که استعمارگران کوشیده‌اند آن را از مسیر تلویزیون، رادیو، شراب و مانند آن ایجاد نموده و به توسعه آن پردازند و از این راه کیان اجتماعی امت را از بین ببرند،

ص: ۱۴۶

۵. مناسب نمودن برنامه‌های تعلیمی و تربیتی به گونه‌ای که وسیله‌ای برای نشر معارف راستین در جامعه گردد و آنان را به اخلاق اسلامی رهنمون سازد و نسلی مسلمان و شایسته در شهرها پیرورد. «(۱)» در سال ۱۳۸۷ ه. ق. هم که اسرائیل بیت‌المقدس و کرانه باختری، صحرای سینای مصر و بلندی‌های جولان سوریه را به اشغال خود در آورده و در حالی که از دولت عبدالرحمن عارف که پس از کشته شدن برادرش در ۱۳۸۶ ه. ق. به قدرت رسیده بود و دیگر دولت‌های جهان عرب کاری ساخته نبود، صدای رسای اعتراض جماعت‌العلمای کاظمین و بغداد نسبت به این حادثه تلخ پر طنین بود. آن‌ها درخواست عقب‌نشینی اسرائیل از سرزمین‌های اشغالی را تسلیم دبیرکل سازمان ملل و دیگر سازمان‌های جهانی کردند و علاوه بر این، با فرستادن یک هیأت چهار نفره شامل دو نفر از اهل سنت و دو نفر از شیعیان عراق، عبدالعزیز بدری، مهندس عبدالغنی شندله، دکتر جلیل عطار و سید عدنان بکا، به پایتخت‌های کشورهای اسلامی، از ایران تا مالزی، به اعلام موضع پرداختند. «(۲)» بالندگی حضور کاظمین در عرصه سیاسی پس از این، مرهون تلاش‌های آیه‌الله سید محمد باقر صدر بود. او اوج

---

۱- سنوآت الجمر، ص ۴۲۱-۴۱۹

۲- همان، ص ۶۷ به نقل از الحركة، خطیب بن نجف، ص ۷۰

ص: ۱۴۷

آفرین این حضور بود. در راستای این تلاش‌ها بود که در هفده ربیع‌الأول سال ۱۳۷۷ ه. ق. در خانه یکی از مجتهدان بزرگ نجف اشرف و در حضور ۸ تن از علما و متفکران عراقی «حزب دعوت اسلامی» تأسیس گشت. مدیریت این جلسه بر عهده آیه‌الله صدر بود. او با پی‌ریزی بنیادهای فکری و اساس تشکیلاتی حزب دعوت و تعیین بستر حرکت و همین‌طور شکل دادن به نخستین هسته تشکیلاتی، به این تلاش ژرفا داد. دعوت‌گران نخست و مؤسسان حزب، بیش‌تر از شاگردان و پیروان شهید صدر بودند. با این همه با آن‌که تأسیس حزب در اواخر عهد پادشاهی عراق انجام یافت، اما شکل نهایی حزب و آغاز فعالیت تشکیلاتی آن، بعد از کودتای قاسم بود. کودتای قاسم هر چند منجر به باز شدن فضای سیاسی گشت، ولی تحرک وسیع نیروهای کمونیستی را هم در پی داشت. اما حزب، هدف والاتری را تعقیب می‌کرد و آن بازگرداندن اسلام به صحنه زندگی مسلمانان و دست‌یابی به حاکمیت بود. تأسیس حزب در جامعه اسلامی آن روز عراق با استقبال رو به رو نشد؛ چرا که جامعه دینی عمل سیاسی را به صورت عام، و فعالیت حزبی را به شکل خاص، ناپسند می‌شمرد، و خیلی‌ها معتقد بودند که نباید در سیاست دخالت کرد. ولی رسوخ چنین اندیشه‌ای مانع تحرک وسیع حزب نگشت و حزب به گسترش فعالیت‌های

ص: ۱۴۸

خود در میان عالمان متوسّط دینی، دانش‌پژوهان حوزه‌های عراق و دانشجویان دانشگاه‌های بغداد، بصره و موصل پرداخت. از طرفی، حزب دعوت از حمایت رهبران دینی برجسته‌ای چون: آیة‌الله سید محسن حکیم، آیة‌الله شیخ مرتضی آل‌یاسین و آیة‌الله سید اسماعیل صدر برخوردار بود. «(۱)» «حزب دعوت»، به رغم اوضاع سخت دوران حاکمیت «قاسم»، با انتشار کتب، مجلات و برپایی مجالس، نقش مؤثری را در آمادگی و بسیج توده‌های ایمانی و ایستادگی آنان در برابر تلاش‌های فکری و سیاسی مارکسیست‌ها ایفا نمود. آیة‌الله صدر که از آغاز بنیاد حزب دعوت، از عناصر اصلی حزب بود، بعدها با قرار گرفتن در بلندای رهبری دینی، به پیشنهاد آیة‌الله حکیم، از عضویت رسمی حزب کناره گرفت. اما از حمایت آن دریغ نورزید و پیوندهای فکری و رهبری خود را با حزب، از مسیر نماینده‌ای ویژه حفظ نمود. «(۲)» تلاش فزاینده «حزب دعوت» و دیگر گروه‌های مبارز مسلمان بر ضدّ استبداد حاکم، موجب شد که رژیم بعث در سال ۱۳۹۲ ه. ق. اقدام به بازداشت وسیع نیروهای مسلمان کند. آیة‌الله صدر هم که در بیمارستان نجف اشرف بستری

۱- سنوآت الجمر، ص ۳۱-۳۵

۲- همان، ص ۵۲-۵۰

ص: ۱۴۹

بود، از موج این دستگیری‌ها در امان نماند و در همان حال بیماری، به بخش نظامی بیمارستان کوفه انتقال داده شد. اعتراض مردم که تنی چند از عالمان برجسته نیز در میانشان بودند، رژیم بعث را واداشت که آیه‌الله صدر را از بخش نظامی آن بیمارستان، به بخش بیماران عادی انتقال دهد. «(۱)» این فشارها، نه تنها آیه‌الله صدر را از دخالت سیاسی باز نداشت، بلکه او را واداشت، بیش از پیش به فعالیت‌های سیاسی بپردازد. او که از همان سال‌های آغازین انقلاب اسلامی ایران (۱۳۴۲ ه. ش.) با این انقلاب و رهبری سترگش پیوند داشت «(۲)»، به هنگام شکل‌گیری دوره نوین این نهضت نیز با آن همگام گشت. «(۳)» در همین راستا بود که آیه‌الله صدر به نیابت از حوزه نجف اشرف و رهبریت دینی مردم عراق، در نامه‌ای که برای حضرت امام قدس سره به پاریس فرستاد، نوشت:

۱- شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، مصطفی قلی‌زاده، ص ۶۴-۶۳

۲- همان، ص ۳۹-۳۷

۳- تبلور این احساس را می‌توان در جوانان شهر آیه‌الله صدر، کاظمین، سراغ گرفت. هنگام بازگرداندن امام از کویت و بازگشت دوباره ایشان به عراق، او در حرم کاظمین مورد استقبال پرشور جوانان کاظمینی قرار گرفت. آن‌ها با گفتن تکبیر و دادن شعار، شور احساس خود را به ایشان نشان دادند و نیروهای بعثی به رغم حضور خود در آن جا، نتوانستند مانع آنان گردند و جوانان کاظمینی را از گرد امام جدا سازند. صفحات سوداء من بعث العراق، ج ۲، ص ۱۱

ص: ۱۵۰

«ما در نجف اشرف با قلب‌هایمان با مردم ایران زندگی می‌کنیم و در دردها و آرمان‌هایشان با آنان شریکیم.» (۱) در پی پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز او با ارسال تلگرامی به رهبر انقلاب با ایشان بیعت نمود و اعلام داشت:

«همه هستی خود را پیشاروی امام قرار داده‌ام.» (۲) این سخن گویای آن بود که شهید صدر کیان مرجعی خود را در اختیار ایشان گذاشته و این خود رویداد بس نادری بود که مرجعی چنین بیعت مطلقى را با مرجع دیگر انجام دهد. اعتقاد او به همه‌گیر بودن گستره ولایت فقیه، به گونه‌ای که علمای دینی را نیز در بر گیرد، منشأ رفتار این چنینی او بود. در فردای پیروزی انقلاب، آیه‌الله صدر علاوه بر اعلان تعطیلی حوزه درسی خود، به مدت سه روز برای بزرگداشت این پیروزی، از همه ملت عراق خواست که در حمایت از این انقلاب، تظاهراتی را در شهرهای خود به پا دارند. در پاسخ به این درخواست، راهپیمایی‌های باشکوهی در نجف، کربلا و دیگر

۱- سنوآت الجمر، ص ۱۴۶

۲- همان، ص ۱۴۸-۱۴۷

ص: ۱۵۱

شهرهای عراق به وقوع پیوست. «(۱)» آیه‌الله صدر که تجربه پیروزی اسلامی در ایران را فراروی خود داشت، بر آن شد که گام‌های نوینی را برای تحقق چنین انقلابی در عراق بردارد. از جمله این گام‌ها، تحریم هر نوع ارتباط با حزب بعث بود و این در حالی بود که رژیم بعث می‌کوشید همه افراد جامعه را به شکلی به حزب بعث پیوند دهد. نخستین اثر برجسته این تصمیم، آن بود که از اضمحلال جامعه شیعی در موج پان‌عریسم که مظهرش در عراق همان حزب بعث بود، مانع گردد. از دیگر گام‌های مهم آیه‌الله صدر، گسیل شاگردانش به عنوان نماینده خود، به سرتاسر عراق بود. او بسیاری از دانش‌پژوهان را از درس خواندن بازداشت و به مرحله عمل فراخواند. این گام‌های روشن آیه‌الله صدر در مسیر انقلاب، از اوایل ربیع‌الثانی ۱۳۹۸ ه. ق. آغاز شد. ترس از بدل شدن آیه‌الله صدر به خمینی عراق، موجب شد که امریکا و دیگر هم‌پیمانان آن، شدت عمل بیش‌تری را در برابر این تحرکات از نظام بعث عراق خواهان شوند. «(۲)» با شدت‌یابی برخورد رژیم بعث با اقدامات آیه‌الله صدر، خبر هجرت او به ایران شیوع یافت.

امام خمینی که خواهان تداوم حضور آیه‌الله صدر در عراق بود، به محض شیوع این خبر، او را از این کار بازداشت.

---

۱- سنوات الجمر، ص ۱۴۷-۱۴۸

۲- همان، ص ۱۶۲

ص: ۱۵۲

آیة‌الله صدر که در واقع چنین انگیزه‌ای را نداشت؛ چنان که هیچ یک از شاگردان و نزدیکانش از این قصد او خبر نداده‌اند، در عراق به فعالیت‌هایش ادامه داد. نهضت اسلامی عراق تصمیم گرفت برای ابراز وفاداری به رهبر خود، آیة‌الله صدر، هیأت‌های نمایندگی را از همه شهرهای عراق رهسپار نجف اشرف کند. رژیم بعث که انتظار چنین واکنشی را از طرف مردم نداشت، توقف گاه‌های بازرسی را در کلیه راه‌های منتهی به خانه شهید صدر تدارک دید و در این بین، مبادرت به دستگیری در برخی هیأت‌ها نمود. هیأت‌های بیعت که گویا نشاط نهضت اسلامی عراق بودند، تأثیر فراوانی در داخل و خارج عراق بر جای نهادند. یک روز پس از پایان یافتن ایام بیعت، رژیم بعث که از این حرکت به وحشت افتاده بود، با نیروهای امنیتی و گروهی از جیش شعبی خود که بالغ بر دویست تن می‌شدند، خانه آیة‌الله صدر را به محاصره خود در آوردند و در ۱۷ رجب ۱۳۹۹ ه. ق. در حرکتی شتاب‌آلود به آن خانه هجوم بردند تا او را دستگیر کنند. در این میان، فریاد پرتین خواهرش، بنت‌الهدی، در حرم نجف، جو سکوت را شکست و در نتیجه، مردم از این رویداد تلخ آگاه شدند. در همان روز پس از خواندن دعای فرج در حرم، تظاهرات آرامی در نجف شکل گرفت. راهپیمایان شعار آزادی صدر را سر دادند. جمعیت



ص: ۱۵۳

راهپیمایان به چند صد تن می‌رسید که در آن زمان شمار قابل توجهی بود. اما آرامش حاکم دیری نپایید و نیروهای مسلح رژیم با راهپیمایان درگیر شد و زد و خوردهایی بین طرفین روی داد.

«حزب دعوت» نیز پس از دستگیری آیة‌الله صدر، بی‌درنگ از همه گروه‌های سازمان یافته خود در شهرهای دیگر عراق خواست در این راستا تظاهرات کنند. در پی این درخواست، توده‌های مّواج مردمی در شهرهای الثوره، کاظمین و غیر آن‌ها به راه افتادند. رژیم بعث عراق که تاب این خشم گسترده را نداشت، تنها بعد از گذشت ساعاتی از دستگیری آیة‌الله صدر، او را آزاد کرد. این آزادی، به شکل محدود بود و آیة‌الله صدر، در خانه محاصره‌شده‌اش محبوس ماند و از تماس با خارج آن منع گردید. وضعیت به گونه‌ای بود که از حضور پزشکان بر بالین او که حال مساعدی نداشت، جلوگیری می‌شد. هرچه بود، آیة‌الله صدر، عزم خود را در هم‌آوردی با دژخیمان بعث، راسخ‌تر کرد و پس از گذشت سه روز از قیام مردم برای آزادیش، حکم جهاد مسلحانه با رژیم بعث را داد. از دستاوردهای دیگر قیام مردم، علنی شدن عملیات «حزب دعوت» پس از بیست و دو سال فعالیت مخفیانه بود و رهبری حزب هم با طراحی قیام بیست و پنج رجب ۱۳۹۸ ه. ق. در راستای گرایش جدید حزب و تحقق حکم

ص: ۱۵۴

جهاد آیه‌الله صدر به فعالیت پرداخت. بر اساس این طرح قرار بود راهپیمایی بیست رجب شهر کاظمین، بدل به یک قیام کوبنده شود. این راهپیمایی، سنتی سالانه بود «(۱)» که در گرامیداشت شهادت امام کاظم علیه السلام در شهر کاظمین برپا می‌شد. در این روز، هیأت‌های سوگواری از همه جای عراق به این شهر می‌آمدند و از میدان عبدالمحسن کاظمی تا حرم مطهر، اقدام به راهپیمایی می‌کردند. برای اجرای این طرح باید دوازده هزار نفر از اعضای «حزب دعوت» و هوادارانش در نقطه آغاز این راهپیمایی جمع می‌شدند و پس از رسیدن تعداد آنان به صد هزار نفر، راهی بغداد می‌گشتند. قیامگران مسلح می‌خواستند مؤسسات مهم دولتی مانند: کاخ ریاست جمهوری، رادیو تلویزیون و سایر مراکز مهم پایتخت را به تصرف درآورند. در همان حال گروه‌های ویژه چریکی، عملیات خود را برای فتح پادگان‌های نظامی و جلوگیری از رسیدن کمک به حاکمان بعث و دستگیری سران برجسته آن انجام می‌دادند. همگام

- 
- ۱- میرزا محمد رضا شیرازی متخلص به سراج در شعری ماده تاریخ بنیان‌گذاری این سنت را چنین سروده است:  
 پی تاریخ تأسیس عزا جمع محبان را بگویم کردیم عام قبل تأسیس عزاداری  
 این ماده تاریخ مطابق، با سال ۱۳۴۱ ه. ق. است. الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۲۶، ص ۱۷۶

ص: ۱۵۵

با این حرکت، حرکت‌های دیگری در استان‌های عراق می‌شد تا هدف براندازی حکومت بعث تحقق یابد. «حزب دعوت اسلامی» برای عملی ساختن این نقشه خود، طرح عملیاتش را به همه رده‌های حزبی اعلان نمود. از آن پس بود که عناصر حزب از نقاط مختلف عراق به شهر کاظمین روانه شدند. نزدیک به زمان شروع راهپیمایی از میدان کاظمی، رژیم بعث که گویی به اهداف راهپیمایی مزبور پی برده بود، هزاران تن از افراد شبه نظامی خود را که از سوی نیروهای امنیتی و نظامی حمایت می‌شدند، در تمامی مسیر راهپیمایی مستقر ساخت. گردانندگان راهپیمایی با آن‌که از همان آغاز راهپیمایی با تجمع وسیع نیروهای خود مواجه شده بودند، اما چون می‌دیدند که رژیم به هدف آنان پی برده، راهپیمایی را لغو کردند. نیروهای بعثی پس از آن، به دستگیری شبانه هزاران جوانی که پیرامون حرم بودند، مبادرت ورزیدند. این دستگیری‌ها با برخوردهای مسلحانه شدیدی بین طرفین همراه گشت. (۱) وقایع رجب، تأثیر عمیقی بر حکومت بعث نهاد. صدام با فرمان انگلیس بر آن شد تا قدرت را در انحصار خود در آورد. وی نام سیصد نفر از شخصیت‌های اسلامی عراق را

---

۱- سنوات الجمر، ص ۳۳۶- العراق الواقع و آفاق المستقبل، ص ۳۶۸

ص: ۱۵۶

که نام آیه‌الله صدر در آغاز آن آمده بود، به رئیس جمهور عراق، احمد حسن البکر، ارائه کرد تا آن‌ها را از میان بردارد. اما او از پذیرش آن خودداری ورزید. اکثریت اعضای شورای رهبری حزب بعث هم زیر بار این پیشنهاد نرفتند. صدام که مترصد چنین فرصتی بود، با این حربه به تصفیه بسیاری از مخالفان خود در نهادهای دولتی و حزب بعث پرداخت، «بکر» هم در بیست و سوم شعبان از سمت خود برکنار شد. در هیجده رمضان ۱۳۹۹ ه. ق. بیست و دو تن از سرکردگان حزب و دولت، اعدام شدند و گروهی نیز به زندان افتادند.

صدام در آغاز، اغواگرایانه نمایش شیعه بودن را از خود نشان داد و به گونه بی‌سابقه‌ای به زیارت اماکن مقدس شیعه رفت و زندانیان سیاسی را که شیعیان هم در میانشان بودند، آزاد ساخت. «(۱)» اما با این ترفندها، اوضاع سیاسی کشور آرام نگرفت و تظاهرات پرشوری در بیست و هفت رمضان ۱۳۹۹ ه. ق. در شهرک الثوره بغداد انجام شد. تظاهرکنندگان در این راهپیمایی مخالفت خود را با حکومت، و حمایتشان را از آیه‌الله صدر اعلام نمودند. «(۲)» در ماه شوال هم بعد از گذشت دو هفته از عملیاتی که در کربلا رخ داد، در همان شهرک به مقرّ جیش شعبی حمله شد. در

---

۱- سنوات الجمر، ص ۱۸۰-۱۷۹

۲- همان، ص ۱۸۲

ص: ۱۵۷

پی این حمله، دفتر امنیتی شهر کاظمین، هدف تهاجمی دیگر قرار گرفت. همگام با این حرکت‌ها، راهپیمایی‌های آرامی در شهرهای بصره و عماره به وقوع پیوست. «(۱)» حکومت بعث که خود را در رویارویی با این خیزش، ناتوان می‌یافت، موج خشونت تازه‌ای را به بار آورد و دوره‌ای از اعدام‌های گروهی را به راه انداخت. آیه‌الله صدر هم از این خشونت جدید بی‌نصیب نماند و محاصره خانه‌اش با شدت بیش‌تری ادامه یافت. آب و برق خانه قطع شد و تا هفته‌ها از رسیدن غذا به آن جلوگیری شد. او و خانواده و بستگان نزدیکش که با وی در خانه به سر می‌بردند، به وضعیت ناگواری دچار شدند. این در حالی بود که شمیم عاطفه از استان آیه‌الله صدر بر نیروهای محاصره‌کننده جاری بود و رژیم مجبور گشت، بارها این نیروها را تعویض کند، تا این‌که نیروهایی از استان‌های غربی عراق که از عوامل حزب بعث بودند، جایگزین نیروهای قبلی شدند. این نیروها، محاصره را به شدت اجرا نمودند و در این راستا به اعمال خشونت‌باری دست یازیدند. «(۲)» در هشت جمادی‌الأولی ۱۴۰۰ ه. ق. رژیم در ادامه این موج جدید خشونت‌ش، اعلام کرد که افرادی را که با حزب

---

۱- سنوات الجمر، ص ۱۸۴-۱۸۳

۲- همان، ص ۱۸۹-۱۸۸

ص: ۱۵۸

دعوت اسلامی مرتبط باشند، اعدام خواهد کرد. به دنبال این فرمان که شکل قانونی به خود گرفته بود، ده‌ها هزار نفر دستگیر شدند. در تداوم این خشونت‌ها، حکومت بعث در نوزدهم این ماه، آیه‌الله صدر را که نه ماه در محاصره بود، به کاخ جمهوری برد. دشمن که فریادهای بیدارگر خواهرش بنت‌الهدی را در دستگیری پیشین از یاد نبرده بود، این بار او را هم با برادر همراه ساخت. بعضی‌ها در ابتدا کوشیدند، با تحمیل خواسته‌هایشان چون، بازپس‌گیری حکم تحریم همکاری با حزب بعث و اعلام تنفر از انقلاب اسلامی ایران، او را به سازش وادارند؛ اما او که شهادت را از جدش امام حسین علیه السلام به ارث برده بود، شکوه سازش‌ناپذیری را به رخ آنان کشید. دشمن که خود را در برابر این شکوه، بسیار خرد و ناتوان می‌دید، دستانش را به خون او و خواهرش آغشت.

کاظمین در سوگ این فرزند راستین خود، باز به خروش درآمد؛ پرچم مبارزه را بار دیگر افراشت و مردم غیورش با یورش به مرکز پلیس شهر که نزدیک حرم مطهر واقع بود، آن را آماج خشم خود ساختند. کاظمین، در مسیر عشق به رهبر سترگش، آیه‌الله صدر و نهضت اسلامی عراق، با تقدیم شهیدانی، عزم راسخش را در پویش این راه نمایاند. گروهی از این شهدا که استوانه‌های سبز رویش

ص: ۱۵۹

فردای پیروزی در عراقند و نامشان در کتاب سنوالت‌الجمر «(۱)» آمده، اینانند: ۱. سید نجاح موسوی، از علمای شهر حرّیه ۲- سید قاسم مبرقع، نماینده شهید صدر در شهرک الثوره ۳. سید جاسم مبرقع، از علمای شهرک الثوره ۴. شیخ فرحان بغدادی، از علمای کاظمین ۵. سید محمد طاهر، مجتهد و از علمای برجسته کاظمین ۶. سید حسن حیدری، مجتهد و از علمای فرزانه کاظمین که در سن هفتاد سالگی به شهادت رسید ۷. سهل طاهر العلی، مدرس علوم دینی.

### سقوط دیکتاتور

سرنوشت برای دیکتاتور عراق رقم خورده بود.

دوستانش نیز از او در هراس بودند. پس از سال‌ها تجاوز و گردنکشی، او دیگر غیر قابل دفاع می‌نمود. او که با آن همه حمایت‌هایی که از او شده بود، نتوانسته بود جلوی موج بیداری را که از انقلاب اسلامی برخاسته بود بگیرد، با شکست در تهاجم هشت ساله‌اش به ایران، با تهاجم به کویت، آهنگ مرگ خود را نواخت. بوش پدر که تا مرز نابودی دیکتاتور عراق پیش رفته بود، تنها به سرکوب این تهاجم و محدود کردن دیکتاتور بسنده کرد. اما بوش پسر که با حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر، زوال قدرت جهانی

ص: ۱۶۰

خود را احساس می‌کرد، انگشت اتهام را نخست به افغانستان، طالبان متحد با القاعده، و سپس به عراق که سال‌ها بود که از آن شکوه گذشته، تنها خواب و سرابی بیش برایش نمانده بود، نشانه رفت تا شاید بتواند با چنین تهاجم‌هایی غرور شکسته‌اش را ترمیم دهد و اعتماد ملی و جهانی را به خود به عنوان ابرقدرت بی‌رقیب بازسازی کند.

در این هیاهو، کاظمین هنوز به نظاره نشستند بود. هر چند حضور سیاسی شیعیان پس از قرن‌ها مظلومیت در صحنه قدرت عراق، می‌توانست امیدهای فردا را در دل همه منتظران ظهور حقیقت و زوال باطل روشن کند.

سال‌های دیکتاتوری به پایان رسیده بود و کاظمین شاهد اعدام دیکتاتور گردید.

صدام در ساعت شش بامداد به وقت محلی در تاریخ ۹ دی ۱۳۸۵ در صبح روز عید قربان به دار آویخته شد.

مراسم اعدام، در اردوگاه عدالت در شهر کاظمین، برگزار شد. شیعیان عراق اعدام صدام را جشن گرفتند. «(۱)» در مراسم سالروز شهادت امام موسی کاظم علیه السلام در روز دوشنبه سی‌ام مهر ۱۳۸۵ در وحشیانه‌ترین حملات گروه‌های سلفی بر ضد شیعیان، آمار شهیدان به ۸۴۱ نفر و مجروحان به ۳۲۳ نفر بالغ شدند. این تلفات وسیع، بر اثر انفجارها، ریزش بخش‌هایی از پل ائمه بر اثر ازدحام ناشی



ص: ۱۶۱

از این انفجارها و خوردن غذاهای مسمومی که تروریست‌ها در خیابان منتهی به حرم پخش کرده بودند، رخ داد. حزب اسلامی عراق از اهالی سنی منطقه اعظمیه خواست دست به دست هم به بردارن خود و قربانیان کمک کنند. «(۱)»

---

۱- خبرگزاری مهر به نقل از شبکه خبری العربیه



ص: ۱۶۳

## فهرست منابع

۱. آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و بزرگان صحابه تابعین، سید عبدالله کُمنونه حسینی، ترجمه عبدالعلی صاحبی، چاپ اول، آستان قدس رضوی، مشهد. ۱۳۷۱ ش.
۲. احسن الودیعه فی تراجم مشاهیر مجتهدی الشیعه، سید محمد مهدی خوانساری، چاپ دوم، حیدریه، نجف ۱۳۸۸ ق.
۳. الأصول من الکافی، کلینی، چاپ سوم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ق.
۴. اطلس بغداد، احمد سوسه، مطبعه مدیره المساحه العامه، بغداد، ۱۳۷۱ ق.
۵. اعیان الشیعه، سید محمد محسن امین، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۰۲ ق.
۶. الامام الجواد من المهد الی اللحد، سید محمد کاظم قزوینی، چاپ اول، الرساله.
۷. بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الأئمه الأطهار، علامه شیخ محمد باقر مجلسی، چاپ سوم، وفا، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۸. البدایه و النهایه، ابن کثیر.
۹. بینات، فصلنامه، شماره ۱، سال اول، معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، بهار ۱۳۷۳ ش.
۱۰. تاریخ آداب اللغه العربیه، جرجی زیدان، دارالهلل.

ص: ۱۶۴

۱۱. تاریخ الامامین الکاظمین علیهما السلام، جعفر نقدی.
۱۲. تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن هفتم هجری، رسول جعفریان، چاپ اول، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.
۱۳. تاریخ حرم کاظمین، شیخ محمد حسن آل یاسین، ترجمه غلامرضا اکبری، کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، مشهد، ۱۳۷۱ ش.
۱۴. تاریخ کاظمین، عباس فیض، قم.
۱۵. تراجم الرجال، سید احمد حسینی، کتابخانه آیة‌الله مرعشی، ۱۴۱۴ ق.
۱۶. جغرافیة الاجتماعیة مدینة الکبری الکاظمیة، نسرین محمود حمزه، چاپ اول، دارالحریه، بغداد، ۱۹۷۵.
۱۷. الجمعة المجاهدة، حرکت اسلامی عراق، ۱۴۰۰ ه. ق.
۱۸. دائرة المعارف بستانی، پطرس بستانی، دارالمعرفه، بیروت.
۱۹. دائرة المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی، بهاء‌الدین خرمشاهی و کامران وفاپی، بنیاد اسلامی طاهر، تهران، ۱۳۶۶.
۲۰. دائرة المعارف الشیعیة، حسن الامین، چاپ دوم، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۰۱ ق.
۲۱. در سایه آفتاب، محمد حسن رحیمیان، پاسدار اسلام، قم، ۱۳۷۱ ش.
۲۲. الذریعة الی تصانیف الشیعة، آقا بزرگ تهرانی.
۲۳. رؤساء العراق ۱۹۲۰-۱۹۵۸، سلیم الحسینی، دارالحکمة، بیروت، ۱۴۱۳ ق.
۲۴. روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات، میرزا محمد باقر

ص: ۱۶۵

خوانساری، اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۰ ق.

۲۵. زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، ائمه دوازدهگانه، عادل ادیب، ترجمه اسدالله مبشری، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲۶. سفرنامه ادیب الممالک به عتبات (دلیل الزائرین) ۱۲۷۳ ه. ق، تصحیح مسعود گلزاری، دادجو، ۱۳۶۴ ش.

۲۷. سفرنامه سیف‌الدوله (سفرنامه مکه)، سیف‌الدوله سلطان محمد، تصحیح و تحشیه علی اکبر خداپرست، نی، تهران، ۱۳۶۴ ش.

۲۸. سنوات الجمر - مسیره الحركه الاسلامیه فی العراق ۱۹۵۷-۱۹۸۶، علی مؤمن، دارالمیصره، لندن، ۱۹۹۳ م.

۲۹. سید محسن حکیم مرزبان حوزة نور، عباس عیبری، چاپ اول، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ ش.

۳۰. شعراء بغداد، علی خاقانی، بغداد.

۳۱. شهید صدر بر بلندای اندیشه و جهاد، مصطفی قلی‌زاده، چاپ اول، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ ش.

۳۲. صفحات سوداء من بعث عراق، عبدالحمید عباسی، چاپ اول، دارالتراث العربی، لندن، ۱۴۰۸ ش.

۳۳. طبقات أعلام الشیعه، شیخ آغابزرگ، چاپ دوم، اسماعیلیان، قم.

۳۴. العراق الواقع و آفاق المستقبل، ولید الحلبی، دارالفرات، بیروت، ۱۴۱۳ ق.

۳۵. علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی، م. جرقادنی، ۱۳۶۴ ق.

۳۶. عنصر مبارزه در زندگانی ائمه علیهم السلام

۳۷. فتوح الحرمین، محیی‌الدین لاری، تصحیح علی محدث، چاپ اول، اطلاعات، تهران، ۱۳۶۶ ش.

ص: ۱۶۶

۳۸. فواید الرضویه در احوال علمای مذهب جعفریه، شیخ عباس قمی.
۳۹. کرام البرره فی القرن الثالث بعد العشره، آغا بزرگ تهرانی، چاپ دوم، دارالمرتضی، مشهد، ۱۴۰۴ ش.
۴۰. لمحات اجتماعیه من تاریخ العراق الحدیث، علی وردی، ادیب، بغداد، ۱۹۶۸ م.
۴۱. المجموعه الکامله لمؤلفات سید محمد باقر صدر، دارالتعارف، بیروت.
۴۲. مرآت الأحوال جهان نما، احمد بن محمد علی بهبهانی، تصحیح و حواشی علی دوانی، چاپ اول، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۰.
۴۳. مرآة المعارف، محمد حرزالدین، چاپ اول، سعید بن جبیر، قم، ۱۳۷۰.
۴۴. مستدرک اعیان الشیعہ، حسن امین، چاپ اول، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۰۸.
۴۵. مصنفات شیخ مفید، چاپ اول، المؤتمر العالمی لألفیه شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
۴۶. معارف الرجال فی تراجم العلماء و الأدباء، شیخ محمد حرزالدین، کتابخانه آیه الله مرعشی (ره)، قم، ۱۴۰۵ ق.
۴۷. معجم البلدان، یاقوت حموی، دارالصادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۴۸. معجم مؤلفی الشیعہ.
۴۹. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی، علمیه اسلامیة، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۵۰. موسوعه العتبات المقدسه، جعفر الخلیلی، اعلمی، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۵۱. مسیر طالبی (سفرنامه میرزا ابوطالب خان)، به کوشش حسین خدیو جم، چاپ دوم، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی،

ص: ۱۶۷

تهران، ۱۳۶۳ ش.

۵۲. نزهة القلوب، حمدالله مستوفی، تصحیح گای استرانج، چاپ اول، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۵۳. نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، شیخ آقا بزرگ تهرانی، چاپ دوم، دارالمرتضی، مشهد، ۱۴۰۴ ق.
۵۴. نگاهی گذرا بر زندگانی امام جواد علیه السلام، سید عبدالرزاق مقرر، ترجمه پرویز لولاور، آستان قدس، مشهد، ۱۳۷۰.
۵۵. نورالاسلام، مجله، شماره ۵۳ و ۵۴، سال چهارم، مؤسسه الامام الحسین علیه السلام، بیروت، ۱۹۹۴ م.
۵۶. نهضت اسلامی شیعیان عراق، جویس ان- ویلی، ترجمه مهوش غلامی، چاپ اول، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۳ ش.
۵۷. نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق، عبدالله فهد نفیسی، ترجمه کاظم چایچیان، چاپ اول، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۴ ش.
۵۸. هداية المحدثین الی طریقه المحدثین، محمد امین، تحقیق سید مهدی رجایی، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم، ۱۴۰۵ ق.
۵۹. هزاره شیخ طوسی، تهیه و تنظیم علی دوانی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۶۰. هنر و مردم، شماره ۷۲، وزرات فرهنگ و هنر سابق.

## درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...



ط) برگزاری همایش‌ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم و دوره‌های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاء الله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰ IR۹۰

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرت! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بداند، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

